

کتاب تثنیه

پیشگفتار

خواهد گزید تا نام خود را در آن بنهد...؛ رعایت کردن احکام و قوانین و قواعدی که به شما می دهم تا به عمل آورید...؛ دوست داشتن و خدمت کردن خداوند، خدایت، با تمام دلت و تمام وجودت...؛ وغیره.» اما بسیاری از این سیاق‌ها در خطابه‌ها و تأملات که وجه مشخصه کتاب‌های یوشع و سموئیل و پادشاهان است، مجدداً ظاهر می‌گردد. این خویشاوندی ادبی بیانگر پیوندی میان کتاب تثنیه و کتاب‌هایی است که در کتاب مقدس ما، بعد از آن قرار دارد، و ناشی از این واقعیت است که مکتب اندیشه‌ای که تثنیه را پدید آورده، از نظر نگارشی بر شکل‌گیری تاریخ اسرائیل اثر گذاشته است: این همان مکتب تثنیه‌ای است. اما سنت، کتاب تثنیه را به کتاب‌های قبلی آن متصل ساخته (که باز هم در آنها تأثیر سبک تثنیه را مشاهده می‌کنیم)، با این هدف که مجموعه‌ای عظیم به وجود آورد که شخصیت موسی برآن مسلط است، شخصیتی که پیش از مرگش با «تمام اسرائیل» سخن می‌گوید: با چنین خیال پردازی ادبی‌ای، مجموع کتاب تثنیه (اگر نگوییم تمام تورات) همچون وصیت موسی نمودار می‌گردد.

کتابی محورگونه

کتاب تثنیه روایت عظیم خروج از مصر را پی می‌گیرد: کتاب در همان جایی آغاز می‌شود که کتاب اعداد ناتمام باقی مانده بود، و با رویداد مهم رحلت موسی نیز به پایان می‌رسد. با اینحال، میان صفحه اول و آخر کتاب، پیشرفتی در رویدادهای تاریخی رخ نمی‌دهد، و بنی اسرائیل در جا می‌زند: از همان آغاز، خود را در آنسوی اردن، در سرزمین موآب می‌یابیم (۵:۱)، و در همین جا است که موسی وفات خواهد یافت.

یکپارچگی و انسجام کتاب به این سبب است که کتاب خود را همچون سخنان موسی به قوم معرفی می‌کند (به همین دلیل است که عنوان کتاب در عبری «سخنان» است)، سخنانی که در آستانه ورود به سرزمین موعود بیان شده است.

یکپارچگی و اصالت سبک کتاب حیرت انگیز است. سیاق‌های اغلب تکرار می‌شود که در تمام کتاب مشابه است، گرچه هیچگاه تشابه مطلق ندارند، سیاق‌هایی نظری این: «به مالکیت در آوردن سرزمینی که خداوند سوگند خورده به پدرانتان بدهد...؛ جستجوی خداوند در مکانی که خداوند، خدای شما، در میان تمام قبیله‌های شما بر

شکلی قدیمی تر و کوتاهتر (احتمالاً ث - ۱۲ - ۱۶)

این کتاب از کجا آمده بود؟ یوشیا پیش از «انتشار» آن، از یک نبی زن می خواهد تا درستی آن را تأیید کند؛ این نبی زن از مردمان مملکت شمالی بود که پس از سقوط سامره، به اورشلیم آمده بود و در محله جدید ساکن شده بود. این امر می تواند حاکی از تأثیر محافل نبوتی باشد (خصوصاً الهیات هوشع). از سوی دیگر، به هنگام اصلاحات مذهبی در زمان حزقيای پادشاه که مطابق ۲-پاد ۱۸، ۴:۲۲، کمتر از یک قرن پیش از این، کوشیده بود مذهب را در اورشلیم متمرکر سازد، هیچ اشاره ای به سندی مكتوب نشده است. لذا شکل اولیه کتاب می تواند پس از شکست این اصلاحات اولیه تألیف شده باشد، یعنی در دوره سلطنت منسی که بار دیگر مذاهب بت پرسنی را رواج داد (۲-پاد ۲۱)، یعنی در طول نیمه اول سده هفتم پیش از میلاد. این اثر بیانگر گرایش‌های اصلاح طلبانه محافلی است که علیه اختلاط مذهبی و نیز بی عدالتی‌های اجتماعی مبارزه می کردند، همان گرایش‌هایی که وجه مشخصه سنت‌های نبوتی است. سیک ادبی و نگارش کتاب تثنیه آنچنان استوار و غنی است که انسان را به فکر محافل «کاتبان» یا بلندپایگانی می اندازد که اندیشه‌های اصلاح طلبانه شان به هنگام جلوس یوشیا بر تخت، قویاً مطرح شده است.

این چنین است «خيال پردازی ادبی» تثنیه که بر آن است تا شرایط زندگی در سرزمین موعود را از دهان موسی خطاب به قومی بیان کند که می رفت وارد این سرزمین گردد؛ محافل مذکور در اثر تجربیاتی که در دوره

شريعت دوم

فصل های ۱۲ تا ۲۶ شامل احکامی به شکل قانون نامه است؛ همین امر توجیه کننده عنوان «تثنیه» است، یعنی «شريعت دوم». این همان عنوانی است که مترجمین ترجمه هفتادتنان به آن داده اند (ر.ک. ۱۷:۱۸). این احکام در مقایسه با شريعتی که در سینا داده شد (احکام عهد، خروج ۲۰:۲۲ تا ۱۸:۲۳)، «دوم» می باشد. این شريعت دوم، در قلب خطابه موسی در دشتهای موآب، شرایطی را تعیین می کند که بنی اسرائیل باید تحت آنها در سرزمینی که برای زندگی در آرامش وارد آن می شوند، زندگی کنند. این شريعت در واقع حالت «قانون اساسی» را به خود می گیرد (ر.ک. ۱۸:۱۶ تا ۱۸:۲۲).

اما رویدادی مهم که از زمان پدران کلیسا نیز به آن توجه شده، کمک می کند تا دوره ای را تعیین کنیم که در آن، کتاب تثنیه نخستین شکل گیری مکتوب خود را یافت. کتاب پادشاهان نقل می کند که در هجدهمین سال سلطنت یوشیا (۶۲۲ ق.م.)، «کتاب شريعت» (۲-پاد ۱۱، ۸:۲۲) یا «کتاب عهد» (۲-پاد ۲۱، ۲:۲۳) را در معبد اورشلیم کشف کردند. پادشاه که عمیقاً تحت تأثیر قرائت این کتاب قرار گرفته بود، تمام قوم را گرد آورد و عهد را به شکلی پرشکوه تجدید کرد و حکم به اصلاحات مذهبی داد. برنامه این اصلاحات (۲-پاد ۴:۲۳ - ۲۰) را در

منطبق بود با اقتضاهای بنیادین کتاب تثنیه، یعنی نابودی همه پرستشگاهها در سایر مناطق و تمرکز مذهب در اورشلیم (ث - ۱۲). لذا به نظر می رسد که سندی که در زمان یوشیا کشف شد، همین تثنیه باشد، اما قطعاً در

(برای مثال، ۲۷:۱۱-۱۴). منظور، گردهم‌آیی برای تجدید عهد می‌باشد (نظیر گردهم‌آیی مذکور در ۲-پاد ۳:۲۳)، که در طی آن، تمامی قوم گرد می‌آیند تا به اعلام شریعت گوش فرا دهند و متعهد به اجرای آن گردند.

به این ترتیب، رد پای آیین نیایش در این کتاب به چشم می‌خورد؛ این امر حاکی از آن است که نگارندگان تثنیه اهمیتی بس فراوان برای تجربه عهد قائل بودند و آن را همچون تجربه‌ای بنیانگذارانه و بنیادین در تاریخ «تمام اسرائیل» تلقی می‌کرده‌اند. اما در ضمن، مقوله عهد از تأملی بر سنت‌های مربوط به معاهده‌های بزرگ در خاور نزدیک باستان ناشی می‌شود، چه به لحاظ قضایی و سیاسی و چه به لحاظ الهیاتی. به همین دلیل است که احکام قانون نامه و نیز بخش‌هایی که نقش چارچوب آن را بازی می‌کنند، حاکی از تماس‌های مهم با اسناد قضایی متعلق به تمدن‌های مجاور می‌باشد. ترتیبی که در مجموع کتاب تثنیه وجود دارد، ترتیبی نسبتاً مشابه را با این اسناد دنبال می‌کند: یادآوری گذشته و نصائح (۱۱-۱)؛ اعلام شریعت (۱۶:۲۶-۱۲)؛ تعهد متقابل (۲۶:۱۲-۲۰)؛ وعده‌ها و تهدیدها (۲۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰) که شامل اعلام برکات‌ها و لعنت‌ها می‌باشد (۲۸)؛ و احضار شاهدان (۳۰:۱۹-۲۰).

تجربه عهد به خطابه‌ای که موسی درست پیش از ورود قوم به سرزمین موعود، در دشتهای موآب بیان می‌دارد، شکل می‌بخشد: این لحظه همان «امروز» عهد می‌باشد. این عهد قویاً با عهد نخستین پیوند دارد، یعنی با عهد سینا، درست پس از گذر از دریا؛ در

سلطنت، چه در شمال و چه در اورشلیم، از شئون مختلف زندگی قوم کسب کرده بود، در مورد شرایط زندگی نوین اندیشه‌یده بودند و مایل بودند اصلاحاتی ژرف پدید آورند. پیگیری این نوع اندیشه در بطن مکتب تثنیه‌ای، به هنگام مواجهه با رویدادهای تبعید، سبب خواهد شد که خصوصیت آرمانی احکام کتاب تثنیه، لحنی حتی جدی تر به خود بگیرد.

عهد

خطابه تثنیه «تمام اسرائیل» را مخاطب قرار می‌دهد (۱:۱؛ ۳۴:۱۲)، یعنی در آن واحد، هم تک تک بنی اسرائیل را به طور انفرادی، و هم تمامیت قوم را که با ایشان همچون همکار شخصی خداوند سخن رانده می‌شود (مثالاً ر. ک. ۵:۶-۴:۶ یا ۹:۱). خطابه موسی گاه با ضمیر «تو» به بنی اسرائیل بیان می‌شود و گاه با ضمیر «شما»؛ این امر اساسی را به وجود آورده تا فرضیه‌های مختلفی در خصوص تاریخ نگارش کتاب پدید آید. این عامل را می‌توان همچنین به حساب پویایی خطابه گذاشت؛ یعنی بر اساس لحظات و محتواهای خطابه، می‌توان افراد را به طور فردی مخاطب قرار داد (ستوز)، یا به طور گروهی (سشماز). چنین شیوه‌ای برای مخاطب قرار دادن افراد، احتمالاً مربوط می‌شود به شرایط برگزاری مراسmi که طی آن عملًا تمام اسرائیل گرد می‌آمدند تا قرائت شریعت را بشنوند، چنانکه در ۳۱:۹-۱۳ نیز به این اشاره شده است. بخش‌های دیگر نیز احتمالاً به این نوع گرددم‌آیی‌ها اشاره می‌کنند که ریشه در تاریخ اسرائیل دارد

(۶۹:۲۸): «و این برگشتی است که موسی...» (۱:۳۳). این عبارات خصوصیت کتاب را همچون «سخنان» تشکیل می‌دهد، سخنان موسی، سخنان شریعت، سخنان عهد، و سخنان برکت.

چهار فصل اول بار دیگر پایان سفر قوم در بیابان را بیان می‌کند (ر.ک. اعد)، که هم مقدمه‌ای است تاریخی برای مراسم تجدید عهد، و هم آغاز تاریخ به روایت محافل تثنیه‌ای (یعنی تاریخ مذکور در ث ۱ تا ۲ پاد ۲۵).

قانون نامه احکام در مرکز کتاب قرار دارد (۱۱:۱۲ تا ۱۶:۲۶) و مجموعه‌ای از «احکام و قواعد» محسوب می‌شود. این قانون نامه شامل سه بخش است. بخش نخست (۱۲:۲ تا ۱۷:۱۶) که احتمالاً قدیمی‌ترین بخش است، به موضوع وحدت می‌پردازد: مکانی واحد (۱۲)، خدایی واحد (۱۳)، رابطه‌ای منحصر به فرد با خدا (۱۴)، و در پایان آن به اعیاد اشاره می‌شود (۱۶). بخش دوم (۱۸:۱۶ تا ۲۲:۱۸) به نهادها می‌پردازد (عدالت، سلطنت، کهانت، نبوت). بخش سوم (۱:۱۹ تا ۱۶:۲۶) دستورهای قانون نامه عهد را تکرار می‌کند و احتمالاً آنها را بر اساس منهیات بزرگ «ده گفتار» تنظیم می‌نماید.

در رأس قانون نامه، پیش از هر چیز، عطیه «ده گفتار» (فصل ۵) قرار دارد: سپس مجموعه‌ای از نصایح می‌آید که قلب تجربه عهد را به صراحة تشريع می‌کند: نگاه داشتن احکام، و خدمت کردن و دوست داشتن خداوند. در انتهای قانون نامه، مجموعه‌ای قرار دارد که آشکال مختلف عهد را ترکیب

واقع، عهد دوم موضوع رهایی از بردگی را از عهد نخستین بر می‌گیرد. روحیه و حالت فکری ملموسی که هر یک از افراد بنی اسرائیل، در اثر پذیرش عهد، به آن متعهد می‌گردد، ریشه در خاطره رهایی از بردگی دارد؛ این امر همچنین نحوه ملموس عمل او را شکل می‌بخشد؛ برای مثال، انگیزه او را برای رعایت سبّت در «ده گفتار» (۱۵:۵-۱۲:۵) تشکیل می‌دهد؛ حکم مربوط به آزاد ساختن بدهکاران و بردگان نیز ناشی از همین تعهد است (۱۵:۱-۱۸:۱)؛ همچنین احکام مربوط به دستگیری از تنگستان برخاسته از همین حالت فکری و عملی است (۲۲-۱۷:۲۴).

عهد دوم ریشه در خاطره خروج از مصر دارد؛ به این ترتیب، قوم را علی‌رغم دل سخت و فراموشکارشان، در مقابل یک انتخاب قرار می‌دهد، انتخاب آزادی و حیات (فصل ۳۰).

برخلاف کتاب ارمیا که ضرورت عهدی «جدید» را احساس می‌کند (ار ۳۱:۳۱-۳۴)، کتاب تثنیه مراسم تجدید دوره‌ای عهد را در حیات قوم بنیان می‌گذارد (فصل ۳۱).

کتاب در شکل نهایی اش و طرح آن

شكل‌گیری کتاب تثنیه که از اواسط سده هفتم پیش از میلاد آغاز شد، پس از دوره‌ای نسبتاً طولانی، سرانجام شکل کنونی اش را می‌گیرد که ترکیب آن نسبتاً روش است.

ساخたار مجموعه کتاب که آن را «آرشیوها» می‌نامند، آن را به چهار بخش تقسیم می‌کند. این آرشیوها با چهار عبارت مشخص می‌شوند: «این است سخنان موسی» (۱:۱)؛ «و این است شریعتی که موسی عرضه داشت» (۴:۴)؛ «این چنین است سخنان عهد»

الف) خدای اسرائیل

«گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است» (۴:۶). این برای اسرائیل نقطه مرجع بنیادین است، نقطه حرکت و تلاقی تمام اندیشه اش و تمام عملش.

اسرائیل می تواند بگوید «خدای ما». در واقع، اگر یهوه به ندرت، خصوصاً در متون متأخر، خود را خالق بشریت معرفی کرده (۳۲:۴)، اما او پیش از هر چیز، همچون کسی شناخته شده که خود را در طول تاریخ قومش آشکار ساخته است. کتاب تثنیه به ماجراهای اندکی از این تاریخ اشاره می کند، اما گفتارهای آن دائماً بر پایه مراحل اساسی آن استوار است: وعده هایی که به پدران داده شده (۳۱:۴)، حروج از مصر (۱۹:۷)، اعطای شریعت بر کوه حوریب (۵:۵)، عبور از بیان (۲:۸)، ورود برای زندگی طولانی و سعادتمند (۴۰:۴) به سرزمینی نیکو (۲۵:۱) که در گذشته وعده اش داده شده است. در نظر نگارنده، این مرحله آخر که در چارچوب خطابه موسی به شکل امری در آینده معرفی شده، مسلماً جزوی از اعمال خدا تلقی می شود که یاد آن را باید بی وقفه حفظ کرد (۹:۴). اسرائیل در این رویدادها، قدرت خدای خودش را «به چشم دیده» - یا بهتر است بگوییم که یهوه به او چشمانی داده تا قادر باشد او را از اعمالش بشناسد (۳:۲۹)، آن سان که «اعتقادنامه» اسرائیل، که از کهن ترین روزگاران مبتنی بوده بر یادآوری اعمال عظیم خداوند در حیات قومش، در قلب کتاب تثنیه قرار می گیرد: این اعتقادنامه که گاه به صراحت بیان شده (۲۱:۶ - ۲۳:۶)

می کند، مانند تعهد متقابل (۱۷:۲۶ - ۱۹:۱)، آیین نیایش کهن (۲۷)، معاهده ای که با بیان برکت ها و لعنت ها پایان می پذیرد (۲۸)، و نصایحی که مفهوم تجدید عهد را روش می سازد (۳۰ - ۳۱).

پس از سرود موسی که خداوند را همچون «صخره اسرائیل» ستایش می کند (۳۲)، و برکت دادن دوازده قبیله اسرائیل (۳۳: ر.ک. پید ۴۹ در خصوص کل تورات)، سنت های مربوط به رحلت موسی (۳۴)، پایان بخش مجموعه کتاب و نیز تمام تورات می گردد.

الهیات کتاب

کتاب تثنیه با اینکه در طول زمانی طولانی و با مطالبی متنوع (نیایشی و قضایی) شکل گرفته، با اینحال از انسجامی قوی برخوردار است که نشان از کار محفل تثنیه ای دارد و گذشته را با آینده ای آرمانی ترکیب می کند. از ورای تنوع مطالبی که آن را تشکیل می دهند، می توان خطوط مهم الهیاتی آن را تشخیص داد.

در قلب تجربه عهد، خطابه ای بنیادین یافت می شود:

گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است. یهوه، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جانت و با تمامی قوت دوست خواهی داشت (۶:۴ - ۵).

در اینجا چیزی همچون خلاصه موضوعات اصلی کتاب تثنیه را مشاهده می کنیم: راز خدا، انتخاب قومی در پیوستگی تاریخش، نیاز به عملی که تمام شئون زندگی را در بر می گیرد.

می‌تواند باشد (۹:۵). کتاب تثنیه که وارد سنت‌های ایلیا است، انحصاری بودن رابطه با یهوه را با وحدانیت او مرتبط می‌سازد: نخستین و بزرگترین حکم مربوط است به عبادت انحصاری یهوه (۷:۵-۱۰) و پرهیز از کشیده شدن به سوی خدایان دیگر. در چنین چشم اندازی که باید تمامی شئون حیات قوم را تحت تأثیر قرار دهد، تثنیه پیش از هر کتاب دیگری، اصل یگانگی پرستشگاه را مطرح می‌سازد (۱۲:۵) که جماعت اسرائیل (۲۲:۵) باید در آنجا گرد آیند، همانطور که در حوریب گرد آمدند. به این شکل، هر آنچه که می‌تواند عبادت مختص به یهوه را منشعب سازد، از سر راه برداشته می‌شود (۴:۶). شریعت نیز خودش نشانی از وحدانیت دارد؛ مشاهده این امر حیرت انگیز است که در ضمن اینکه در این کتاب مجموعه‌ای طولانی از «احکام» و «قواعد» مطرح می‌شود، کما کان این علاقه هست که از «شریعت» و از «حکم» سخن به میان آورده شود (۱:۵؛ ۳۱:۵؛ ۱:۶)؛ شریعت آن طریقت یگانه‌ای را تعیین می‌کند که تمام قوم باید در آن سلوک کنند. «یگانه پرستی» کتاب تثنیه را نباید بر اساس استنباط امروزی درک کرد؛ در واقع، منظور این است که اسرائیل دعوت شده تا شاهد وحدانیت خدا باشد، در ضمن اینکه به تمام جنبه‌های زندگی نیز وحدت می‌بخشد: خدایی واحد، پرستشگاهی واحد، شریعتی واحد، قومی واحد.

ب) قوم خدا
اسرائیل این تجربه را داشته که یهوه واحد او را «سهم شخصی» خود ساخته (۷:۶)

(۹:۶-۱۱)، در همه جا به شکلی مستتر محسوس است؛ و همین اعتقادنامه است که اعتقاد از بت‌پرستی و دعوت به پیوندی انحصاری به خداوند را پایه ریزی می‌کند. به این ترتیب، رویدادهای گذشته نشانه‌ای بزرگ از وفاداری خدا به قومش می‌باشد. نشانه دیگر، سخنگویان یهوه می‌باشد. در این چارچوب، موسی قبلًا نقشی منحصر به فرد ایفا کرده (۱۱:۳۴)، نقشی که به واسطه شریعتی که عرضه داشت، تا ابد تداوم خواهد یافت؛ اما در طول حیات اسرائیل، انبیا (۱۸:۱۵) و به شکلی دیگر- لاویان (۳۱:۹) به بعد، شاهدان و مفسران یهوه هستند، یا به عبارتی دیگر، واسطه‌هایی میان او و انسان‌ها. به خاطر وجود چنین نشانه‌هایی، اسرائیل می‌تواند پی ببرد که خدایش خدایی است نزدیک (۷:۴) که با او عهدی بسته (۲۶:۱۷)، زیرا دوستش می‌دارد (۶:۵).

بدینسان، برای اسرائیل، یهوه واحد و منحصر به فرد است. کتاب تثنیه مطابق نیروی محركی که میراث انبیا است، بر این اعتقاد الهیاتی می‌اندیشد؛ اما شیوه‌ای که در این رهگذر به کار می‌برد، نسبت به اعتقادات مذکور در سایر معاهدات، حالتی اعتقادی دارد، گرچه شکل خود را از آنها به عاریت گرفته است. با پیروی از الهیات هوشع (ر.ک. هو ۱-۳)، وحدانیت یهوه را باید در چارچوب استعاره پیوند زناشویی درک کرد: به همین دلیل است که آنچه در عهد پیش از هر چیز دیگری قرار می‌گیرد، «دوست داشتن» یهوه است (۶:۵)؛ به همین دلیل است که یهوه «حسود» است، به همان سان که شخص عاشق

سرزمین هدایت کرده؛ اگر لازم است اعیاد را برگزار کرد (۱۶:۱، ۳:۱۲) و سپّت را نگاه داشت (۵:۱۵)، علتش خاطره دوره خروج است؛ اگر لازم است که اسرائیل امروز فقیران را دستگیری کند (۱۰:۱۸) و از ستم به هر کسی که باشد دوری کند (۲۳:۸)، به خاطر این است که اسرائیل خودش در مصر تحت ستم بود. بدینسان، اگر تثنیه می‌تواند حتی از تنگ نظری برخی محافل که اشخاص بیگانه را از خود جدا می‌ساختند فراتر برود، باز علتش همان خاطره خروج از مصر است (۱۴:۲۱؛ ۲۳:۳؛ ۱۵:۲۱؛ ۲۸:۲۱). کل

زندگی قوم، در طول موجودیتش، تبدیل می‌شود به یادمان رویدادهای نجاتش.

اصل «حرمت به تنگستان»، جایگاهی بنیادین را در این مجموعه اشغال می‌کند. برای مثال، با خواندن دستورهای مربوط به ده یک سه ساله (۱۴:۲۸)، عفو بدھی‌ها (۱۵:۱)، آزادسازی بردگان (۱۵:۱۲-۱۲:۱۸)، برداشت محصول و خوش‌چینی (۲۳:۲۵)-۲۵، به این نکته پی می‌بریم. حتی خود پادشاه نیز باید تا حد امکان مانند یک فقیر زندگی کند (۷:۱۵). چنین تأکیدی به طور خاص در دوره‌ای عاجل می‌نمود که قدیمی‌ترین بخش کتاب نوشته شد، و مستقیماً از افشاگری نبوی سده پیش از آن ناشی می‌شود؛ زیرا آینده قوم در آن دوره در اثر عدم تعادل اجتماعی در خطر قرار داشت: طبقه شروتمندی که به شکلی فزاینده نیزمند می‌شد، در نقطه مقابل قومی محقر قرار داشت که روز به روز بینوار می‌شد؛ لذا ضروری بود که به نام گذشته، یادآوری شود که همه افراد بنی اسرائیل برادرند، و مبارزه در راه

(۷:۶)، و نیز «قوم مقدس» خود (۷:۶)، که به رایگان مورد لطف قرار گرفته (۹:۵)، علی‌رغم کوچکی اش (۷:۸)، و همچون پسر خانواده با او رفتار شده است (۱:۱۳؛ ۸:۳). الهیات برگزیدگی، سرچشمه خود را در بازخوانی و تفسیر مجدد رویدادهای گذشته می‌یابد؛ این الهیات حس آگاهی از محبت خدا را شکل می‌بخشد، حسی که در هر نسلی تجدید می‌گردد (۲۹:۲؛ ۱۱:۱۴)، آن سان که در هر دوره، قوم خدا باید تصدیق کند که خدایش او را «امروز» مخاطب قرار می‌دهد (۱:۱۰؛ ۳۰:۱۵).

این امر طبعاً مستلزم پاسخی فعلی است که تمامیت قوم را در بر می‌گیرد، و نیز تک تک افراد قوم را. لازم است که «دل خود را ختنه کرد» (۱۰:۱؛ ۳۰:۶)؛ به عبارت دیگر، باید از اعماق وجود وارد عهد شد. لازم است که هر نوع سازشی را با قوم‌های همجوار و خدایانشان رد کرد (۴:۱۹؛ ۱۷:۳) تا بتوان در «کلام» زندگی کرد (۶:۳)، به آن گوش سپرد، آن را حفظ کرد، و به شریعت در تمامی جزئیاتش و نیز در کلیتش وفادار ماند؛ خلاصه باید «یهوه را با تمامی دل و با تمامی جان و تمامی قوت دوست داشت» (۶:۵). به این نحو است که می‌توان عادل بود (۶:۲۵) و کل زندگی خود را شهادتی از ایمان ساخت.

اما کار به اینجا خاتمه نمی‌یابد؛ اسرائیل در اثر وفاداری به شریعت، به رویدادهای نجات می‌پیوندد، زیرا اطاعت‌ش در نهایت مبتنی است بر نیل به نتایج ملاقات‌هایش با خدا (۵:۱۵). اگر لازم است که نوبرهای سرزمین کنعان را به او تقدیم داشت (۶:۲۵)، به این علت است که قوم را یهوه تا به این

نمی‌تواند آخرین کلام باشد: روزی فرا خواهد رسید که خدا کاری خواهد کرد که قوم بازگشت کنند و آمرزش را دریافت دارند (۳:۳۰). در چنین انتظار و در چنین یقینی است که علی‌رغم فاجعه آزادی قصور پذیر، بازگشت دل و انتخاب حیات بار دیگر میسر می‌گردد.

جایگاه تثنیه در کتاب مقدس

تثنیه در کتاب مقدس جایگاه مهمی دارد. علتش فقط این نیست که سنت یهود در آن اعتقادنامه بنیادین خود را می‌یابد، یعنی «شماع اسرائیل» را که می‌فرماید: «گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است» (۴:۶)؛ و نه به این علت که عیسی از آن بزرگترین حکم را بر می‌گیرد: «یهوه، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جانت و با تمامی قوت دوست خواهی داشت» (۵:۶). این سنت به سبب روح خاصی که آن زیر ضربه خشمی که سزاوارش می‌باشد، هلاک نشود (۷:۹). حال، در دیگر دوره‌های تاریخ اسرائیل چه اتفاقی خواهد افتاد، یعنی در این «امروز» که هر کس دعوت شده تا تصمیم بگیرد؟ نویسنده‌گان کتاب این فاجعه را از پیش احساس کرده بودند. زمانی فرا خواهد رسید که هر توهمی کنار می‌رود: اسرائیل ثابت کرده که قادر نیست یهوه را انتخاب کند و از این راه، به حیات دست یابد؛ قوم به سوی فاجعه پیش می‌رود. پس از تبعید، نمی‌توان باز ایستاد از بازگو کردن این امر (۱۵:۲۸)، و اندیشیدن به شیوه‌ای الهیاتی در مورد شرایط لازم برای «بازگشت به سوی یهوه» (باب ۳۰).

در مقابل فاجعه تاریخ و گناه، اندیشه تثنیه می‌کوشد امیدی فراهم سازد. زیرا گناه انسان

تنگستان در دستور کار قرار گیرد (۴:۱۵). نویسنده‌گان اولیه تثنیه خوش بین بودند، اگر نگوییم آرمان‌گرا: ایشان بر این تصور بودند که اسرائیل قادر است به دعوت خدا پاسخ دهد و براستی زندگی خود را تبدیل کند به یادمانی از رویدادهای نجات (ر.ک. ۲۸:۲۶؛ ۱۶:۲۸).

با این وصف، نویسنده‌گان نمی‌توانستند از این نکته غافل بمانند که «فاجعه‌ای» در راه است، در اینجا دو طریقت وجود داشت: طریقت وفاداری و سعادت؛ و طریقت سرکشی و سیه روزی (۱۱:۲۷-۲۸؛ ۲۸:۱۱)؛ باید انتخاب کرد، انتخابی که آینده قوم را رفم می‌زند (۳۰:۱۵-۲۰). اما عملًا چه اتفاقی افتاد؟ از همان زمان خروج، قوم بی‌وقفه سرکشی کرده‌اند، و همواره لازم بوده که موسی وسات کند و خدا نیز به شکلی خستگی ناپذیر وفاداری نشان دهد تا اسرائیل زیر ضربه خشمی که سزاوارش می‌باشد، هلاک نشود (۷:۹). حال، در دیگر دوره‌های تاریخ اسرائیل چه اتفاقی خواهد افتاد، یعنی در این «امروز» که هر کس دعوت شده تا تصمیم بگیرد؟ نویسنده‌گان کتاب این فاجعه را از پیش احساس کرده بودند. زمانی فرا خواهد رسید که هر توهمی کنار می‌رود: اسرائیل ثابت کرده که قادر نیست یهوه را انتخاب کند و از این راه، به

در اینجا باید این نکته را تکرار کرد که تثنیه، پیش از آنکه مجموعه‌ای از احکام باشد، تأملی است برآنچه که بنیاد تمامی اطاعت ما را از خدا تشکیل می‌دهد، که همانا عمل او در حیات و تاریخ قومش می‌باشد. بنا بر این، آنچه که باید بر وجود مؤمنین چیره باشد، حالت قدردانی است.

افزون بر این، خود این احکام، گرچه به همین شکلی که ارائه شده اند طالب اطاعت ما نیستند، اما به نحوی بیان شده اند که می‌توانند به ما بصیرت ببخشند. در واقع، آنچه بر تمام این تعلیمات حاکم است، نیت شخص است برای دستیابی به وفاداری ای اصیل در قلب دنیابی که در حال تحول می‌باشد.

در این روزگار که مؤمنین از هر مذهبی در خصوص بنیادی استوار برای اخلاقیات سردرگم می‌باشند، تثنیه الگویی بسیار پرمغز از قانونی به دست می‌دهد که نمی‌کوشد خود را از بیرون بر انسان تحمیل کند، بلکه سعی دارد در اندیشه و تصمیمات دل او ریشه بدواند. این اخلاقیات هم معقول است، هم روشن بین و هم بالغانه؛ حکمتی است واقعی (۴:۵-۸)، اخلاقیاتی که در پی عدالت است (۱۶:۲۰)، چرا که به عدالت خدا باور دارد (۱۰:۱۸). از آنجا که خدا را در جریان تاریخ ملاقات می‌کنیم، رفتار هر روزه ما باید بر اساس رویدادهای نجات جهت بیابد.

این کتاب همچنین اخلاقیاتی مبتنی بر محبت عملی را تعلیم می‌دهد؛ دوست داشتن یهوه تمام شئون وجود بشری را فرا می‌گیرد، از سیاست گرفته تا بهداشت، و از زندگی اجتماعی گرفته تا رفتار با برادر، حتی احترام

بر این تابلوی گسترده تاریخ نگاری است که توجه اش بیشتر معطوف به معبد اورشلیم و اطاعت از احکام شریعت می‌باشد. «شریعت دوم» یعنی کتاب تثنیه، با مرتبط ساختن شریعت و ایمان با قاطعیتی که ریشه در تجربه عهد دارد، کلید در ک تاریخ را به دست می‌دهد. موضوع انتخاب میان دو طریقت، که یکی منتهی به حیات می‌شود و دیگری منتهی به مرگ (تث ۳۰)، به شکلی گسترده در تعلیمات اخلاقی یهودیت متأخر (نظیر مزمیر) تداوم می‌یابد، و نیز در انجیل (مت ۷، ۱۳-۱۴). و آگاهیم که دستگیری از برادران قبیر که دغدغه دائمی کتاب تثنیه و درون مایه حیات اجتماعی یهودیان است، چگونه در دل انجیل جای می‌گیرد. همچنین باید خاطرنشان ساخت که انجیل یوحنا که در آن سبک خطابه غالب است، و نیز حتی الهیاتش، یعنی الهیات محبت، تا چه حد به کتاب تثنیه شباهت دارد.

تثنیه در روزگار ما

آیا کتاب تثنیه دستاورده برای مسیحیان قرن بیست و یکم دارد؟ اکثر احکام آن مربوط می‌شود به موقعیت اجتماعی و فرهنگی که با روزگار ما بسیار متفاوت است. نتیجه این امر آن است که برای دوره‌های بعدی، پاره‌ای از اعتقادات این کتاب و شکلی که به آنها می‌بخشد، دشوار بنماید. برای مثال، امروز چگونه می‌توان مقوله برگزیدگی را در ک کرد؟ وحدانیت خدا را؟ دغدغه تنگستان را؟ وانگهی، حال که مسیح نظام ایمان و فیض و روح القدس را برقرار ساخته، آیا نباید فکر کرد که شریعت زوال پذیرفته است (ر.ک. روم ۳:۲۸؛ ۵:۲۳؛ ۶:۱۴)؟

نویسنده‌گان کتاب بر جدیت گوش سپردن و به حیوانات (۷:۲۲)، یا درخت (۱۹:۲۰). هر موقعیتی در زندگی، ما را در مقابل انتخابی به نفع یهوه یا بر علیه او قرار می‌دهد؛ آینده ما بستگی به این انتخاب دارد، زیرا داوری ما بر اساس اعمالمان خواهد بود، و خصوصاً بر اساس حالت و رفتار ما نسبت به آنان که تنگدست ترنده.

کتاب تثنیه همچنین از راه دیگری نیز با ما سخن می‌گوید، و این راه همانا تأکید بر خصوصیت رایگان و در عین حال جدی رابطه انسان با خدا است، رابطه‌ای بر اساس عهد الهی، رابطه‌ای که مبتنی است بر گوش فرا دادن به کلام خدا و به عمل آوردن آن از سوی قوم او، شریعت در واقع فقط به شکلی آرمانی در باره شرایط لازم برای ورود به سرزمین موعود سخن نمی‌گوید، بلکه به طور خاص بر عواقب ناشی از برگزیدگی رایگان و میراث سرزمین کنعان نیز تأکید می‌گذارد.

تعادلی را میان این دو خصوصیت عهد نگاه می‌دارد، یعنی خصوصیت‌های رایگان بودن و جدیت، حفظ این تعادل دشوار است و نه فقط در یهودیت، بلکه در فرقه‌های مختلف مسیحیت نیز اغلب سبب پیدایی اندیشه اخلاقیات مبتنی بر صواب یا اخلاق گرامی سخت‌گیرانه گردیده است.

در میان تمام گواهان در کتاب مقدس، تثنیه یکی از بارورترین بنیادها را برای کشف مجدد اخلاقیات الهیاتی بالغانه، متعادل و پویا فراهم می‌سازد.

كتاب تثنية

نخستین خطابه موسی (۱:۴ تا ۴۳)

در این کوه مسکن گزیده اید؛^۷ بر گردید و حرکت کنید؛^۸ به کوهستان اموریان و نزد تمام همسایگانشان بروید؛ در عربه، در کوهستان، در سرزمینهای پست، در نگب و بر کناره های دریا، به سرزمین کنعانیان، و به لبنان، تا به رود بزرگ، رود فرات.^۹

^{۱۰} بنگر؛ من سرزمین را به دست شما می سپارم؛ بروید و مالک سرزمینی شوید که یهود به پدرانتان، به ابراهیم و به اسحاق و به یعقوب سوگند یاد کرده که آن را به ایشان بدهد، به ایشان و به اعقابشان بعد از ایشان.»^d

انتصاف داودان

انتصاب داوران
در آن زمان به شما گفتمن: «من به تنها بی
نمی توانم متحمل شما گردم. ۱۰ یهوه،
خدایتان، شما را فروني بخشیده، و اینک
شما امروز^۱ به اندازه ستارگان آسمان،
کشیر هستید. ۱۱ بادا که یهوه، خدای

a تقسیم بنده کتاب به چهار مجموعه بزرگ را به واسطه کاربرد اصطلاح «این است...» می توان تشخیص داد: ۱:۱؛ ۴:۴؛ ۴:۴؛ ۴:۵ تکرار شده؛ ۲:۸؛ ۶:۸؛ و ۱:۳:۲. این ترتیب که آن را «آرشیو» می نامند، کتاب تنشیه را دارای خصوصیتی ساخته که آن را این چنین مانگذاری کنند: «سخنان موسی» (۱:۱)؛ «تورات» (۴:۴)؛ «سخنان عهد» (۸:۲۸)؛ «برکات» (۱:۳:۳).

b این عبارت در فصل های اولیه کاراً به کار رفته (۴:۰؛ ۲:۸؛ ۱:۳؛ ۱:۵؛ ۱:۱۰؛ ر.ک. ۹:۵)، و هر بار به مسیر جدیدی اشاره می کند که خداوند برای حرکت قومش تعیین می فرماید.

c این فهرست دلالت دارد بر مناطق مختلف سرزمین موعود که شامل حدودی می شود که اسرائیل هرگز به آنها دست نیافتد (ر.ک. توضیح خروج ۲:۲۳؛ ۳:۱؛ توضیح بوشع ۴:۱).

۱ این است سخنانی^۱ که موسی به
تمام اسرائیل گفت، در آن سوی
اردن، در بیابان، در عربه، در مقابل سوف،
بین فاران، توفول، لابان، حصیروت و
دی ذهب.^۲ یازده روز است، از راه کوه
سعیر، از حوریب تا قادش برنیع.^۳ باری،
در سال چهلم، ماه یازدهم، اول ماه، موسی
با بنی اسرائیل سخن گفت، مطابق هر آنچه
یهوه برای ایشان امر فرموده بود.^۴ این بعد
از آن بود که سیحون پادشاه اموریان را که
در حشبون ساکن بود، و عوج پادشاه باشان
را که در عشتاروت و در ادرعی ساکن بود،
شکست داده بود؛^۵ در آن سوی اردن، در
سرزمین موآب بود که موسی شروع کرد به
بیان این شریعت، به این مضمون:

دستور حرکت

^۶ «یهوه، خدای ما، در حوریب با ما به این مضمون سخن گفت: «به اندازه کافی

a تقسیم بنده کتاب به چهار مجموعه بزرگ را به واسطه کاربرد اصطلاح «این است...» می توان تشخیص داد: ۱:۱؛ ۴:۴؛ ۴:۴؛ ۴:۵. تکرار شده: ۲:۸؛ ۶:۸؛ ۱:۳. این ترتیب که آن را «ارشیو» می نامند، کتاب تنظیم را دارای خصوصیتی ساخته که آن را این چیز نامگذاری کند: «سخنان موسی» (۱:۱)؛ «تورات» (۴:۴)؛ «سخنان عهد» (۶:۸؛ ۲:۸)؛ «برکات» (۱:۳۳).

b این عبارت در فصل های اوپله کرابا به کار رفته (۱:۱؛ ۱۲؛ ۸؛ ۱۳:۸؛ ۱۰:۵؛ ۹:۵)، و هر بار به مسیر جدیدی اشاره کرد: «کتاب تعلیماتی که کتاب قرآن است».

آنچه را که می‌بایست انجام دهید، به شما امر کردم.

شناسایی کنعان و طغیان قوم

اعده ۱۳-۱۴ از حوریب حرکت کردیم و در تمامی

این بیابان بزرگ و هولناک که دیدید راه ۴:۲۹^f رفته، در جهت کوهستان اموریان^h، مطابق آنچه که یهُوهُ، خدایمان، ما را امر فرموده ۲۶:۱۳ بود، و به قادش - برینع رسیدیم.

^{۲۰} به شما گفتیم: «به کوهستان اموریان که یهُوهُ، خدایمان به شما می‌دهد، رسیده اید.^{۲۱} بنگر؛ یهُوهُ، خدایت، این سرزمین را به دست تو سپرده؛ برآی، آن را به تصاحب در آور، مطابق آنچه که یهُوهُ، خدای پدرانت به تو گفته است؛ مترس و هراسان مباش.^{۲۲} و شما همگی، به من نزدیک شدید و گفتید: «مردانی پیشاپیش خود بفرستیم؛ باشد که ایشان برای ما سرزمین را ملاحظه کنند و به ما در باره راهی که به آن برخواهیم آمد و در باره شهرهایی که داخل خواهیم شد، گزارش دهنند.»

^{۲۳} این امر را پسند آمد، و از میان شما دوازده مرد، یکی از هر قبیله، برگرفتم.^{۲۴} ایشان برگشتند و به سوی کوهستان برآمدند و به دره اشکول رسیدند و آن را

پدرانتان، شما را هزار بار بیش از آن سازد که هستید، و شما را آن سان که گفته است، برکت دهد!^{۱۲} چگونه می‌توانم به تنها بیایی بار شما، مسؤولیت شما و منازعات شما را حمل کنم؟^{۱۳} مردانی حکیم و هوشمند و با تجربه برای خود تعیین کنید، برای هر یک از قبیله هایتان، و من ایشان را در رأس شما خواهم نهاد.^{۱۴} شما مرا پاسخ دادید و به من گفتید: «آنچه می‌گویی که انجام دهیم، نیکو است.^{۱۵} من بزرگان قبیله ها را برگرفتم، مردان حکیم و با تجربه، و ایشان را در رأس شما، همچون بزرگان هزاره، بزرگان صده، بزرگان پنجاهه، بزرگان دهه، و همچون کاتبانⁱ برای هر یک از قبیله هایتان قرار دادم.^{۱۶} در آن زمان، به داورانتان این دستورها را دادم: یو ۵۱:۷ «به آنچه که میان برادرانتان هست گوش فراخواهید داد، و میان مرد و برادرش و غریبه اش^g بر اساس عدالت داوری خواهید کرد.^{۱۷} در داوری، به شخص نخواهید نگریست: به کوچک گوش خواهید گرفت آن سان که به بزرگ، از هیچکس بیم نخواهید داشت، زیرا داوری از آن خدا می‌باشد. چنانچه امری برای شما بیش از حد دشوار باشد، آن را به من عرضه خواهید داشت تا آن را بشنوم.^{۱۸} در آن زمان، هر

که خداوند با خواننده کتاب سخن می‌گوید؛ به این ترتیب، خطابه موسی به همان اندازه که خطاب به تمام جماعت اسرائیل است، به خوانندگان آتنی کتاب نیز می‌باشد.

^f تعیین نقش این کاتبان که در تشنیه اغلب به آنها اشاره شده، دشوار است (تث ۱۸:۱۶؛ ۱۸:۲۰؛ ۵:۲۰؛ ۹:۲۹؛ ۹:۳۱؛ ۲۸:۳۱)؛ در خروج ۵، و یوش (مثلاً ۲:۳) و تواریخ (مثلاً ۱-۲:۲۳) نیز از آنان یاد شده. چنین نهادی تداعی کننده دوره سلطنت است. اشاره مکرر به آنان در کتاب تشنیه، احتمالاً بازنای است از این واقعیت که این کتاب ناشی از محفوظ کاتبان است.

^g ر. ک. توضیح خروج ۴:۱۲.

^h نام «اموریان» در اینجا دلالت دارد بر کل مردمان قدیمی سرزمین موعود، و «کوهستان» ایشان همانا کل سرزمین است.

خدایتان، ایمان نیاوردید،^{۳۳} که در راه، پیش‌پیش شما راه می‌رفت، تا برای شما خروج ۲۱:۱۳
مکان‌های اردوگاه را کشف کند، در آتش، شب هنگام، تراهی را که می‌بایست بپیمایید به شما نشان دهد، و در ابر، در روز».^{۳۴}

^{۳۴} یهُوهُ صدای سخنان شما را شنید؛ او به خشم آمد و این سوگند را یاد کرد:
^{۳۵} «نه، حتی یک نفر از این اشخاص از این نسل بدکار سرزمین نیکویی را که قسم خوردم تا به پدرانتان بدهم، نخواهد دید،^{۴۰:۱۴}
^{۳۶} مگر کالیب پسر یفنه؛ او آن را خواهد دید، و سرزمینی را که زیر پا گذارد به او خواهم داد، به او و به پسرانش، چرا که یهُوهُ را تمامًا پیروی نمود.»^{۴۱:۲۶:۳}

^{۳۷} به سبب شما، یهُوهُ بر من نیز خشمگین شد و گفت: «تو نیز به آنجا داخل نخواهی شد.^{۴۲:۲۶، ۲۱:۳} ^{۳۸} یوش پسر نون که در مقابل تو می‌ایستند، او است که به آنجا داخل خواهد شد. او را قوی ساز، زیرا او است که [سرزمین]^{۴۳:۲۶} را به اسرائیل به میراث خواهد داد.^{۴۴:۱۵} و فرزندان شما که در باره اعد ۳:۱۴ آنان گفتید: به غنیمت گرفته خواهد شد! و پسران شما که هنوز نمی‌توانند آنچه را که خوب است از آنچه که بد است تشخیص دهند، آنان هستند که داخل آنجا خواهند

جاسوسی کردند.^{۴۵} ایشان از میوه‌های سرزمین به دست خود گرفتند و برای ما فرود آوردند؛ ایشان به ما گزارش دادند و گفتند: «سرزمینی که یهُوهُ، خدای ما، به ما می‌دهد، نیکو است.^۱»

^{۴۶} اما شما نخواستید که برآید و به امر یهُوهُ، خدایتان، طغیان گر شدید.^{۴۷:۲} در خیمه‌های خود غرغر کردید و گفتید: «یهُوهُ^{۱۹:۷} ما را از سرکینه از سرزمین مصر بیرون آورده است، تا ما را به دست اموریان بسپارد و ما را از میان ببرد.^{۴۸:۳} به کجا بر خواهیم آمد؟ برادران ما دل ما را آب کردند زیرا گفتند: ایشان قومی هستند بزرگتر و بلندقامت‌تر از ما؛ شهرها بزرگ است و تا به آسمان حصاردار، و در آنجا حتی بنی عناقم^k را دیدیم.»

^{۴۹} شما را گفتتم: «لرzan مباشد و از ایشان مهراسید.^{۳:۳} یهُوهُ، خدایتان، که پیش‌پیش شما راه می‌رود، هم او است که برای شما خواهد جنگید، همان سان که با شما در مقابل چشمانتان در مصر عمل کرد،^{۴۱:۲۹} و نیز در بیابان، آن جا که دیدی که یهُوهُ، خدایت، تو را آن گونه حمل کرد که هو ۴-۳:۱۱ پدر پرسش را حمل می‌کند، در تمام طول راهی که تا رسیدن‌تان به این مکان پیمودید.^{۳۲} و با وجود این، به یهُوهُ،

^۱ کتاب تشنیه بارها تکرار می‌کند که «سرزمینی» که خداوند به قومش داده، «نیکو» می‌باشد (۲۱:۱، ۲۵:۳، ۳۵:۱، ۲۵:۴، ۲۱:۴، ۲۲:۲). این کلمه نه فقط دلالت دارد بر زیبایی منطقه و حاصل خیزی آن، بلکه در معنایی گسترده‌تر، به سعادتی که (ر. ک. توضیح ۴۰:۴) خدا می‌خواهد با اسکان دادن قوم خود در سرزمینی که برای ایشان انتخاب کرده، به آنان ارزانی دارد، سرزمینی که از دیرباز وعده‌اش را به پدرانشان داده بود. اسرائیلیان باید همواره و از سر نواز این هدیه فیض آمیز الهی به شگفت آیند تا از طریق قدردانی، به اطاعت از خداوند بر انگیخته شوند؛ اما ایشان فقط زمانی می‌توانند از این «سرزمین نیکو» بهره ببرند که به آن کس که آن را به ایشان داده وفادار بمانند.

از منظور یا ارتفاع دیوارها است، یا بیشتر ارتفاع نواحی شهرها.

^k در خصوص این مردمان هولناک، ر. ک. ۲۱:۲، ۱۰:۲ و توضیح اعد ۱۳:۲۲.

عبور از ادوم، موآب و عمون

۱۲ ما برگشتم و به سوی بیابان در
۲ جهت دریای نیزار حرکت کردیم،

مطابق آنچه یهوه به من امر فرموده بود و
کوه سعیر را برای روزهای طولانی دور

زدیم.^۳ یهوه به من گفت: «به اندازه کافی
این کوه را دور زده اید؛ به سوی شمال

برگردید.^۴ این دستور را به قوم بدیه از قلمرو^{۸:۲۳}
برادرانتان، بنی عیسو، عبور خواهید کرد که^{۲۱-۱۴:۲۰}

در سعیر ساکن اند. ایشان از شما خواهند
ترسید، اما خوب مراقب خواهید بود؛^۵ ایشان

را تحریک منمایید، زیرا چیزی از سرزمین
ایشان به شما نخواهم داد، نه حتی آنچه کف^{۵:۷}

پا می تواند لگدمال کند؛ کوه سعیر را به^{۲۸:۲}

عیسو به مالکیت داده ام.^۶ خوراکی را که
خواهید خورد به بهای نقره خواهید خرید؛ و

حتی آبی که خواهید نوشید، آن را به بهای
نقره به ایشان خواهید پرداخت.^۷ چرا که

یهوه، خدایت، تو را در تمام کارهای دستانت
برگت داده است؛ او از راه پیمودن تو در این

بیابان بزرگ آگاه است؛ اینک چهل سال
است که یهوه، خدایت، با تو است^{m۳}: هیچ

چیز کم نداشته ای!^۸

ما به دور از برادرانمان، بنی عیسو که
در سعیر ساکن اند، عبور کردیم، به دور از

راه عربه، ایلت و عصیون-جابر؛ سپس بر
گشتم و از راه بیابان موآب عبور کردیم.

شد، آن را به ایشان خواهم داد، آن را ایشان
به تصاحب در خواهند آورد.^{۴۰} اما شما، بر
گردید و به بیابان بروید، در جهت دریای
نیزار.»

۴۱ شما پاسخ دادید و مرا گفتید: «بر
علیه یهوه گناه کردیم. برخواهیم آمد و
مطابق تمام آنچه یهوه، خدایمان، ما را امر
فرموده، خواهیم جنگید.» هر یک از شما
اسلحة جنگ را به کمر بست، و گمان
برگردید که می توانید به آسانی به کوهستان بر
آیید!^{۴۲} یهوه به من گفت: «به ایشان بگو:
برخواهید آمد و نخواهید جنگید؛ زیرا من

در میان شما نیستم؛ بدینسان در مقابل
دشمنان شکست نخواهید خورد.^{۴۳} من

با شما سخن گفتم، اما شما گوش فرا
ندادید؛ شما بر علیه امر یهوه طغیان گر
شدید، و دچار غرور گشتید تا به کوهستان
برآیید.^{۴۴} اموریانی که در این کوهستان
ساکن اند، به ملاقات شما بیرون آمدند؛
ایشان آن سان که زنبورها می کنند، شما را
تعاقب نمودند و شما را در سعیر قطعه
کردند تا به حرم. ^{۴۵} شما باز گشتید و در
حضور یهوه گریه کردید، اما یهوه صدای
شما را نشنید و به شما گوش نسپارد.^{۴۶} و
ایامی مديدة در قادش ساکن شدید، تمام
ایامی که در آنجا ساکن بودید.^۱)

۱ این گونه نیز می توان درک کرد: «تا آن زمان که می بایست در آنجا بمانید». اعد ۳۴:۱۴ آن ۴۰ سال سرگردانی مجازات آمیز را مرتبط می سازد به ۴۰ روز کاوش، اما نمی دانیم که آیا در تشنیه نیز همین دیدگاه حاکم است یا نه.

m ۲ یهوه با قوم خود می باشد» (ر.ک. ۱:۲۰-۱:۱۲؛ اش ۷:۱۲؛ اش ۴:۴۱؛ ۵:۵۷؛ پاد ۸:۵۷). او به طور خاص با داود بود و ظاهرًا این فرمول اول در مورد او به کار رفت (۱-سمو ۱۶:۱۸؛ ۱۸:۱۸؛ ۴:۱۸؛ ۲-سمو ۷:۹؛ ۴:۴). او همچنین با احشاق بود (پید ۲:۲۶)، و با یعقوب (پید ۱۵:۲۸)، با یوسف (پید ۲:۳۹)، با موسی (خروج ۳:۱۲؛ ر.ک. توضیح ۳:۱۴)، با یوشع (تث ۳:۲۳؛ ۱:۵)، با جدعون (داور ۱۸:۱؛ ۷:۱۲)، با ارمیا (ار ۱:۸)، و عیسی نیز «عمانوئل» نامیده خواهد شد، یعنی «خداباما» (مت ۱:۲؛ ر.ک. اش ۷:۱۴).

برد،^{۱۷} یهُوه به این مضمون با من سخن گفت:^{۱۸} «امروز از سرحد موآب به عار گذر خواهی کرد،^{۱۹} و تا به مقابل بنی عمّون نزدیک خواهی رفت. ایشان را مضطرب مساز و تحریکشان منما، زیرا چیزی از سرزمین بنی عمّون به توبه^{۲۰} پیدا نمایند.^{۲۱} آن را به بنی لوط به مالکیت خواهم داد: آن را به بنی لوط به مالکیت داده ام.» - آن نیز سرزمین رفاییم به شمار می آمد؛ پیش از آن، رفاییم در آنجا ساکن بودند، و عمونیان ایشان را زمزومیم می نامند،^{۲۲} قومی بزرگ، بی شمار و بلندقامت، همچون عناقیم، اما یهُوه ایشان را در مقابل [عمونیان] نابود کرد و آنان ایشان را خلع ید کردند و به جای ایشان ساکن شدند.^{۲۳} او همین کار را برای بنی عیسو انجام داده بود که در سعیر ساکن اند، آن هنگام که حوریان را در مقابل ایشان از میان برد و ایشان آنان را خلع ید کردند تا در جای آنان ساکن شوند، تا به امره». ^{۲۴} بدینسان، عویان که تا به غزه در دهات ساکن بودند، ایشان آنان را از میان بردنده و در جای ایشان ساکن شدند.

اشغال ممالک سیحون و عوج

^{۲۵} «به پا خیزید! حرکت کنید و از وادی ارنون عبور نمایید. بنگر؛ من سیحون

^۹ یهُوه مرا گفت: «موآب را مضطرب مساز و او را به جنگ تحریک منما، زیرا از سرزمین او چیزی به مالکیت تو نخواهم داد: عار را به مالکیت بنی لوط داده ام.» - ^{۱۰} پیش از آن، ایمیان در آنجا ساکن بودند، قومی بزرگ، بی شمار و بلندقامت همچون عناقیم.^{۱۱} ایشان نیز مانند عناقیم، از رفاییم^{۱۲} به شمار می آمدند، اما موآبیان ایشان را ایمیان می نامند.^{۱۳} در سعیر نیز پیش از آن، حوریان ساکن بودند، اما بنی عیسو ایشان را خلع ید کردند و آنان را در مقابل خود از میان بردنده و به جای ایشان ساکن شدند، همان کاری که اسرائیل کرد، برای سرزمینی که صاحب آن شده، آن که یهُوه به او داده است.^{۱۴} ^{۱۳} «اکنون به پا خیزید! و از وادی زارد عبور کنید.» ما از وادی زارد عبور کردیم.^{۱۵} ^{۱۴} زمان حرکت ما از قادش- برنیع تا عبورمان از وادی زارد سی و هشت سال بود، تا آن زمان که تمامی نسل های مردان جنگی تماماً از میان اردوگاه از بین رفتند، مطابق آنچه که یهُوه برای ایشان سوگند خورده بود.^{۱۶} ^{۱۵} و دست یهُوه نیز بر ایشان بود تا ایشان را از میان اردوگاه قلع و قمع کند، تا نابودی کامل ایشان.

^{۱۶} پس هنگامی که مرگ تمامی مردان جنگی را از میان قوم به طور کامل از میان

ⁿ کلمه «رفاییم» یا «رفاییان» در اینجا دلالت دارد بر یکی از اقوام ساکن در کنعان که به نظر می رسد خاطره ای خاص از ترس و وحشت بر جای گذاشته بودند (ر. ک. پید ۴:۵:۲-۲:۲۱-۱۵:۲۱). همین کلمه در جاهای دیگر بر «متوفیان»، یعنی ساکنان دنیای مردگان دلالت دارد (ر. ک. اش ۱۴:۹:۱۴، ۱۴:۲۶:۹:۱۹، ۱۴:۱۱:۸۸).

^{۱۷} این نکته که ادوم سرزمین خود را به تصرف در آورد، در اینجا تشبیه شده به استقرار اسرائیل در کنعان؛ نویسنده می گذارد تا خواننده اینگونه برداشت کند که تقدیر تاریخی اسرائیل و سایر اقوام از تقاطع مشترکی برحوردار است، و اینکه خدای اسرائیل به «ملت ها» نیز توجه دارد (ر. ک. ۲۲، ۱۹، ۱۲، ۵:۲).

^p منظور فلسطینیان است (ر. ک. پید ۱۰:۱۴:۱۰). نام «کفتور» دلالت دارد یا بر جزیره کُرت، یا بر کرانه جنوبی آسیای صغیر.

تصرف را شروع کن و سرزمینش را متصرف شو.»^{۳۲} سیحون به ملاقات ما برای جنگ در یاهص بیرون آمد، او و تمامی قومش.^{۳۳} یهُوه، خدای ما، او را به دست ما سپرد؛ ما اورا زدیم، او، پسرانش و تمام قومش را.^{۳۴} در آن زمان، تمامی شهرهای او را به تصرف در آوردیم، و هر شهری را به لعنت نذر کردیم^۹: مرد، زن و کودک را؛ کسی را زنده باقی نگذارید.^{۱۰}

^{۳۵} فقط احشام را برای خود به یغما گرفتیم، و نیز غنائم شهرهایی را که متصرف شده بودیم.^{۳۶} از عروییر که بر کناره وادی ارنون است، و از شهری که در آبکند است، تا به جلعاد، شهری نبود که برای ما بیش از حد بلند باشد؛ یهُوه، خدایمان، همه را به دست ما سپرد.^{۳۷} فقط به سرزمین بنی عمون نزدیک نشدی؛ تمامی کناره وادی بیوّق، شهرهای کوهستان و تمام آنچه که یهُوه، خدای ما، معن فرموده بود.

^{۱۱} برگشتم و در جهت باشان بر اعد ۲۱:۲۱-۳۳:۲۵

^{۱۲} آمدیم. عوح، پادشاه باشان، برای جنگ، در اذرعی به ملاقات ما بیرون آمد، او و تمام قومش.^{۱۳} یهُوه به من گفت: «از او هراسان مباش، زیرا او را به دستان تو سپرده‌ام، او، تمام قومش و سرزمینش را؛ با او به همان سان عمل خواهی کرد که با سیحون، پادشاه اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل کردی.»^{۱۴} یهُوه، خدایمان،

پادشاه حشبون، آن اموری را به دستان تو می‌سپارم، همچنین سرزمینش را. تصرف را آغاز کن و او را به جنگ تحریک نما.^{۱۵} از امروز به بعد، شروع می‌کنم به حک کردن هراس تو و ترس تو در روی قوم‌هایی که زیر تمام آسمانها هستند؛ آنان که درباره تو سخنی بشوند، در برابر تو لزان خواهند شد و خواهند لرزید.»

^{۱۶} از بیابان قدیموت پیام آورانی را فرستادم تا به سیحون پادشاه حشبون این سخنان صلح آمیز را بگویند:^{۱۷} «بگذار از سرزمین تو عبور کنم؛ مستقیم به راه خود خواهم رفت، بی‌آنکه به راست یا چپ دور شوم.^{۱۸} خواراکی را که خواهم خورد به بهای نقره به من خواهی فروخت، و آبی را که خواهم نوشید به بهای نقره به من خواهی داد؛ فقط بگذار پای پیاده عبور کنم، آن سان که بنی عیسو که در سعیر ساکن‌اند و موآبیانی که در عار ساکن‌اند برای من انجام دادند، تا آنکه از اردن به سوی سرزمینی که

یهُوه، خدایمان، به ما می‌دهد عبور کنم.»

^{۱۹} اما سیحون پادشاه حشبون، نخواست بگذارد که از نزد او عبور کنیم، زیرا یهُوه، خروج ۲۱:۴ خدایت، روح اورا سخت ساخته بود و دلش را نیز سخت، تا او را به میان دستان تو بسپارد، آن گونه که امروز [شده است].^{۲۰} یهُوه مرا گفت: «بنگر؛ من آغاز کرده ام به سپردن سیحون و سرزمینش به دست تو؛

^۹ «نذر کردن به لعنت» که در اینجا و در ۶:۳-۷ محدود به اشخاص شده، با مفهوم کلاسیک آن که شامل نابودی همه اموال می‌شود و در ۱۳:۱۶، ۱۸ به آن اشاره شده، تفاوت دارد. (در خصوص معنای «لعنت»، ر. ک. توضیح اعد ۲:۲۱؛ توضیح تث ۲:۲۰؛ توضیح ۲۰:۴؛ توضیح ۲۰:۱۸). نذر کردن به لعنت، بدون تصویری بیشتر، در ۲:۷، ۲۶ و ۲۰:۱۷ مورد اشاره قرار گرفته است.

^{۱۰} «کسی را زنده باقی نگذارید» برای این اصطلاح ر. ک. اعد ۲۱:۳۵؛ ۲:۲۲؛ ۲:۲۲؛ ۱۰؛ ۳:۳؛ ۳۹، ۳۷، ۳۰؛ ۴۰؛ ۱۱:۸؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۱:۲

باشان، از زنده ماندگان رفاییم باقی مانده بود. اینک آیا تختخواب او، تختخواب یوش ۱۵:۱۳
آهنین، در ربّه بنی عموّن نیست؟ طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع، به ذراع انسان.^{۱۲}
۱۲ پس در آن زمان، این سرزمین را به مالکیت درآوردیم. از عروعیر که بر وادی ارنون است، و نیز نیمی از کوهستان جلعاد یوش ۱۳:۱۳-۲۹
با شهرهایش را به رئوبینیان و جادیان دادم.^{۱۳}
۱۳ و بقیه جلعاد و تمام باشان، مملکت عوج را به نیم قبیله منسی دادم، تمام منطقه ارجوی را. - تمام باشان همان است که آن را سرزمین رفاییم می نامند. -^{۱۴} یائیر پسر منسی که تمام منطقه ارجوی را تا مرز جشوریان و معکیان گرفته بود، قصبه‌های باشان را به نام خود خواند، [که] تا به امروز قصبه‌های یائیر هستند].^{۱۵} و به اعد ۴۱:۲۲
ماکیر جلعاد را دادم.^{۱۶} به رئوبینیان و به یوش ۱۳:۲۰
جادیان، از جلعاد تا وادی ارنون را دادم، در ۱۱ توا ۲۳:۲۱
حالی که میانه وادی سرحد را تشکیل پید ۲۳:۵۰
می دهد^۷، و تا وادی ییوق، سرحد بنی عموّن را؛^{۱۷} عربه که سرحدش اردن بود، از کنترت^ۮ تا دریای عربه-دریای نمک- در پایین سراشیبی فسجه، به سوی مشرق.^{۱۸}
۱۸ در آن زمان، این دستور را به شما^X دادم: «یهوه، خدایتان، این سرزمین را به

عوج، پادشاه باشان را نیز به دستان ما سپرد، و نیز تمام قومش را؛ او را زدیم تا حدی که زنده‌ای برایش باقی نگذاریم.^{۱۹}
۱۹ در آن زمان، تمامی شهرهایش را به تصرف در آوردیم؛ شهری نبود که از ایشان نگرفته باشیم؛ شصت شهر، تمام منطقه ارجوب، مملکت عوج در باشان.^{۲۰} همه آنها شهرهای حصاردار با دیوارهای بلند و دروازه‌ها و کشوها بود؛ بدون احتساب شهرهای بی‌حصار^{۲۱}، به تعداد بسیار.^{۲۲} ما آنها را به لعنت نذر کردیم، آن سان که برای سیحون، پادشاه حشیون کرده بودیم؛ لعنت برای هر شهری: مرد، زن و کودک.^{۲۳} اما تمام احشام و غنائم شهرها، آنها را برای خود به غنیمت گرفتیم.

اعد ۳۲ تقسیم جلعاد

^{۱۹} در آن زمان، از دو پادشاه اموریان، مز ۱۱:۱۳۵-۲۰:۱۳۶ سرزمینی را که در آتسوی اردن است گرفتیم، از وادی ارنون تا کوه حرمون-^۹ صیدونیان حرمون را سریون می نامند، و اموریان آن را سنیر می نامند.^{۱۰} تمامی شهرهای جلگه، تمام جلعاد و تمام باشان تا سلخه و اذرعی را، شهرهای مملکت عوج در باشان را.^{۱۱} زیرا که فقط عوج، پادشاه

۸ در اینجا منظور شهرکها یا حصار است که در آنها دهانه‌ان ساکن بودند و به هنگام خطر، آنها را ترک می گفتند تا در شهرهای حصاردار پناه بگیرند.

۹ این ذراع قاعده‌تا ۴۵ سانتیمتر بود. ذراع دیگری نیز وجود داشت که بزرگتر بود و در بابل به کار می رفت و اندازه آن ۵۲ سانتیمتر بود (ر. ک. حرق ۴۰:۵).

۱۰ تحتاللفظی: «میانه گردنده‌ها و سرحد». این اصطلاح که حالتی مستتر دارد، در آیه بعدی نیز بافت می شود (تحتاللفظی: (اردن و سرحدز)، و نیز در اعد ۶:۳۴ یوش ۱۳:۲۳، ۱۵:۱۲، ۱۵:۴۷).

۱۱ آیات ۱۶-۱۷ محدوده قلمروی را تعین می کند که در شرق رود اردن، میان «ییوق» و «ارنون» واقع است. اشاره به «کنترت» (همان جنبیارت) تنها موردی است که بیرون از این چارچوب قرار می گیرد. شاید منظور مکان دیگری است به همین نام.

۱۲ این دستورها خطاب به قبیله‌های ساکن در شرق رود اردن بیان شده است. این قبایل که بیش از سایرین استقرار یافته‌اند، باید پیش قراول قوم باشند، و مکاری خود را پس از عبور از رود اردن دریافت می دارند، قطع نکنند.

کدامین خدا است، در آسمان و بر روی زمین، که بتواند کارهایی همچون کارهای تو، و اعمال عظیمی همچون اعمال تو انجام دهد؟^{۲۵} پس لطف بفرما و بگذار عبور کنم
۲۵:۱ سرزمین نیکوبی را که آنسوی اردن است
ببینم، این کوهستان نیکو و لبنان را!^{۲۶}
۲۶:۱ یهُوه به سبب شما بر من خشم گرفت و به من گوش فرا نداد. یهُوه به من گفت:
«دیگر کافی است! باز بنای سخن گفتن در این مورد را با من منه.^{۲۷} به قله فسجه بر آی و چشمانست را به سوی غرب، به سوی شمال، به سوی جنوب، و به سوی مشرق بلند کن و با چشمان خود بین زیرا از اردن عبور نخواهی کرد». ^{۲۸} دستوراتی به یوشع ۳۸:۱ بدء: او را قوى و شجاع بساز؛ زیرا او است که پیشاپیش این قوم عبور خواهد کرد، و اوست که ایشان را وارث سرزمینی خواهد ساخت که خواهی دید».
۲۹ پس در دره اى که در مقابل بیت - ۴۶:۴
۳۴:۴ فغور است ماندیم.

اعطای شریعت^۲

۴۰^۱ و اکنون، اى اسرائیل، به فرایض لاؤ ۱۸:۵
۴۰ و قواعدی که شما را تعلیم می دهد، گوش فرا دار تا آنها را به عمل آورید: تا زیست کنید و وارد سرزمینی شوید که

شما داده تا آن را به مالکیت در آورید؛
شما، مجهر، پیشاپیش برادرانتان،
۳۲-۳۲:۱۷ بنی اسرائیل، عبور خواهید کرد، شما که همگی دلیر می باشید.^{۱۹} فقط زنانتان،
فرزندانتان و گله هایتان- که می دانم گله های بسیار دارید- در شهرهایی ساکن خواهند شد که به شما داده ام،^{۲۰} تا آن زمان که یهُوه به برادرانتان، همچون شما، استراحت داده باشد، و ایشان نیز سرزمینی را که یهُوه، خدایتان، در آنسوی اردن به ایشان می دهد، به مالکیت در آورند. آنگاه هر یک به ملکی که به شما داده ام باز خواهید گشت.»

۳۸:۱ ۲۱ و نیز در آن زمان، این دستور را به یوشع دادم: «چشمان تو آنچه را که یهُوه، خدایتان، به این دو پادشاه کرده است، دیده اند؛ یهُوه با تمام مملکت هایی که از آنها عبور کنی، چنین خواهد کرد.^{۲۲} از ایشان نخواهید ترسید، زیرا یهُوه، خدای شما است که برای شما خواهد جنگید.»

درخواست موسی

۲۳ در آن زمان، از یهُوه استدعا کردم:
۲۴ «خداؤند یهُوه، این تو هستی که آغاز نمودی به نشان دادن عظمت و دست نیرومند به خدمتگزار: براستی،

۶:۳۴) سنت در این زمینه متفق القول است که موسی نتوانست وارد سرزمین موعود شود و پیش از عبور قوم از رود اردن، وفات یافت ذکر کرده اند: موسی نیز در مقام یکی از اعضای این نسل که از مصر بیرون آمده بودند، در بجزای آنان شهیم می شود، نه به دلیل خطای خودش، بلکه به سبب خطای قوم، همانطور که در اینجا نیز چنین گفته شده است (ر.ک. ۳۷:۱؛ مز ۲۱:۴؛ مز ۳۷:۱؛ مز ۳۲:۱۰). اما برخی متون دیگر، علت این امر را بی ایمانی موسی و هارون در ماجراهی مریم ذکر می کنند (ر.ک. ۳۲:۵؛ مز ۳۲:۶).
۱۴-۱۲:۲۷ و توضیح: بعد از اشارات تاریخی ابتدای کتاب، فصل ۴ موضع خاص تشنه ای را با موضوعات مخصوص آن آغاز می کند (ر.ک. «مقدمه»).

ملت بزرگ که فرایض و قواعدی
این چنین عادلانه داشته باشد همچون
این شریعت که امروز در برابر شما
می‌نمی‌^a فقط مراقب خود باش و جان
خود را خوب حفظ کن مبادا چیزهایی را
که چشمانست دیده است فراموش کنی
و بگذاری آنها حتی یک روز از
زندگی ات، از دل تو دور شود.
پسانت و پسران پسانت را از آنها
اگاه خواهی ساخت.

مکافه حوریب

۱۹ خروج آن روز که در حضور یهوه، خدایت،
در حوریب ایستادی، آن هنگام که یهوه به
من گفت: «قوم را برای من گرد آور و من
سخنان خود را به ایشان خواهم شنواند، آن
یوشع ۱:۲۴؛ ۱۲:۳۱؛ ۱۲:۹:۲۹؛ ۱۲:۵:۲۹
سان که بیاموزند در تمامی روزهایی که بر
روی زمین زنده اند از من بترسند، و آن را
به پسانتشان تعلیم دهند»، ^{۱۱} نزدیک
آمدید و در پایین کوه ایستادید، و کوه در
اثر آتش، فروزان بود تا دل آسمان...
۲۰ خروج ظلمات، ابر و ابر تاریک! ^{۱۲} یهوه از میان
آتش با شما سخن گفت: سخنانی را
۲۱ خروج می‌شنیدید، اما هیچ شکلی نمی‌دیدید: عبر ۱۶:۱۹؛ ۱۸:۱۲؛ ۱۹:۱۸
 فقط یک صدا!^{۱۳} او عهد خود را به شما

یهوه، خدای پدرانتان، به شما می‌دهد تا
آن را به مالکیت در آورید.^۲ به آنچه به شما
امر می‌کنم چیزی نخواهید افزواد، و از آن
چیزی بر نخواهید کند، و اوامر یهوه،
۲۲:۵؛ ۱۳:۱؛ ۱۴:۳؛ ۱۸:۲۲؛ ۱۹:۱۸
مکافایت را که به شما امر می‌کنم، نگاه
خواهید داشت.^۳ چشمان شما هستند که
آنچه یهوه به بعل-بغور کرد دیدند: هر آن
کس که به دنبال بعل-بغور رفت، یهوه،
خدایت، او را از میان تو نابود ساخت،
۴ حال آنکه شما که به یهوه، خدایت،
وابسته ماندید، همگی امروز زنده هستید.

^۵ بنگر؛ من به شما فرایض و قواعد تعلیم
دادم، مطابق آنچه که یهوه، خدایم، مرا امر
فرمود، تا این چنین عمل کنید در میان
سرزمینی که وارد آن خواهید شد تا آن را به
مالکیت در آورید. آنها را نگاه داشته،
به عمل خواهید آورد؛ زیرا این حکمت شما
و هوشمندی شما در نظر قوم‌هایی است که
در باره تمامی این فرایض خواهند شد و
ایشان خواهند گفت: «این نمی‌تواند باشد
مگر قومی حکیم و هوشمند، این ملت
بزرگ!»^۷ فی الواقع، کدامیں ملت بزرگی
است که خدایانی این چنین نزدیک به خود
داشته باشد همچون یهوه، خدای ما، هر بار
که به او دعا می‌کنیم^a?^۸ و کدام است آن

a کتاب تشنیه قویاً بر این نکته تأکید می‌کند که یهوه و کلامش به اسرائیل نزدیک هستند (ر.ک. ۱۴:۳۰) و اینکه خدا در میان قومش می‌باشد (۱۵:۶؛ ۲۱:۷).

b تشنیه با اصرار تمام، قوم را از خطر «فراموش کردن» خداوندش (۱۲:۶؛ ۱۱:۸؛ ۱۴؛ ۱۳:۲۶؛ ۱۹؛ ۱۳:۲۶؛ ۱۸:۳۲) و رویدادهای حوریب (۹:۴؛ ۲۳) و بیابان (۷:۹) بیان می‌دارد. و نیز با همین اصرار، در جاهای دیگر قوم را سفارش می‌کند به «یاد آوردن» خداوندش (۱۸:۸)، و بندگی در مصر که از آن رهایی یافت (۱۵:۵؛ ۱۵:۱۵؛ ۱۹:۱۸؛ ۷:۳۲). منظور فقط این نیست که خاطره رویدادها را به یاد بیاورد، رویدادهایی که نسل‌های بعدی در طول زمان، از آنها فاصله بیشتری می‌گیرند. منظور از «یاد آوردن» این است که رویدادهای خروج را همچون عناصری بیانگذار مدل نظر داشته باشند، چه جنبه شریعت و احکام آن، و چه جنبه رفتاری آن در تمام شئون زندگی.

است^f، ۲۰ حال آنکه شما را یهُوه بِرگرفته و از کوره آهن^g، (یعنی) مصر، بیرون آورده تا قوم میراث او شوید، آن سان که امروز [شده است].

۲۱ سپس یهُوه به سبب شما بر من خشم گرفت و سوگند یاد کرد که از اردن عبور نخواهم کرد و وارد سرزمین نیکوبی که ۳۷:۱ یهُوه، خدایت، به تو همچون میراث ۲۵:۱ می دهد، وارد نخواهم شد. ۲۲ آری، من در همین سرزمین خواهم مرد: از اردن عبور باب ۲۴ نخواهم کرد، حال آنکه شما از آن عبور خواهید کرد و این سرزمین نیکورا به مالکیت در خواهید آورد. ۲۳ مراقب خود باشید مبادا عهدی را که یهُوه، خدایتان، با ۹:۴ ۲۴ زیرا یهُوه، خدایت، آتشی ۲۹:۱۲ عبور ۳:۹ نابود کننده است، خدایی حسود!

۲۵ چون پسران و نوادگان تولید کنی، آن هنگام که در سرزمین سالخورده شوید، چنانچه فاسد شوید و اگر برای خود تمثالی بسازید به شکل هر چه که می خواهد باشد، اگر آنچه را که در نظر یهُوه، خدایت، بد است انجام دهید تا او را به خشم آورید،

اعلام داشت و شما را امر فرمود که به آن عمل کنید- آن ده گفتار^c را- و او آنها را بر روی دلوج سنگی نوشت. ۱۴ اما در باره خودم، یهُوه در آن زمان مرا امر فرمود که به شما فرایض و قواعد تعلیم دهم، تا در سرزمینی که به آن عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید، به آنها عمل کنید. ۱۵ به دقت مراقب خود باشید: از آنجا که در روزی که یهُوه در حوریب، از میان آتش، با شما سخن گفت، هیچ شکلی ندیدید، ۱۶ به فاسد کردن خود و ساختن تمثالی به شکل هر بتی^e که می خواهد باشد، نپردازید: شکل (انسان) نر یا ماده، ۱۷ شکل حیوانی که بر روی زمین است، شکل پرنده ای بالدار که در آسمان پرواز می کند، ۱۸ شکل خزنده ای که بر روی زمین می خزد، شکل ماهی ای که در آبهای زیر زمین است. ۱۹ و آن گاه که چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی و خورشید و ماه و ستارگان را ببینی، تمامی لشکر آسمانها را، مگذار که به سجده کردن در مقابل آنها پا ۷:۱۷^d و خدمت کردن به آنها کشیده شوی، ۷:۶ همانهایی که یهُوه، خدایت، همچون سهم، ۱۰:۱ به همه قوم های زیر تمام آسمانها داده

۲ این نامی است که کتاب مقدس (ر.ک. ۴:۱۰؛ خروج ۲۸:۳۴) به آن چیزی داده که ما طبق عادت «ده فرمان» می نامیمیش؛ چنین نامگذاری ای در کتاب مقدس نیامده است.

۳ کلمه ای که در اینجا «بت» ترجمه شده، به عربی «سمل» است و معنای آن چندان روشن نیست. برخی آن را «الوهیت» ترجمه کرده اند. این کلمه فقط در حرق ۳:۸، ۵ و ۲-توا ۷:۳۳ به کار رفته است.

۴ پرستش ستارگان از سوی اسرائیلیان، همواره قویا محکوم شده است (توضیح ۳:۱۷؛ ر.ک. ۲-پاد ۱۷:۱۶؛ ار ۴:۲۳؛ ار ۲:۸؛ حرق ۱۶:۸). اما این امر در مورد سایر اقوام صدق نمی کنند، زیرا خداوند را نمی شناسند. به این ترتیب، تشیه نوعی واقعی را برای مذاهب بت پرستی قائل می شود (نیز ر.ک. ۲۵:۲۹؛ توضیح ۸:۳۲): بعدها، تأیید خواهد شد که هر انسانی باید ستارگان را همچون نشانه هایی از خدای واقعی تصدیق کند، و پرستنده گان آنها- البتنه با اندکی تبعیض- محکوم شده اند (ر.ک. حک ۹-۱:۱۳).

۵ حرارت غیر قابل تحمل کوره، تداعی کننده وضعیت تحمل ناپذیر اسرائیل در بردگی می باشد (ر.ک. ار ۴:۱۱). در اینجا منظور جنبه تقطیر کننده گی کوره نیست که در جاهای دیگر به آن اشاره شده است (ر.ک. اش ۲۵:۱؛ ۲:۱۱-۱-پطر ۷:۱).

وا نخواهد گذارد، و آن عهد با پدرانت را از یاد نخواهد برد، همان که در مورد آن برای ایشان سوگند خورده بود.

شگفتی انتخاب خدا

^{۳۲} پس، از ایام کهن که پیش از تو بوده اند سؤال کن، از روزی که خدا انسان را بر روی زمین آفرید^k، و از یک انتهای آسمان تا انتهای آسمان^۱: آیا چیزی به این ^{۴:۳۰} عظمت رخ داده است، یا چیزی مشابه شنیده اند؟ ^{۳۳} آیا قومی هست که صدای ^{۸-۶:۷} خدا را شنیده باشد که از میان آتش سخن گوید، آن سان که تو شنیدی، و زنده مانده ^{۲۶-۲۴:۵} باشد؟ ^{۳۴} یا آیا خدایی هست که اقدام به ^{۲۰-۱۸:۲۰} آمدن و برگرفتن قومی از بطن قومی خروج ^{۶-۵:۲۶} [دیگر] کرده باشد، با آزمایشها، با نشانه ها، با شگفتی ها، با جنگ، با دستی نیرومند و بازویی دراز شده، و با هراس های ^{۸:۲۶:۱۹:۷} عظیم، همچون تمام آنچه که یهوه، خدای خروج ^{۱۲-۷} شما، در مصر، در مقابل چشمانت، انجام ^{۳۰:۱} داده است؟ ^{۳۵} به تو است که این نشان داده شد، تا ^{۳:۲۹} بدانی که یهوه است که خدا است، و خارج ^{۳۹:۳۲} مر ^{۳۲:۱۲}

^{۲۶} من امروز آسمان و زمین را عليه شما شاهد می گیرم: شما از میان خواهید رفت، آری، خیلی سریع از سرزمین که آن را با عبور از اردن به مالکیت در خواهید آورد، ^{۲۹:۳۱} ^{۲۱،۱۶:۳۲} از میان خواهید رفت، و روزهای خود را در آن طولانی خواهید ساخت، بلکه تماماً ^{۱:۳۲} نابود خواهید شد. ^{۲۷} یهوه شما را در میان قوم ها پراکنده خواهد ساخت، و در میان ملت هایی که یهوه شما را در آنها هدایت خواهد کرد، تعدادی اندک از مردمان باقی خواهید ماند.^{۲۸} در آنجا، خدایانی را خدمت خواهید کرد که عمل دست انسان ^{۶:۳۶:۲۸} هستند، از چوب و از سنگ، که نه می بینند ^{۱۶:۲۹} ^{۸-۴:۱۱:۵} ^{۲۸-۲۷:۲} ^{۲۰-۹:۴۴} و نه می شنوند، و نه می خورند و نه استشمام می کنند.

^{۲۹} از آنجا، یهوه، خدایت را خواهی جست، و او را خواهی یافت، اگر او را با تمامی دل و با تمامی جان جستجو کنی. ^{۳۰} در پریشانی ات، آن هنگام که تمام این چیزها بر تورخ دهد، در دنباله روزها، به ^{۶:۳۱} یهوه، خدایت، باز خواهی گشت و به صدای او گوش فرا خواهی داد؛ ^{۳۱} زیرا ^{۳:۳۰:۱۸:۱۳} یهوه، خدایت، خدایی رحیم است؛ او تورا خروج ^{۶:۳۴}

^h این اشاره به تبعید به هیچ وجه با دوره موسی سازگار نیست، بلکه با دوره ای متاخرتر، احتمالاً دوره ای که متعاقب ویرانی اورشلیم، در سال ۵۸۷ ق.م. بوده است.

ز خداوند، برای کتاب تئیه، خدای «پدران» است، یعنی ابراهیم و احراق و یعقوب (ر.ک. ^{۲۱:۱})؛ به ایشان بوده که خداوند سوگند یاد کرده تا سرزمین کعبان را به قوم ایشان بدهد (^{۸:۱}، ^{۳۵}، ^{۶:۶}، ^{۱۰:۱}، ^{۱۱:۱۰}، ^{۳:۲۶})؛ به علت محبتی که به آنان داشت، قوم اسرائیل را برگزید (^{۴:۳۷}، ^{۸:۷})؛ او خود را به ایشان پیوند داد (^{۱۰:۱۵}) و با ایشان عهد بست (^{۷:۱۲}). این عهد تمام اعقاب ایشان را در بر می گیرد، و به طور شخصی، تا به اکنون، برای هر نسلی تجدید می شود (^{۱۰:۱۵}). با اینحال، کتاب تئیه، از نقطه نظری دیگر، بر امتیازات نسل خروج تأکید می ورزد (ر.ک. توضیح ^{۲:۱۱}).

^k اسرائیلیان در آغاز، خداوند را همچون خدایی شناختند که در تاریخ قوم حضور دارد. با عیقق ترشدن اندیشه، کشف می کنند که او آفریدگار نیز هست، همان که سرچشمها وجود بشر و تماهمی پدیده ها است. این بخش، تنها بخشی در تئیه است که در آن اقرار شده که خدا خالق است، آنچه که پیش از این نزد عاموس می یابیم (ر.ک. توضیح عا^{۴:۱۳})، و خصوصاً در بخش دوم اشعیا (ر.ک. اش ^{۴:۴۰})، و نیز در سنت «کهانی» (ر.ک. توضیح پید ^{۱:۱}).

۱ تحتالفظی: «از یک انتهای تا انتهای دیگر آسمان».

را که امروز به تو دستور می‌دهم، نگاه خواهی داشت، آن سان که سعادت نصیب تو شود^P، تو پسانت بعد از تو، و تا روزهای خود را بر زمینی که یهُوهُ، خدایت، برای تمامی روزها به تو می‌دهد، طولانی کنی..»

سده شهر پناهگاه در آنسوی اردن^۱
۴۱ آنگاه موسی سه شهر را در آنسوی
اردن، به سوی مطلع آفتاب کنار گذارد:^۲
۴۲ قاتلی که همسایه خود را از روی
بی توجهی کشته باشد، بی آنکه پیش از آن
از او کینه داشته باشد^۳، می تواند به آنجا
بگریزد: با گریختن به یکی از این شهرها،
زنگی اش در امان خواهد بود.^۴ ۴۳ اینها
باصر، در بیابان، در سرزمین جلگه، برای
رؤوبینیان بود؛ و راموت در جلعاد برای
جادیان؛ و جولان در باشان برای منسیان.

۴:۶ از او خدای دیگری نیست.^{۳۶} او از آسمان
۲:۱۱:۵:۸ صدای خود را به تو شنوندید تا تو را تعلیم
دهد، و بر روی زمین، آتش عظیم خود را به
تو نشان داد، و تو سخنانش را از میان آتش
شنیدی.^m

از آنجا که پدرانت را دوست
می داشت، اعقاب ایشان را بعد از ایشان بر
گزیدⁿ، و تورا به واسطه روی خود^۰ از مصر
بیرون آورد، با قدرت عظیمش،^{۳۸} تا در
برابر تو، ملت های بزرگتر و نیرومندتر از
تورا خلع ید کند، تا تورا وارد سرزمین
ایشان نماید و آن را به تو به میراث دهد،
آن گونه که امروز [شده است].

امروز خواهی دانست و به دلت
یادآوری خواهی کرد که یهوه است که خدا
است، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین:
خدای دیگری نیست.^{۴۰} فرایض و اوابر او

خطابه دوم موسی (۴۴:۱۱ تا ۳۲:۱)

دره، در مقابل بیت-بغور، در سرزمین سیحون، پادشاه اموریان، که در حشیون ساکن بود، هم او که موسی و بنی اسرائیل به هنگام خروجشان از مصر شکست داده بودند.^{۴۷} ایشان سرزمین او و سرزمین

۴۴ و این است شریعتی که موسی به بنی اسرائیل عرضه داشت؛^۵ اینها هستند ۵-۱:۱ اوامر و فرایض و قواعدی که موسی به بنی اسرائیل بیان داشت، به هنگام خروجشان از مصر،^۶ در آنسوی اردن، در

m صدای خداوند در همه‌جهه تجلی او در سینا شنیده شد: سخنان او همان «ده گفتار» است (ر.ک. توضیح ۱۳:۴).
n فرائت متن عبری: «اعقاب اورا بعد ازا او»؛ این شکل مفرد شاید اشاره‌ای باشد به یعقوب. متن ما حاوی اصلاحاتی است

۵ یعنی «با مجلی ساخت حضور خود». می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او تو را در مقابل خود از مصر بیرون آورد».
 p در «سرزمین نیکو» که خدا به اسرائیل می دهد (ر. ک. توضیح ۱: ۲۵)، ایشان «سعادت» را خواهند یافت (۱۶: ۵، ۲۹: ۳، ۶: ۱۸، ۱۸: ۱۲، ۱۳: ۱۲، ۲۸: ۲۵، ۱۹: ۱۳، ۱۹: ۷: ۲۲)، این دو کلمه در زبان عبری از یک خانواده هستند. یکی از آشکال مشخص این سعادت، این است که وقتی در سرزمین صلح و آرامش برقرار باشد، انسان می تواند «روزهای خود را طولانی سازد» (۲۶: ۴، ۴۰: ۳۳: ۵، ۱۱: ۹: ۱۷: ۱۷: ۲۰: ۲۲: ۷: ۳۰: ۱۸: ۳۲: ۴۷: ۳۲) در نوشته های حکمتی نیز موضوعی مشابه م. یاسین (ر. ک. امث ۳: ۲).

b تحت اللفظي: «نه دیروز، نه بیریروز».

آنچه در پایین روی زمین است، و از آنچه که در آبها زیرزمین است.

^۹ در مقابل آنها سجده نخواهی کرد و آنها را خدمت نخواهی نمود؛ زیرا من، یهُوهُ، خدای تو، خدایی حسود هستم، که خطای پدران را بر پسران، و بر [نسل] سوم و چهارم مجازات می‌کنم، برای آنان که مرا نفرت می‌دارند؛ ^{۱۰} اما وفاداری نشان می‌دهم بر هزاران، برای آنان که مرا دوست ^۶ می‌دارند و احکام مرا ^۴ رعایت می‌کنند.

^{۱۱} نام یهُوهُ، خدایت را به عبث اعلام نخواهی داشت؛ زیرا یهُوهُ آن کس را که نامش را به عبث اعلام دارد بی مجازات نمی‌گذارد.

^{۱۲} روز سَبَّت را رعایت کن تا آن را ^{۲۷:۲} تقاضیس نمایی، مطابق آنچه که یهُوهُ خدایت امر فرموده است. ^{۱۳} به مدت شش روز کار خواهی کرد و تمام کارت را انجام خواهی داد؛ ^{۱۴} اما روز هفتم، سَبَّت است برای یهُوهُ، خدایت. هیچ کاری نخواهی کرد، نه تو، نه پسرت، نه دخترت، نه خدمتگزارت، نه کنیزت، نه گاویت، نه الاغت، نه هیچیک از حیوانات، و نه شخص غریبت که در دروازه‌های تو است، تا خدمتگزارت و کنیزت همچون تو است راحت کنند. ^{۱۵} به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر ^{۱۶} برد بودی، و اینکه یهُوهُ، خدایت، تو را از آنجا با دستی نیر و مند و بازویی درازشده بیرون آورد؛ به همین ^{۱۷} تو را ^{۲۰:۲} متفاوت بوده، احتمالاً قدیمی تراست.

^{۱۵:۱۵} در سرزمین مصر ^{۱۶} برد بودی، و اینکه یهُوهُ، خدایت، تو را از آنجا با دستی نیر و مند و بازویی درازشده بیرون آورد؛ به همین ^{۱۷} تو را ^{۲۰:۲} متفاوت بوده، احتمالاً قدیمی تراست.

^{۱۸:۲۳} قرائت متن عبری: «احکام او را»؛ ما در این ترجمه، بر اساس ترجمه‌های قدیمی اصلاحی انجام داده‌ایم.

^{۱۹:۱۰} خاطره آنچه که یهُوهُ در گذشته، در مصر، برای قومش انجام داده، مطالباتش را برای زندگی امروز توجیه کند (ر. ک. اسasas د گفتار است؛ ر. ک. آیه ۶). به این ترتیب، عمل تاریخی خدا در مصر، الگویی است برای رفتار و سلوک اسرائیلیان، همان طور که عمل تاریخی خدا در عیسی مسیح، الگویی است برای مسیحیان (مثالاً ر. ک. فیل ۱۱:۱-۲).

عوج، پادشاه باشان، دو پادشاه اموریان را که در آنسوی اردن بودند، در مطلع آفتاب، به تصرف در آورده بودند، ^{۱۸} از عروغیر که در کناره وادی ارنون است تا به کوه سیئون که همان حرمون است، ^{۱۹} با تمام عربه، در آنسوی اردن، به سوی مشرق، تا دریای عربه، در پایین سراشیبی فسُجه. ^{۲۷:۳}

اعطای ده گفتار

خروج ۱۷-۲۰

^{۱:۱} ^۱ موسی تمامی اسرائیل را احضار کرد و به ایشان گفت: «گوش فرا ^{۴:۶} ده، ای اسرائیل، به فرایض و قواعدی که امروز به گوشاهای شما بیان می‌دارم؛ آنها را خواهید آموخت و در اجرای آنها دقت خواهید کرد. ^۲ یهُوهُ، خدای ما، با ما در حوریب عهدی بست. ^۳ این عهد را یهُوهُ با پدران ما نبست، بلکه با ما، خود ما که امروز همگی زنده هستیم. ^۴ یهُوهُ با شما، بر ^{۳:۳۱-۳۲} کوه، از میان آتش، رو در رو سخن گفت: ^{۱۱:۳۳} خروج ^۵ و در آن زمان، من میان یهُوهُ و شما می‌ایستادم، تا سخن یهُوهُ را به شما اعلام دارم، زیرا شما به سبب آتش ترسان بودید و بر کوه بر نیامدید. او می‌فرمود ^۶ خروج ۱۷-۲۰:۲ «من، یهُوهُ، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم، از خانه بردگان. ^۷ در برابر من، خدایان دیگر نخواهی داشت.

^۸ برای خود تمثالی نخواهی ساخت، هیچ شکلی از آنچه در بالا در آسمان است، و از

^۸ در کتاب تثنیه، نسخه «ده گفتار» (آیات ۶-۲۱) با نسخه آن در خروج (آیات ۶-۲۱) با متفاوت بوده، احتمالاً قدیمی تراست.

^۹ قرائت متن عبری: «احکام او را»؛ ما در این ترجمه، بر اساس ترجمه‌های قدیمی اصلاحی انجام داده‌ایم.

^{۱۰} خاطره آنچه که یهُوهُ در گذشته، در مصر، برای قومش انجام داده، مطالباتش را برای زندگی امروز توجیه کند (ر. ک.

اساس د گفتار است؛ ر. ک. آیه ۶). به این ترتیب، عمل تاریخی خدا در مصر، الگویی است برای رفتار و سلوک اسرائیلیان،

همان طور که عمل تاریخی خدا در عیسی مسیح، الگویی است برای مسیحیان (مثالاً ر. ک. فیل ۱۱:۱-۲).

۱۴ این سخنان را یهُوه به تمامی
گردهم آبی ^{۱۳} شما گفت، بر کوه، از میان
آتش، از ابر و از ابر تاریک، با صدایی
نیرومند؛ و چیزی نیفزو^{۱۴} آنها را بر دو لوح
سنگی نوشت و به من داد.

سبب است که یهُوه، خدایت، تو را امر
فرموده که روز سیّت را به عمل آوری.^۷

۱۵ پدر و مادرت را حرمت دار، مطابق
آنچه که یهُوه، خدایت، تو را امر فرموده
است، تا روزهای طولانی شود، و بر روی
زمینی که یهُوه، خدایت، به تو می دهد،
سعادت^۸ نصیبت شود.

۱۶ نخواهی کشت.

۱۷ و مرتكب زنا نخواهی شد.

۱۸ و دردی نخواهی کرد.

۱۹ بر علیه همسایه ات همچون شاهد
دروغین شهادت نخواهی داد.

۲۰ ۲۱ به زن همسایه ات شهوت نخواهی
ورزید؛ و آرزومند^۹ خانه همسایه ات،
مزرعه اش، و نه خدمتگزارش، نه کنیزش،
گاوش، و نه الاغش، نه چیزی که از آن
همسایه ات می باشد، نخواهی بود.

موسى، واسط میان خدا و انسان خروج: ۲۰-۲۱:۱۸:۲۰
۱ نیو:۲۵:۵

۲۲ پس چون صدا را از میان ظلمات
شنیدید و کوه به آتش^{۱۰} فروزان بود، به من
نزدیک شدید، تمام بزرگان قبیله های شما
و مشایختان، ^{۱۱} و گفتید: «اینک یهُوه،
خدای ما، جلال^{۱۲} و عظمت خود را به ما
نمایاند، و صدای او را از میان آتش
شنیدیم؛ امروز، دیدیم که خدا با انسان
سخن می گوید وی زنده می ماند.^{۱۳} و
اکنون چرا باید بمیریم؟ زیرا این آتش عظیم
ممکن است ما را هلاک سازد. اگر بار

۷ انگیزه حکم مربوط به سیّت با انگیزه ای که در خروج ۲۰:۸-۱۱ برای آن عنوان شده، متفاوت است. تثنیه با یادآوری رویداد راهی از مصر، این نهاد را بیشتر مرتبط می سازد به تاریخ نجات، تا به آفرینش، و آن را نشانه ای قرار می دهد از رهایی و آزادی قوم خدا. این آزادی، از طریق همبستگی، شامل بودگان (۱۶:۲۳)، غربیان یا مهاجران (۱۹:۱۰)، و حتی حیوانات اهلی نیز (۴:۲۵) می گردد.

۸ این اشاره به سعادت که با موضوع اطاعت پیوند دارد، خاص نسخه تثنیه از ده گفتار می باشد (ر.ک. توضیح ۴۰:۴).
۹ این فعل (آرزومند بودن) خاص نسخه تثنیه از ده گفتار است. این فعل تداعی کننده مشغله فکری افراطی و همراه با هیجاناتی تند و حق طلبانه می باشد (اعد ۱۱:۴-۲:۳-۲:۲-۱:۲:۱۵:۲۳؛ عا ۱۸:۵).

۱۰ کتاب تثنیه، با استفاده از این اصطلاح، به قومی اشاره می کند که در پای کوه حوریب گرد آمده بودند تا عهد را منعقد سازند و شریعت را دریافت دارند (۱۰:۱۰؛ ۱۰:۱۸؛ ۱۰:۳:۱؛ ۱۶:۱۸:۱۰). این همان گردهم آبی مذهبی نمونه است که موجب پدید آمدن اسرائیل همچون قوم خدا شد (۲:۲-۲:۲:۹؛ ۲:۲:۲۳). ر.ک. یوش ۸:۳۵-۱:۱-۲:۸ پاد (۲:۲-۲:۲:۲۳). سنت «کهانتی» و ازه «جماعت» را ترجیح می دهد (لاو ۸:۴؛ اعد ۲:۱، ۵:۳ و غیره). گاه هر دو واژه به یکدیگر می پیوندند (خروج ۱۲:۶؛ لاو ۳:۸). ترجمه یونانی در اینجا از کلمه *synagôgê* استفاده می کند که بعدها به جماعت یهودی اشاره کرده، و در زبانهای عربی، همان کلمه ای شد که برای نامیدن «کنیسه» به کار می رود. اما کلمه «جماعت» *ekklêsia* اغلب به زبان یونانی *ekklêsia* برگردانده شده (ریشه کلمه فارسی «کلسا») که مسیحیان برای اشاره به جماعت عهد جدید از آن استفاده خواهند کرد.

۱۱ این توضیح صریح سیّت می شود که «ده گفتار» را مجموعه ای مجزا بیندارم که چیزی نیاید به آن افزود. همین میان سخنان یهُوه که در سینا به تمام قوم داده شده (همان «ده گفتار») و سخنانی که بعداً به موسی داده شد تا به قوم انتقال دهد (ر.ک. آیه ۳۱)، تمایزی پدید آید.

۱۲ a «جلال» درخشش عظمت خدا که در ابر یا آتش آشکار می شود.

به عمل آورید؛ نه به راست دور خواهید شد و نه به چپ؛^{۳۳} طریقی که یهُوهُ، خدایتان، برای شما امر کرده، در همهٔ چیز در آن سلوک خواهید کرد، تا که زیست کنید و سعادت نصیبتان شود، و روزهای خود را در سرزمینی که مالکش خواهید شد طولانی سازید.

«یهُوهُ، خدایت را دوست خواهی داشت»

^۱ این است حکم و فرایض و

^۶ قواعدى که یهُوهُ، خدایتان، امر فرموده تا به شما تعلیم داده شود، تا آنها را در سرزمینی که برای تملک به آن عبور خواهید کرد، به جا آورید،^۲ تا از یهُوهُ، خدایت، بترسی و در تمامی روزهای زندگی ات، خودت، پسرت، و پسر پسرت، تمامی اوامر و احکام او را که به تو امر می‌کنم رعایت کنی، و روزهایت طولانی شود.^۳ تو، ای اسرائیل، گوش فرا خواهی داشت و مراقب اجرا خواهی بود، آن سان که در^۴ سرزمینی که شیر و شهد در آن^{۴۰:۴} جاری است، سعادت نصیب گردد و بسیار فرونی یابید، مطابق آنچه که یهُوهُ، خدای خروج^{۸:۳} پدرانت، به تو گفته است.

^۴ گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهُوهُ، خدای^{۴:۱۱-۱۵:۱} ما، یگانه یهُوهُ است.^۵ یهُوهُ، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جانت و با تمامی^{۴:۸-۱۷} قرن^{۴:۱۷}

دیگر به شنیدن صدای یهُوهُ، خدایمان، ادامه دهیم، خواهیم مرد،^۶ زیرا کدامین موجود گوشتین است که همچون ما صدای خدای زنده را که از میان آتش سخن می‌گوید شنیده باشد و زنده مانده باشد؟^۷ تو نزدیک برو و هر آنچه را که یهُوهُ، خدای ما، می‌گوید گوش کن، سپس تو تمام آنچه را که یهُوهُ، خدای ما به تو می‌گوید، به ما خواهی گفت: ما به آن گوش فرا خواهیم داشت و آن را به عمل خواهیم آورد.

^۸ یهُوهُ صدای سخنان شما را، در حینی که با من سخن می‌گفتید، شنید^b، و یهُوهُ مرا گفت: «من صدای سخنان این قوم را شنیدم، آنچه را که به تو گفتند: هر آنچه گفتند نیکو است.^۹ کاش همین دل را برای ترسیدن از من و رعایت کردن تمام احکام من در تمامی روزها می‌داشتند، تا سعادت نصیب ایشان گردد، نصیب ایشان و پسرانشان، برای همیشه!^{۱۰} برو و به ایشان بگو: به خیمه های خود باز گردید.

^{۱۱} اما تو همینجا نزد من بایست، و تمامی حکم و فرایض و قواعد را که به ایشان تعلیم خواهی داد به تو خواهم گفت، و ایشان آنها را در سرزمینی که به ایشان می‌دهم تا آن را مالک شوند به عمل خواهند آورد.

^{۱۲} پس مراقب خواهید بود که مطابق آنچه که یهُوهُ، خدایتان، امر فرموده،

b همانطور که قوم «صدای» خداوند را شنیدند (آیه ۲۲)، خداوند را شنیدند (آیه ۲۲) بر جسته می‌شود که متنهای می‌گردد به توافق از طریق شنیدن سخنان یکدیگر.

c کلمه «در» در متن عربی نیامده است.

d این آیه، جمله اول از اقرار ایمان سنتی اسرائیل است که بر اساس نخستین کلمه آن، «شمام» (یعنی «گوش فرا ده») نامیده می‌شود. نسخ قدیمی، ابتدا و انتهای این آیه را با حروف درشت تر نوشته اند تا بر اهمیت آن تأکید ورزند. می‌توان این چنین نیز ترجمه کرد: «یهُوهُ خدای ما است، یهُوهُ بگانه است» (ر.ک. ثث ۳۵:۴ و توضیح مر ۲۹:۱۲). ترجمه متداول در یهودیت چنین است: «یهُوهُ خدای ما است، یهُوهُ واحد است».

که خدمتش خواهی کرد، و به نام او است مت:۴:۱۰ موافق
که سوگند خواهی خورد.
۱۴ به دنبال خدایان دیگر خواهید رفت،
از میان خدایان قوم هایی که در پیرامون شما ۸:۱۳
خواهند بود، ۱۵ زیرا که یهُوهُ، خدایت، که
در میان تو است، خدایی است حسود؛ بترس ۹:۵
که مبادا خشم یهُوهُ، خدایت، بر تو افروخته ۱۴:۳۴
شود و تورا از سطح زمین قلع و قمع کند.
۱۶ یهُوهُ، خدایتان، را خواهید آزمود، آن مت:۴:۷ موافق
سان که او را در مسّا آزمودید. ۱۷ می باید خروج ۷:۱۷
احکام یهُوهُ، خدایتان را رعایت کنید، و نیز
اوامر و فرایضی را که به تو امر فرموده
است. ۱۸ در نظر یهُوهُ آنچه را که راست ۲۸:۱۲
است و آنچه را که نیکو است انجام خواهی ۹:۲۱
داد، تا سعادت نصیبت گردد و وارد سرزمین
نیکو شوی و آن را مالک گردد، (سرزمینی)
که یهُوهُ همراه با سوگند به پدرانت و عده
داد، ۱۹ و جمیع دشمنان را از مقابل تو
عقب راند، مطابق آنچه که یهُوهُ فرمود.
۲۰ چون فردا پسرت از تو بپرسد: «این خروج ۱۲:۲۶
اوامر و فرایض و قواعد چیست که یهُوهُ،
خدای ما، به شما امر فرموده است؟» ۲۱ به

مر:۱۲:۲۹-۳۰ قوتت دوست خواهی داشت.^۵ این سخنان
موافق که امروز به تو امر می کنم، بر دل تو باشد.
آنها را به پسранت خواهی فهماند، و در
باره آن سخن خواهی گفت به هنگام نشستن
در خانه و راه رفتن در راه، به هنگام
خوابیدن و برخاستن؛ آنها را همچون
نشانه به دستت وصل خواهی کرد، و
همچون پیشانی بند میان چشمانت خواهد
بود؛^۶ آنها را بر تیرهای خانه ات و بر
درهایت^۷ خواهی نوشت.
۱۰ پس هنگامی که یهُوهُ، خدایت، تو را
وارد سرزمینی سازد که برای پدرانت،
ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند خورده که
به تو بدهد: شهرهای بزرگ و زیبا که تو بنا
نکرده ای،^۸ ۱۱ خانه هایی پر از هر نوع اموال
که تو پر نکرده ای، آب انبارهایی حفر شده
که تو حفر نکرده ای، تاکستانها و درختان
زیتون که تو نکاشته ای: آن گاه که بخوری
و سیر شوی،^۹ ۱۲ مراقب باش که یهُوهُ را که
امث:۳۰:۹-۱۰ تو را از سرزمین مصر، از خانه بردگان
بیرون آورد، از یاد نبری.^{۱۰} ۱۳ یهُوهُ،
خدایت است که خواهی ترسید، هم او است

۵ خدا در کتاب تثنیه، خدایی است که قوم خود را دوست می دارد (۳۷:۴، ۸:۷، ۱۳:۱۰، ۶:۲۳). او همجنین خدایی است که نه فقط می توان و باید از او ترسید و خدمتش کرد، بلکه می توان و باید او را دوست نیز داشت (۱۰:۵، ۶:۵، ۹:۷، ۱۰:۶، ۱۱:۱۱، ۱۲:۱۰، ۱۳:۱۳، ۱۴:۲۲، ۱۵:۲۰، ۱۶:۳۰، ۹:۱۹، ۱۷:۲۲، ۱۸:۱۳)؛ این نکته ای است که احتمالاً کسی جرأت نکرده بوده بوده بوده پیش از تثنیه بیان دارد. این محبت شامل تمامیت وجود انسان می گردد که با عناصر سه گانه ای بیان شده که آن را در ۲-پاد ۲۵:۲۴ دارد. نیز باز می یابیم (انجیل عنصر چهارمی را به آن می افزاید؛ ر.ک. مر ۳۰:۱۲ و بخششای مشابه). سه فعل «ترسیدن» و «خدمت کردن» و «دوست داشتن» بینان مجموع ۱۰:۲۱ تا ۱۱:۱۷ را تشکیل می دهد. در کتاب تثنیه، بیشتر اوقات به عناصر دوگانه «با تمامی دلت» و «تمامی جانت» مرتبط است (۱۰:۱۲، ۱۱:۶:۳۰) و نیز به «جستجو کردن خدا» (۱۰:۲۹:۴)، «عمل کردن و نگاه داشتن» احکام (۱۶:۲۶)، «گوش فرا دادن» به خداوند (۱۰:۲۳:۲)، «بازگشت کردن» به سوی او (۱۰:۲:۳۰)، «اعمال گوناگون تداعی کننده آشکال ملموسی است که باید محبت قوم به خدایش را شکل بیخشد، همانند محبتی که خدا نسبت به خاصانش دارد (۱۰:۱۸).
۶ ر.ک. توضیح خروج ۱۳:۹ و ۱۳:۱۶. کلام خدا آن عاملی است که تعلق اسرائیل را به خدایش مشخص می سازد. یهودیان دیندار را عادت است که قطعاتی از پوست حیوانات را که بر آنها سخنان شریعت نوشته شده، بر پیشانی و مج خود بینندند (phylactère)، ر.ک. مت ۵:۲۳؛ این نشانه ای بیرونی از وابستگی ای درونی به شریعت می باشد.
۷ تحتاللفظی: «روی چارچوبهای در خانه ات و بر دروازه های شهر».

حتیّان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرگزیان و حویان و یوسیان، هفت ملتی را که زیادتر و نیرومندتر از تو هستند،^۲ و یهوه، خدایت، ایشان را به دست تو بسپار و تو ایشان را شکست دهی، ایشان را به لعنت نذر خواهی کرد، با آنان عهد نخواهی بست،^۳ و بر ایشان ترحم نخواهی کرد.^۴ با ایشان از طریق ازدواج متحده نخواهی شد: دخترت را به پسر ایشان نخواهی داد، و دختر ایشان را برای پسرت نخواهی گرفت،^۵ زیرا این ممکن است پسرت را از عقب من دور سازد^k
و خدایان دیگر را خدمت کند!^۶ آنگاه خشم یهوه بر علیه شما بر افروخته خواهد شد و او تو را خیلی سریع از میان خواهد برد.^۷ اما این است آن گونه که با ایشان عمل خواهید کرد: قربانگاه‌ها ایشان را در هم خواهید خوشت؛ ستونهای سنگی ایشان را خرد
خواهید ساخت؛ تیرهای چوبی مقدسشان را قطع خواهید کرد؛ و تمثال‌های ایشان را به آتش خواهید سوزاند.^۸ زیرا تو قومی هستی اختصاصی یافته به یهوه، خدایت؛ این تو هستی که یهوه، خدایت، برگزیده^m، تا در میان جمیع قوم‌هایی که بر سطح زمین خروجⁿ هستند، قوم خاص او شوی.

^h کوشش کتاب تشیه این است که اصول ایمان را به نسل‌های بعدی منتقل سازد. باید توجه داشت که این «کتاب تعلیمات دینی» اساساً حالت روایتی دارد. در خصوص این اقرار ایمان، ر.ک. توضیح ۵:۲۶.

ⁱ تحتاللفظی: «و این برای ما یک عدالت خواهد بود». در اینجا عادل بودن به معنی نگه داشتن خویشن در رابطه مبتنی بر عهد با یهوه، با انجام دادن حکم، می‌باشد، آن سان که قوم متعدد آن شده است (ر.ک. ۲۷:۵). مقررات این احکام پیوند میان این عدالت در چارچوب عهد را با عدالت اجتماعی برقرار می‌سازد (ر.ک. ۱۳:۲۴).

اسرائیل در میان ملت‌ها



^j چون یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی سازد که به آن داخل خواهی شد تا آن را مالک شوی، و ملت‌های بسیار را از مقابل تو بیرون براند، (یعنی
پیدا ۲۰:۱۷؛ خروج ۳:۱۹؛ ۲۰:۱۹؛ ۲۱:۱۹؛
اع ۱۳:۱۹) از

^k احتمالاً منظور پیروی از موسی است. اما احتمال قوی تر این است که این هشدار در مورد پیروی از خود خدا باشد (ر.ک. ۱۱:۱۴). توضیح ۱۱:۱۴.

^l تحتاللفظی: «خدایان دیگر را خدمت کنند»: فعل که در حالت جمع است، همه پسران بی وفا را مد نظر دارد. ^m قوم «مقدس» است (ر.ک. ۲۱:۲۶؛ ۲۱:۲۶؛ ۹:۲۸) زیرا تماماً متعلق به یهوه می‌باشد. این خصوصیتی نیست که خود این قوم کسب کرده باشند، بلکه وضعیتی است از زندگی ای خاص که برگزیده شدن و اختصاص یافتنشان به یهوه بر ایشان

سوگند خورده بود، برایت نگاه خواهد داشت.^{۱۳} او تورا دوست خواهد داشت،^{۶:۵} تورا برکت خواهد داد، و تورا فزونی^{۴:۲۸} خواهد بخشید؛ او شمره بطن و شمر زمینت را برکت خواهد داد، یعنی گندمت، شراب تازه ات و روغن تازه ات را، و حمل گاوهاست و افزایش میشهاست^۰ را، بر زمینی که برای پدرانت سوگند یاد کرده که به تو بدهد.^{۱۴} بیش از جمیع قوم ها مبارک خواهی بود؛ هیچکس نزد تو نازار نخواهد بود، مرد یا زن، و نه در احشامت.^{۱۵} یهُوه هر بیماری را از تو دور خواهد ساخت؛ همه آن بیماریهای واگیردار و مهلك را که در مصر شناختی، آنها را بر تو وارد نخواهد ساخت، بلکه با آنها تمام آنانی را خواهد زد که تورا نفرت می دارند.^{۱۶} جمیع قوم هایی را که یهُوه، خدایت، به تو می سپارد از میان خواهی برد؛ چشمت بر آنان ترحم نخواهد کرد و خدایان ایشان را^{۹:۱۳} خدمت نخواهی کرد؛ این می تواند برایت^{۲۱:۲۱، ۱۳:۱۹} دام باشد.^{۱۷}

چنانچه در دلت بگویی: «این ملت ها از من زیادترند؛ چگونه می توانم ایشان را خلیل ید کنم؟»^{۱۸} از آنها ترسان مباش؛ کافی است به یاد آوری آنچه را که یهُوه، خدایت، با فرعون و تمام مصر کرد،^{۱۹} آن

^۷ اگر یهُوه شیفتنه شما شده و شما را بر گزیده، به آین سبب نیست که زیادتر از قوم های دیگر هستید؛ چرا که شما ناچیزترین تمام قوم ها می باشید.^۸ اما علتش این است که یهُوه شما را دوست می دارد و سوگندی را که برای پدرانتان یاد کرده نگاه می دارد، و به همین سبب یهُوه شما را با دستی نیرومند بیرون آورده و تورا^{۳۷:۴} از خانه بردگان، از دست فرعون، پادشاه مصر، رهایی داده است.^۹ پس خواهی دانست که این یهُوه، خدایت می باشد که خدا است، خدایی امین که عهد و وفاداری را تا هزاران نسل برای آنانی که او را دوست می دارند و احکامش را رعایت می کنند، نگاه می دارد؛^{۱۰} اما همان شخصی را که از او نفرت می دارد، تقاض می دهد و او را هلاک می سازد؛ در مورد کسی که او را نفرت می دارد تأخیر روا نمی دارد؛ بر خود آن شخص است که تقاض وارد می سازد.^{۱۱} پس حکم و فرایض و قواعد را رعایت خواهی کرد، (آنها) که امروز تورا امر می کنم تا به جا آوری.

^{۱۲} و چنانچه به این قواعد گوش فرا دهید، اگر آنها را نگاه دارید و اگر آنها را به جا آورید، یهُوه، خدایت، به نوبه خود، عهد و وفاداری ای را که برای پدرانت

تحمیل می کند؛ این همان نکته ای است که در آخر آیه توضیح داده شده است. نتیجه چنین تعلقی باید در سلوک قوم نمودار شود؛ ایشان باید از روش زندگی سایر اقوام بگسلنند (ر.ک. ۱۴، ۹:۱۸، ۳:۳۱:۱۲).

ⁿ کوچک بودن اسرائیل در نقطه مقابل عظمت گریب‌نشی است که خدا در حق او روا داشته است (ر.ک. حرق ۱:۱۶-۱:۱۴؛ ۱:۵۱-۱:۲)؛ این گریب‌نش دلیل دیگری ندارد جز محبت یهُوه (ر.ک. ۳۲:۴-۳۸:۳۱). این امر هر نوع دلیل می‌مبارد را از اسرائیل می‌گیرد (ر.ک. عا ۷:۹)، و او را به حیرت و قدردانی عالانه فرا می‌خواند. همچنین این گریب‌نش گواه است بر وفادار ماندن یهُوه در طول قرون و اعصار؛ یهُوه به قول خود پایبند می‌ماند.

^۰ این دو واژه نسبتاً نادر (ر. ک. ۱۸، ۴:۲۸، ۵۱) دلالت دارند یا بر بچه های این احشام، یا بر مادران گله بین احشام بزرگ و کوچک.

بر نخواهی گرفت، مبادا که به سبب آن در ۳۱:۱۲
دام بیفتی، زیرا این برای یهُوه، خدایت، ۳:۱۴:۱۵:۱۳
نفرت انگیز است.^{۲۶} و «نفرت انگیزی» را ۱۸:۴-۱:۱۷
وارد خانه ات نخواهی ساخت، چرا که ۱۸:۲۰:۱-۲-۹
مانند آن، لعنت خواهی شد؛ آن را باید ۱۹:۲۳:۵:۲۲
نجس بپندازی و آن را نفرت انگیز بداری، ۱۶:۲۵:۴:۲۴
زیرا این یک لعنت است.^{۲۷} ۱۶:۳۲:۱۵:۲۷
۳۴:۲

آموزش اسرائیل در بیابان

^۱ تمام حکمی را که امروز به تو امر می کنم، مراقب خواهید بود که به آن عمل کنید، تا زیست کنید و فزونی یابید و وارد سرزمینی شوید که یهُوه با سوگند به پدرانت وعده داده است، و آن را به مالکیت در آورید.^۲ به یاد خواهی آورد تمام راهی را که یهُوه، خدایت، تو را به مدت این چهل سال، در بیابان، راه برد، تا تو را خوار سازد، و تو را در آزمایش قرار دهد^۹، تا بداند در دل تو چه هست^{۱۰} و اینکه آیا احکام او را رعایت خواهی کرد یا نه.^{۱۱}

^۳ او تو را خوار ساخت و تو را گرسنگی داد، سپس تو را با من خوراک داد که تو آن را خروج ۲۵-۱:۱۶
نمی شناختی و پدرانت آن را نشناخته بودند، تا تو را آگاه سازد که انسان تنها به نان زیست نمی کند، بلکه انسان به هر آنچه مت ۴:۴ موافی که از دهان یهُوه بپرون آید زیست می کند.^{۱۲}

^۴ جامه ات بر تبت فرسوده نشد، و پایت در

۲:۲۹ آزمایش‌های بزرگ را که چشمانست دید، ۲۴:۴ نشانه ها، شگفتی ها، دست نیرومند و بازوی درازشده را، که با آنها، یهُوه، خدایت، تو را بپرون آورد^p؛ چنین خواهد کرد یهُوه، خدایت، با تمام قوم هایی که از آنان ترسانی.^{۱۰} یهُوه، خدایت، حتی خروج ۲۰-۲۸:۲۳ زنبورهای درشت را بر علیه آنان خواهد فرستاد، تا زمانی که آنانی که باقی مانده باشند و از مقابل تو پنهان شده باشند، از میان بروند.

۲۱ در مقابل آنان لرزان نخواهی بود، زیرا یهُوه، خدایت، در میان تو است، خدایی عظیم و مهیب.^{۱۲} ۲:۳ یهُوه، خدایت، این ملت ها را کم کم از مقابل تو دور خواهد خروج ۲۹:۲۳-۲۰:۲۳:۲:۳ ساخت؛ نخواهی توانست آنها را آنا^{۱۳} قلع و قمع کنی، مبادا حیوانات صحراء بر علیه تو فرونوی یابند.^{۱۴} ۲:۳ یهُوه، خدایت، آنها را به دست تو خواهد سپرد؛ ایشان را به هراسی عظیم خواهد زد، تا زمانی که از میان بروند.^{۱۵} او پادشاهان ایشان را به میان دستان تو خواهد سپرد، و نام ایشان را از زیر آسمانها محظوظ خواهی ساخت؛ هیچکس در مقابل تو مقاومت خواهد کرد، تا آن زمان که ایشان را از میان بردۀ باشی.

۲۵ تمثال های خدایانشان را به آتش خواهید سوزاند. به نقره و طلا بی که بر آنها است طمع نخواهید ورزید؛ آن را برای خود

^p همین فعل «بپرون آوردن» کافی است تا بحاجتی را که به هنگام خروج از مصر به قوم اعطای شد، تداعی کند (ر.ک. توضیح ۱:۱۵:۵؛ ۲:۲۷:۱؛ ۴:۵:۲۷:۶؛ ۶:۱۲:۶؛ ۸:۱۲:۶؛ ۹:۱۳:۷:۹؛ ۱۰:۱۳:۷:۹؛ ۱۱:۱۴:۸؛ ۱۲:۶؛ ۱۳:۶؛ ۱۴:۸؛ ۱۵:۵) (ر.ک. اش ۴:۴۳-۱۶:۴۸:۲۰-۲۰:۴۸:۲۱-۲۰:۴۸:۲۳:۸-۷:۲۳).

^{۲۶} در خصوص موضوع آزمایش در بیابان، ر.ک. توضیح ۸:۳۳؛ توضیح خروج ۲:۱۷؛ توضیح ۲:۱۵؛ توضیح ۲:۲۷؛ توضیح ۱:۱۵:۵.

^{۲۷} این گونه نیز می توان تفسیر کرد: «تا متوجه شوی که چه چیزی در دلت هست». آنچه که از دهان یهُوه بپرون می آید، «کلام» است (۲:۲۳)؛ اعد ۳:۳۰، ۱۳، ۱۳: اعد ۳۰؛ از ۱۶:۱۷؛ از ۱۶:۱۷؛ از ۳۵:۸۹). این کلام همانا «نان حیات» واقعی است (ر.ک. بیو ۶:۴۸). این اصطلاح هیچون تکیه گاهی خواهد بود برای عیسی به منظور ایستادگی در مقابل وسوسه شیطان (لو ۴:۴).

می یابد، و هر آنچه از آن تو است فزومنی می یابد،^{۱۴} مراقب باش که دلت بلند نشد و یهُوهُ، خدایت، را که تورا از سرزمین مصربیرون آورد، از خانه بردگان، از یاد نبری،^{۱۵} او را که تورا در بیابان عظیم و مهیب راه برد، در میان مارهای سوزان^۷ و اعدا^{۲۱} ۹-۶:۲۱ اکتبر، سرزمین تشنجی که در آن آب کردمها، سرزمین تشنجی که در آن آب نیست، او را که برایت از صخره چخماق خروج ۷-۱۷:۱۷ اعدا^{۲۰} ۱۳-۱:۲۰ اکتبر، آب بیرون آورد،^{۱۶} او را که تورا در بیابان با من خوراک داد که پدرانت آن را نشناختند، تا تورا خوار سازد و تورا در آزمایش قرار دهد، تا تورا در آخر خیریت دهد.^{۱۷} مراقب باش که در دلت نگویی: «قدرت خودم و نیروی دستم بود که این اش^{۱۰} اش ۱۳-۱۴:۱۰» مز^{۲-۱} ۱۲۷:۱۰-۱۰:۲ هم^{۲-۱} کسب کنی، تا عهد خود را حفظ کند که آن شروت را برایم کسب کرد». ^{۱۸} یهُوهُ، خدایت، را به یاد خواهی آورد، زیرا او است که به تو قوت می بخشد تا شروت کسب کنی، تا عهد خود را حفظ کند که آن را برای پدرانت سوگند خورد، آن سان که امروز [شده است].^{۱۹} اما اگر بر تورخ دهد که یهُوهُ، خدایت، را فراموش کنی، و به دنبال خدایان دیگر بروی و آنها را خدمت کنی و در مقابل آنها سجده نمایی، امروز بر علیه تو شهادت می دهم: به یقین هلاک خواهید شد!^{۲۰} مانند ملت هایی که یهُوهُ در برابر شما هلاک خواهد کرد، به همان سان هلاک خواهید شد، زیرا به ۶۳،۵۱:۲۸ صدای یهُوهُ، خدایتان، گوش فرا ندادید.

مدت این چهل سال ورم نکرد.^۵ در دلت^t خواهی دانست که همان سان که مردی پسر خود را اصلاح می کند، یهُوهُ، خدایت، نیز امث ۱۱:۳:۳۶؛^{۱۲:۱۲} تو را اصلاح می کند،^۶ و با سلوک در عرب ۷:۱۲ طریق های یهُوهُ، خدایت، و با ترسیدن از او، احکام او را رعایت خواهی کرد.

سرزمین موعد و وسوسه هایش

^۷ زیرا یهُوهُ، خدایت، تو را وارد سرزمینی نیکو خواهد کرد، سرزمین آبهای جاری و ۱۲-۱۰:۱۱ ۱۲:۱ چشمها و دریاچه های عمیق که در دره و در کوهستان بیرون می آیند،^۸ سرزمین ۵:۲۰ گندم و جو، تاک، درختان انجیر و انار، سرزمین درختان زیتون روغنی و عسل،^۹ سرزمینی که در آن نانت را با امساك خواهی خورد، و در آنجا چیزی کم خواهی داشت، سرزمینی که سنگهایش از آهن^{۱۰} است، و از کوههایش مس استخراج خواهی کرد.^{۱۱} خواهی خورد و سیر خواهی شد و یهُوهُ، خدایت، را مبارک خواهی خواند، برای سرزمین نیکویی که به تو داده است.^{۱۲:۶:۲۳:۴} ^{۱۱} مراقب خود باش که یهُوهُ، خدایت، را از یاد نبری و احکام و قواعد و اوامر او را که امروز به تو امر می کنم، رعایت کنی.^{۱۲} چون بخوری و سیر شوی، چون خانه هایی زیبا بسازی و در آنها ساکن شوی،^{۱۳} چون [بیینی] که احشام بزرگ و کوچکت فزومنی می یابند، و نقره و طلا برایت فزومنی

^t تحت الفظی: «با (یعنی به کمک) دلت».

^{۱۱} «آهن» که در خاورمیانه بسیار دیر کشف شد (حدود ۱۲۰۰ ق.م.)، در دنیای کتاب مقدس از اهمیت بسیاری برخوردار است و همچون نقطه اوج پیشرفت فنون و ایثارهای جنگی به شمار می رود (ر.ک. تختخواب عوج در ۱۱:۳؛ آلات کشاورزی در ۱-سمو ۱۳:۲۰؛ تجهیزات جلیات در ۱-سمو ۱۷:۷؛ و بسیار دیرتر، کاربرد آهن همچون نماد هولناک امپراطوری سلوکی در دان ۲:۴۰؛ ۷:۷ وغیره).

^۷ «مارهای سوزان» را در اعدا^{۲۱} ۶:۶ می یابیم.

ایشان خواهی شد، بلکه به سبب بدکاری این ملت‌ها است که یهُوهُ، خدایت، ایشان را در مقابل تو خلع ید می‌کند، و نیز به منظور اینکه سخنی را که یهُوهُ برای پدرانت، ابراهیم و روم ۲۲:۱۱ را مُخْرِجَةٍ^x اسحاق و یعقوب قسم خورده حفظ کند.^۶ بدان که به سبب عدالت تو نیست که یهُوهُ، خدایت، این سرزمین نیکورا به تو می‌دهد تا مالک آن شوی؛ چرا که تو قومی هستی با گردن سخت.

۲۲ خروج

گواليه طلابي^y: بى دينى اسرائىل
 ۷ به ياد آور و فراموش مكىن كه تو یهُوهُ، خدایت، را در بىابان به خشم آوردی. از روزى كه از سرزمین مصر بپرونآمدی تا رسيدنستان به اين مكان، عليه یهُوهُ سر به طغيان برداشتید.^۸ در حوريپ نيز یهُوهُ را به خشم آوردید و یهُوهُ بر شما خشم گرفت تا آنجا [كه مى خواست] شما را نابود سازد.^۹ من كه بر كوه برآمده بودم تا ۱۳:۴
 راكه یهُوهُ با شما بسته، چهل روز و چهل شب بر فراز كوه ماندم، و نان نخوردم و مت:۲ موافق آب ننوشیدم.^{۱۰} یهُوهُ آن دو لوح سنگي را كه به انگشت خدا نوشته شده بود به من

اسرائيل عادل تر از ساير ملت‌ها نیست

۴:۶ گوش فرا دار، اى اسرائيل! امروز از اردن عبور خواهی کرد تا بروی و ملت‌هایي بزرگتر و قوي تر از خود را خلع ید کنى، به شهرهای عظیم که تا به آسمان حصاردار است،^۲ قومی عظیم و بلندقاامت، بنی عناقیم که ایشان را می‌شناسی و در باره ایشان شنیده اى که می‌گویند: «چه کس در مقابل بنی عناق ایستادگی خواهد کرد؟»^۳ بدان که امروز یهُوهُ، خدایت، خود در مقابل تو همچون آتشی هلاک کننده عبور خواهد کرد؛ هم او است که ایشان را از میان خواهد برد، او است که ایشان را در برابر تو پایین خواهد آورد، آن سان که ایشان را خلع ید خواهی کرد و آنا^۴ ایشان را هلاک خواهی ساخت، مطابق آنچه که یهُوهُ به تو گفته است.^۵ چون یهُوهُ، خدایت، ایشان را از مقابل تو عقب براند، در دل خود مگو:^۶ «به سبب عدالت^۷ است که یهُوهُ مرا وارد اين سرزمین ساخته تا آن را مالک شوم، حال آنکه به سبب بدکاری اين ملت‌ها است که یهُوهُ ایشان را در برابر تو خلع ید می‌کند.^۸ به سبب عدالت و راستی دل تو نیست که مالک سرزمین

^x ر. ک. روم ۶:۱۰. این تأملی است جدید بر خصوصیت رایگان عطیه‌های الهی به قومش (ر. ک. ۳۲:۴-۳۸:۷-۸). اما اخراج ملت‌ها از برابر اسرائیل، در اینجا همچون مجازات گناهانشان تلقی شده: اسرائیل نیز تهدید شده که در صورت ناطاعتی، خلع ید گردد (ر. ک. ۷:۴-۸:۱۹-۲۰).

^y لدر تث ۷:۹ تا ۱۱:۱ موضوع مذکور در خروج ۳۲-۳۴ تکرار شده و بر این امر تأکید می‌شود که اسرائیل از همان آغاز، هرگز دست از طغيان گري بر ضد خدا برنداشته است. در مقابل تاریخچه بزرگواريهای خدا، تاریخچه بى وفایي های قوم همچون متهم کننده آنان، قد علم می‌کند. موسى میان اين دو در مقام شفاعت کننده و مصالحه گر می‌ايستد. و اين خداوند است که همواره در مقام بخشاشگر باقی می‌ماند: اعطای جديده شريعت نشانه اى از اين حققت است.

^Z در قياس با ۲:۵، لوح های سنگي در اينجا «لوح های عهد» ناميده شده اند. خطای عمد اسرائیل، گستن عهد است. اين سرچشمه و سرمشق تمام خطاهای دیگر در تاريخ است: اين متن روایت اين ماجرا را تا حد امكان به اعطای شريعت نزديک می‌سازد، حال آنکه موسى هنوز از كوه فرود نیامده بوده است.

شب، نان نخوردم و آب ننوشیدم، به سبب ۹:۹ تمام گناهی که مرتکب شده بودید و آنچه را که در نظر یهُوه بدبود انجام داده بودید ۲۵:۴ تا او را به خشم بیاورید.^{۱۹} زیرا از خشم و عبر ۲۱:۱۲ غضبی که یهُوه را بر علیه شما بر انگیخته بود، هراسان بودم، تا آنجا که [می خواست] شما را نابود سازد؛ اما این بار نیز یهُوه به من گوش فرا داد.^{۲۰} یهُوه بر هارون نیز بسیار خشمگین شد، تا آنجا که [می خواست] او را نابود سازد، و در آن زمان، برای هارون نیز دعا کردم.^{۲۱} اما در خصوص گناه شما، گوساله‌ای که ساخته بودید، آن را برداشت و به آتش سوزاندم و آن را خرد کردم، و با دقت آن را ساییدم تا جایی که تبدیل به گرد شد و این گرد را در سیلابی که از کوه جاری است، انداختم.^{۲۲} و در تَبَعِيره، در مسَّا، و در قبروْت - ۱۶:۶ اعدا ۱۱ هت-تاوه، خشم یهُوه را بر انگیختید.^{۲۳} و چون یهُوه شما را از قادش-برنیع فرستاد و گفت: «برآید و سرزمینی را که ۴۶-۱۹:۱ به شما داده ام به تصرف در آورید، شما نسبت به دستور یهُوه، خدایتان، طغیان گر حرق ۲۳:۸-۷:۸؛ مز ۷:۷ از شدید، و به او ایمان نیاوردید و به صدای اع ۵۱ او گوش فرا ندادید.^{۲۴} از روزی که شما را می‌شناسم، نسبت به یهُوه طغیان گر بوده اید.^{۲۵} پس خود را در حضور یهُوه انداختم، در مدت آن چهل روز و چهل شبی که خود را انداختم؛ زیرا یهُوه در باره این سخن می‌گفت که شما را از میان ببرد.^{۲۶} من از یهُوه استدعا کردم و گفتم: «ای خداوندْ

داد که بر روی آنها تمامی سختانی بود که ۲۲:۵ یهُوه بر روی کوه به شما گفته بود، از میان آتش، در روز گردهم آیی.

^{۱۱} باری، در انتهای چهل روز و چهل شب، یهُوه آن دو لوح سنگی را به من داد، لوح‌های عهد را.^{۱۲} یهُوه مرا گفت: «بر خیز! از اینجا خیلی سریع پایین برو، زیرا قوم تو فاسد شده‌اند، همانها که از مصر بیرون آورده! ایشان خیلی زود از طریق‌تی که به ایشان امر کردم دور شده‌اند؛ ایشان برای خود بتی از فلز ذوب شده ساخته‌اند.»^{۱۳} یهُوه مرا گفت: «این قوم را دیده‌ام، و اینک این قومی است با گردنبی خروج ۹:۳۲ سخت.^{۱۴} بگذار (چنین) کنم: ایشان را از میان بیرم و نامشان را از زیر آسمانها بزدایم، حال آنکه از تو ملتی نیرومندتر و کثیرتر از ایشان خواهم ساخت!»^{۱۵} مکا ۵:۳ مکا ۷:۱ برگشتم و از کوه فرود آدم، و کوه در آتش شعله ور بود، و دو لوح عهد را بردو دست خویش داشتم.^{۱۶} به واقع دیدم که بر علیه یهُوه، خدایتان، گناه ورزیده بودید؛ برای خود گوساله‌ای از فلز ذوب شده ساخته بودید؛ خیلی زود از طریق‌تی که یهُوه به شما امر فرموده بود، دور شده بودید.^{۱۷} آن دو لوح را گرفتم و آنها را از روی دو دستم انداختم و آنها را در مقابل چشمان شما خرد کردم.

گوساله طلایی: شفاعت موسی

^{۱۸} خود را در حضور یهُوه انداختم؛ همچون قبل، به مدت چهل روز و چهل

a آیات ۲۴-۲۲ خلاصه‌ای از سایر ماجراهای مربوط به طغیان اسرائیل علیه خدایش را در میان این رویداد جای داده است. شاید این آیات در اصل دنباله آیه ۸ را تشکیل می‌داده‌اند. روایت گوساله طلایی در آیه ۲۵ از سر گرفته می‌شود.

را که بار نخست نوشته شده بود، نوشت، آن ده گفتار را که یهُوه بر روی کوه، از میان آتش، در روز گردهم آیی، به شما گفته بود؛ سپس یهُوه آنها را به من داد.^۵ من بر گشتم و از کوه فرود آمدم، ولوح ها را در ۷:۱ صندوقی که درست کرده بودم گذاردم- و آنها آنجا هستند-، مطابق آنچه که یهُوه به من امر فرموده بود.

^۶ بنی اسرائیل از بیرون-بنت-یعقان به اعد ۳۳:۳۰-۳۲:۳۲؛^a سوی موسیره^b حرکت کردند. در آنجا هارون وفات یافت و در آنجا دفن شد. اعد ۳۳:۲۲-۲۲:۲۰؛^c العازار، پسر او، به جایش کاهن شد. ^۷ از آنجا به سوی جُدجوه حرکت کردند، و از جُدجوه به سوی یطیباتا، سرزمین آبهای جاری، حرکت کردند.

^۸ در آن زمان، یهُوه قبیله لاوی^c را کنار گذارد برای حمل صندوق عهد یهُوه، و ^{۲۵:۹-۳۱} برای ایستاندن در حضور یهُوه، و برای خدمت کردن به او و برای برکت دادن به نام او، [همان گونه که] تا به امروز [شد] است^d. به همین سبب است که لاوی نه سهمی با برادرانش دارد و نه میراثی: میراث او یهُوه می باشد، مطابق آنچه یهُوه، خدایت، به او گفته است.

^{۱۰} اما من، بر کوه ایستادم، همچون روزهای پیشین، به مدت چهل روز و چهل شب، و یهُوه این بار نیز به من گوش فرا

یهُوه، قوم خود و میراث را نابود مساز، همان را که با عظمت خود رهایی داده ای و با دستی نیرومند از مصر بیرون آوردی.^{۲۷} به یاد آور خدمتگزارانت را، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را؛ به سختی این قوم منگر، نه به بدکاری اش، و نه به گناهش،^{۲۸} مبادا که در سرزمینی که ما را از آن بیرون آوردی ^{۲۷:۳۲}؛^e اعد ۱۴:۱۶؛^f ۲:۱۱۵ بگویند: به این سبب که یهُوه نتوانست ایشان را وارد سرزمینی سازد که به ایشان گفته بود، و به دلیل کینه اش نسبت به آنان بود که ایشان را بیرون آورد تا ایشان را در بیابان بمیراند. ^{۳۹} با این حال، ایشان قوم تو و میراث تو می باشند که با قوت عظیم و با بازوی دراز شده ات بیرون آوردی. »

گو dalle طلایی: بخشایش الهی

^{۱۰} در آن زمان، یهُوه مرا گفت: «دو لوح سنگی، مانند اولین، برای خود بتراش، و به سوی من به کوه برآی؛ سپس صندوقی چوبین برای خود خواهی ساخت.^{۱۳:۴} ^۲ من روی لوح ها، سخنرانی را که روی لوح های اول بود که آنها را خرد کردی، خواهم نوشت، و تو آنها را در صندوق خواهی گذارد.»^۳ من صندوقی از چوب افاقیا ساختم، و دو لوح سنگی مانند اولین تراشیدم، و بر کوه برآمدم، و آن دو لوح در دست من بود.^۴ او بر روی لوح ها همانهایی

^b دو تذکر کوتاه، یعنی آیات ۷-۶ و ۸-۷، جربان روایت را قطع می کند. مسیری که در تذکره اول مشخص شده، نقط آغازش حوریب نیست؛ لذا مربوط می شود به مرحله ای متأخرتر از حرکت و کوچ بني اسرائیل.

^c تذکر دوم مربوط می شود به «لاویان»: در اینجا ایشان از کاهنان متایز شده اند (ر. ک. آیه ۶، حال آنکه ۱-۱۸) فقط در باره «کاهنان لاوی» سخن می گوید؛ ر. ک. توضیح اعد ۱۶:۱۰). در متن «انتخاب شدن» ایشان به روشنی به ماجراهی گو dalle طلایی مربوط نشده، یعنی آن کاری که در خروج ۲۵:۳۲-۲۹ صورت گرفته است (نیز ر. ک. توضیح ث ۳۳:۱۰). بیشتر به نظر می رسد که این انتخاب مربوط شده باشد به ساخته شدن صندوق (ر. ک. آیات ۱ و ۵) که لاویان حمل کنندگان آن می باشند.

یهوه، خدایتان، خدای خدايان و خداوند تبیین: ۱۵:۱؛ مکاون: ۱۴:۲؛ مکاون: ۱۷:۱؛ خداوندان است، خدا، عظیم، قهرمان،^{۱۶:۱۹} مهیب، که از کسی جانبداری نمی‌کند و هدیه نمی‌پذیرد،^{۱۸} و حق یتیم و بیوه زن را می‌دهد، و شخص غریب را دوست می‌دارد^{۱۹} غلام: ۱:۶؛ افسر: ۶:۶؛ کول: ۳:۲۵؛ و به او نان و پوشак می‌دهد.^{۲۰} شخص ۱۳:۶ غریب را دوست خواهید داشت، چرا که خروج: ۱:۲؛ شما در سرزمین مصر غریب بودید.^{۲۱} زیرا ۳:۲۴؛ ۲:۲۳؛ ۱:۲۲؛ ۱:۲۱ از یهوه، خدایت، است که خواهی ترسید، هم او را خدمت خواهی کرد، و به او خواهی چسبید، و به نام اوست که سوگند خواهی خورد.^{۲۲} هم او است که ستایش تو است و هم او است که خدای تو است، او که برای تو این امور عظیم و مهیب را انجام داده که ۳:۲۹ چشمانت دیده است.^{۲۳} پدرانت با هفتاد نفر به مصر فرود آمدند، و اکنون یهوه،^{۲۴} پیدا: ۴:۲۷؛ حروم: ۵:۱؛ اع: ۱۴:۷ خدایت، تو را همچون ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

دراسته عالی

۱۱ یهوه، خدایت، را دوست خواهی داشت و فریضه و اوامر و قواعد و احکام او را رعایت خواهی کرد، در تمامی روزها. ۲ امروز شما آگاهید - زیرا منظور

داد: یهُوه نخواست که تورا نابود سازد.
 ۱۱ یهُوه به من گفت: «بر خیز! پیشاپیش
 قوم حرکت کن تا بروند و سرزینی را که
 برای پدرانشان قسم خوردم که به آنان
 بدهم، به مالکیت در آورند.»

حكم محبت و اطاعت

۱۲ و اکنون، ای اسرائیل، یهُوهُ، خدایت،
از تو چه می خواهد؟ جز اینکه از یهُوهُ،
خدایت، بترسی، و در تمامی طریق های او
سلوک نمایی، و او را دوست بداری، یهُوهُ،
خدایت، را خدمت کنی با تمامی دلت و
تمامی جانت،^{۱۳} و احکام یهُوهُ و اوامر او
را که امروز به تو امر کردم نگاه داری، تا
۴۰:۴ سعادت بیابی.^{۱۴} ببین؛ آسمانها و
آسمانهای آسمانها^{۱۵}، و زمین و هر چه که در
آن یافت می شود، از آن یهُوهُ، خدایت،
۳۱:۴ می باشد؛ و یهُوهُ فقط شیفته پدرانست شد
تا آنان را دوست بدارد، و اععقاب آنان را
۳۷:۴ بعد از ایشان، (یعنی) شما که او از میان
تمامی قوم ها بر گزیده، آن سان که امروز
۱۶:۳۰ شده است].

d) «آسمانهای آسمانها» مانند «خدای خدایان» و «خداؤند خداوندان» (آیه ۱۷)، فرمولی است که حالت تفضیلی را می‌رساند. این کلمات توصیفی است از آسمان، در تمام عظمت و شگفتی اش.

e) کتاب تنبیه ختنی فیزیکی را که نشانه عهد است نادیده نمی‌گیرد، اما مانند ارمیا (ار ۴:۴)، در باره «ختنه دل» نیز سخن می‌گوید (بیز ر. ک. روم ۲۹:۶). آنچه که خداوند از قومش انتظار دارد، نتهاجاً اجرای صادقانه آیینهای شریعت نیست، بلکه می‌خواهد شخص تماماً به او بیروندد و از درون دگرگون شود. این نوع ختنه درونی که در اینجا وابسته به تلاش خود شخص است، در ۳۰:۶ همچون اثر عمل الهی معرفی شده و گفته می‌شود که فقط خدا است که می‌تواند قومش را در محبتی راستین نگاه دارد.

f «یتیم، بیوه زن، و غریبه» که فاقد هرگونه امکانات و پشتیوانی می باشدند، دقیقاً همان کسانی هستند که حق دارند از دلسوزی و رحمت خدا و قوم او برخوردار شوند (ر.ک. ۲۹:۱۴، ۱۶:۱۱-۱۷:۲۴، ۱۴:۱۳-۱۲:۲۶، ۲۱:۱۹-۲۷:۱۳-۱۲:۶؛ حرق ۷:۲۲؛ زک ۷:۰؛ ملا ۵:۶؛ مز ۹:۴؛ هر ۱۴:۶). چنین دغدغه ای در تمدن مشرق زمین باستان به فراوانی به چشم می خورد.

را طولانی کنید بر زمینی که یهُوهِ برای ۴۰:۴ پدرانتان سوگند خورده تا به آنها بدهد، به ایشان و اعقابشان، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.

سرزمینی که خدا از آن مراقبت می‌کند

^۱ زیرا سرزمینی که به آن داخل خواهید شد تا به مالکیت در آورید، مانند سرزمین مصر نیست که از آن بیرون آمدید، جایی مصر بر از پاشیدن بذر، با پا آبیاری می‌کردی^۱، مانند باغ صیفی کاری.
^{۱۱} سرزمینی که به آن عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید، سرزمین کوهساران و دره‌ها است که آبهای باران آسمان را می‌نوشد، ^{۱۲} سرزمینی که یهُوهِ، ^{۹-۷:۸-۲۵:۱} خدایت، از آن مراقبت می‌کند؛ چشمان یهُوهِ، خدایت، دائمًاً بر آن می‌باشد، از ابتدای سال تا به انتهاش.
^{۱۳} پس چنانچه احکام مرا که امروز به شما امر می‌کنم، به خوبی اطاعت کنید، و یهُوهِ، خدایتان را دوست بدارید و او را با تمام دل خود و تمام جان خود خدمت کنید، ^{۱۴} باران سرزمینتان را در زمانش خواهم داد، باران پاییزی و باران بهاری را، و ^{۷:۵}

پسرانتان نیست^۸ که از درس یهُوهِ، ^{۳:۲۹} خدایتان آگاه نیستند و آن را ندیده‌اند- ^{۱۸:۲۱} شما از عظمت و دست نیرومند و بازوی ^{۱۱-۷} درازشده او [آگاهید]^۳ و نیز از نشانه‌ها خروج^۴ و اعمال او که در میان مصر بر علیه فرعون، پادشاه مصر و بر علیه تمام سرزمینش انجام داد، ^۴ و از آنچه که به لشکر مصر کرد، به اسبانش و ارابه‌هایش، که بر آنها آبهای دریای نیزار را غلطانید، آن هنگام که شما را تعاقب می‌کردند و یهُوه ایشان را هلاک کرد، تا به امروز؛ ^۵ و از آنچه او برای شما در بیان کرد تا رسیدن‌تان به این مکان؛ ^{۱۶} از آنچه به داتان و ابیرام، پسران الیاب، پسران رئوبین، کرد، آن هنگام که سرزمین دهان خود را باز کرد و آنان را بلعید، با خانواده‌هایشان، خیمه‌هایشان و هر ^{۱:۱} موجودی که بر روی پاهایشان [حرکت می‌کردند]، در میان تمام اسرائیل. ^۷ آری، ^{۳:۲۹} چشمان شما است که تمام کار عظیمی را که یهُوهِ انجام داد، دیده‌اند.

^۸ تمام حکمی را که امروز به شما امر می‌کنم رعایت می‌کنید، تا نیرومند باشید و وارد سرزمین شوید و آن را به مالکیت در آورید، آن جایی که عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید، ^۹ و تا روزهای خود

^g این تذکر بر امتیاز نسلی که شخصاً در طول رویدادهای خروج از مصر زنده بوده‌اند، تأکید می‌گذارد. آنچه که ایشان با چشمان خود دیدند، باعث شد که ایمان بیاورند، و شهادت آنان بینایی است که بر پایه آن، نسل‌های بعدی دعوت شده‌اند به نوبه خود ایمان بیاورند (ر.ک. یو ۲۹:۲۰).

^h در اینجا نوعی اقران‌نامه اعتقادات را به شکل سروд مشاهده می‌کنیم (ر.ک. توضیح ۵:۲۶) که در آن، چهار عمل بارز در تربیت الهی ذکر شده است، یعنی: بلاهای مصر (آیه ۳)، معجزه دریا (آیه ۴)، منزلگاهها و مراحل سفر در بیان (آیه ۵)، و مجازات طغیان گران (آیه ۶). این نشانه‌ها هم آشکار‌کننده هویت خداوندی است که نفع قومش عمل می‌کند، و هم بنیان محبت و اطاعت از او را می‌گذارد.

ⁱ اشاره‌ای است به فون آبیاری زمین در مصر؛ جویها را با پا باز می‌کردند با می‌بستند. ^j در اینجا خطابه به روشی (ر.ک. توضیح ۷:۴) شکل گفتاری را می‌گیرد که مستقیماً از سوی خدا به قومش خطاب می‌شود (آیات ۱۴-۱۵)، تا نشان دهد که خدا شخصاً ضامن تحقق یافتن این وعده‌ها می‌باشد (ر.ک. ۲۰:۲۸؛ توضیح ۴:۲۹).

این ملت‌ها در مقابل شما خلع ید خواهد کرد، و شما ملت‌های بزرگتر و نیرومندتر از خود را خلع ید خواهید کرد.^{۲۴} هر مکانی که کف پایتان آن را لگدمال کند، از آن بوضع ۳:۱ شما خواهد بود: قلمرو شما از بیابان و لبنان، از رود، رود فرات، تا دریای غربی، گسترش خواهد یافت.^{۲۵} هیچکس در مقابل شما مقاومت نخواهد کرد؛ یهوه، خدای شما، هراس و ترس شما را در مقابل شما بر سطح تمامی سرزمینی که لگدمال ۲۵:۲ خواهی کرد، حک خواهد نمود، مطابق آنچه که به شما گفته است.

برکت و لعنت

^{۲۶} بین: من امروز در مقابل شما برکت و ^{۱۷-۱۵:۳۰:۲۸} لعنت را قرار می‌دهم:^{۲۷} برکت را، هنگامی که از احکام یهوه، خدایتان، که امروز به شما امر می‌کنم، اطاعت نمایید؛^{۲۸} و لعنت را، اگر از احکام یهوه، خدایتان، اطاعت نکنید، و از طریقتنی که امروز به شما امر می‌کنم دور شوید تا به دنبال خدایان دیگر <sup>۱۴:۷،۳:۱۳
۶۴:۲۸</sup> که نشناخته اید بروید.^{۲۹} پس چون یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی سازد که به آن داخل خواهی شد تا آن را به مالکیت در آوری، برکت را بر کوه جریزیم قرار خواهی داد، و لعنت را بر کوه اییال.^{۳۰} آیا آنها در آنسوی اردن نیستند، پشت راه غروب خورشید، در سرزمین کنعانیان که در عربه ساکن اند، در مقابل جلجال، در کنار بلوستان موره؟^{۳۱} به واقع، شما از اردن عبور خواهید کرد تا وارد شوید و سرزمینی

گندمت را، شراب تازه‌ات را و روغن تازه‌ات را جمع آوری خواهی کرد؛^{۱۵} و در صحرایت علف برای احسامت خواهم گذارد. خواهی خورد و سیر خواهی شد.

^{۱۶} مراقب باشید که نگذارید دلتان فریفته شود و برای خدمت به خدایان دیگر و سجده کردن در مقابل آنها، دور شوید؛^{۱۷} آنگاه ممکن است خشم یهوه بر علیه شما افروخته شود و آسمان را ببندد؛ آنگاه بارانی نخواهد بود و زمین محصول خود را نخواهد داد، و خیلی سریع از روی سرزمین نیکوبی که یهوه به شما می‌دهد، نابود خواهید شد.

^{۱۸} این سخنان که [به شما می‌گوییم]، آنها را بر روی دلتان و بر روی جانتان خواهید نهاد؛ آنها را همچون نشانه به دست خود وصل خواهید کرد، و در میان چشمانتان پیشانی بند خواهد بود.^{۱۹} آنها را به پسران خود تعلیم خواهید داد و در مورد آنها با ایشان سخن خواهید گفت، آن گاه که در خانه ات نشسته‌ای و در راه می‌روی، و به هنگام خوابیدن و برخاستن.^{۲۰} آنها را بر تیرهای خانه ات و بر درهای خواهی نوشت،^{۲۱} تا روزهای شما و روزهای پسرانتان برگند خورده که به ایشان بدهد، کشیر باشد، به کثرت روزهای آسمانها بر بالای زمین.

^{۲۲} چنانچه تمامی این حکم را که به شما امر می‌کنم تا به عمل آورید، به خوبی رعایت کنید و یهوه، خدایتان را دوست بدارید و در تمامی طریق‌های او سلوک نمایید و با او پیوند بخورید،^{۲۳} یهوه جمیع

k این تذکر که در آن اشاراتی آمده که تشخیص آنها دشوار است، قاعدهاً محل پرستشگاه شکیم را تعیین می‌کند که در آن به طور دوره‌ای، عهد را جشن می‌گرفند (ر.ک. توضیح ۱:۲۷).

خواهید بود که تمامی فرایض و قواعدی را که امروز در مقابل شما قرار می‌دهم، به عمل آورید.

را به مالکیت در آورید که یهوه، خدایتان، به شما می‌دهد؛ مالک آن خواهید شد و در آن سکونت خواهید گزید. ^{۳۲} پس مراقب

قانون نامه احکام^{k*} (۱۹:۲۶ تا ۱۲:۱)

خواهید کرد؛ تیرهای چوبی مقدسشان را قطع خواهید نمود؛ و تمثال‌های خدایانشان را به آتش خواهید سوزانید. نام آنها را از آن مکان محظوظ خواهید ساخت.
^{۳۱:۱۲} ^۴ در حق یهوه، خدایتان، چنین عمل نخواهید کرد. ^۵ بلکه مکانی را که یهوه، خدایتان، از میان تمامی قبیله‌هایتان ^{۲۰:۴} انتخاب خواهد کرد تا نام ⁿ خود را در آن بگذارد، تا آن را در آنجا ساکن گردداند، ^۵ آن را جستجو خواهید کرد؛ به آنجا است که خواهی آمد. ^۶ به آنجا قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های ذبحی تان را خواهید آورد، دهیک هایتان و آنچه را که دستان

^{۱۲} این است فرایض و قواعدی که در به جا آوردنشان مراقب خواهید بود، در سرزمینی که یهوه، خدای پدرانت، به تو داده تا در تمامی روزهایی که بر روی آن زمین زندگی می‌کنید، مالک آن باشد.

پرستشگاه واحد

^۲ باید تمام مکان‌هایی را از میان ببرید که ملت‌هایی که از آنها خلع ید خواهید کرد، در آنها خدایانشان را خدمت ^{۴:۱۶} ^{۲:۲۰} کرده‌اند، بر کوههای بلند ^۱، بر تپه‌ها، و زیر هر درخت سبز. ^۳ قربانگاه‌هایشان را در هم ^{۵:۷} خواهید کوفت؛ ستنهای سنگی شان را خرد

^{k*} این قانون نامه به روشنی به سه بخش قابل تقسیم است. بخش نخست که احتمالاً از نظر نگارش قدیمی ترین بخش می‌باشد، به موضوع وحدت می‌پردازد (۱۲:۱۶ تا ۱۶:۱۷). بخش دوم نهادها را شرح می‌دهد (۱۶:۱۸ تا ۱۸:۲۲). بخش سوم به موضوعات متفرقه می‌پردازد (۱۸:۲۶ تا ۱۹:۱۶)؛ در آن، احکامی که در قانون نامه عهد تصریح شده (خروج ۲۲:۲ تا ۲۲:۳) با شرایط جدید انتباط داده می‌شود و در مجموعه‌هایی دسته بندی شده که بخش دوم ده گفته‌را توضیح می‌دهد.

۱ این آیه و آیه بعدی، توصیف خوبی از عناصر مذهب کنعتیان به این ترتیب که پرستشگاه‌شان در قله تپه‌ای قرار داشت تا به آسمان نزدیکتر باشد؛ درخت برگدار نیاد زندگی بود؛ قربانگاه قربانی‌های ذبحی با تیرهای چوبی یا ستونهای سنگی احاطه می‌شد، و بتزیز تداعی کننده حضور خدای محلی بود.

m من تصریح نکرده که آیا منظور نام اقوام بوده یا نام خدایانشان. به احتیال پیشتر، منظور نام خدایانشان بوده، چرا که در نقطه مقابله یهوه قرار دارد که «نام خود» را در مکانی که انتخاب کرده، می‌گذارد (آیه ۵). در خاور نزدیک باستان، «نام» تداعی کننده حضور فعال شخص بود؛ کسی که نام خدایی را می‌دانست، می‌توانست با دعا به درگاه او، او را به کمک بطلبند. ر. ک. توضیح خروج ۱۵:۳ و توضیح ۷:۲۰.

ⁿ قانون مربوط به پرستشگاه «واحد»، قویاً در چندین بخش از تنیه مورد دفع قرار گرفته است (۱۲:۱۴، ۱۴:۲۹، ۲۹:۲۲، ۱۴:۱۵-۱۵:۲۳، ۱۵:۲۶-۲۶:۱۸، ۱۸:۱۳-۸، ۱۷:۱۶). «مکان» دلالت دارد بر معبد اورشلیم، بدون اینکه از آن نام برده شده باشد. فرمولی که به «مکان» اشاره می‌کند، مجدداً در فصل ۱۶، در خصوص اعیاد به کار خواهد رفت و به این ترتیب، بخش نخست قانون نامه را «در چارچوب قرار می‌دهد». اجرای رسوم مذهبی در مکانی واحد، به نوعی اشاره به این حقیقت است که خداوند واحد است (۴:۶)؛ در ضمن، مذهب را از تأثیرات و رسوم بست پرستی دور نگه می‌دارد، تأثیرات و رسومی که مکان عبادت، وحدت قوم برای خدمت به خداوند را نیز آشکار می‌سازد.

۰ عبارت «تا آن را در آنجا ساکن گردداند»، در متن عربی به خوبی با بقیه جمله مرتبط نشده و شاید بعدها اضافه شده باشد.

آنچه که دستستان پیش برداشت می‌کند، و بهترین از تمام هدایای نذری که به یهود نذر کرده‌اید.^{۱۲} در حضور یهود، خدایتان، شادی خواهید کرد، شما، پسران و دخترانتان، خدمتگزارانتان و کمیرهایتان، و^{۱۳} نیز لاؤی ای که در دروازه‌های شما^{۱۴} خواهد بود، زیرا که او با شما نه سهمی دارد و نه میراثی.

^{۱۳} مراقب باش که قربانی‌های سوختنی ات را در هر مکانی که بینی تقدیم نکنی؛^{۱۴} بلکه در مکانی که یهود در یکی از قبیله‌هایت بر خواهد گزید، آنجا است که قربانی‌های سوختنی ات را تقدیم خواهی داشت، و آنجا است که هر آنجه را که به تو امر می‌کنم، انجام خواهی داد.

^{۱۵} فقط می‌توانی، مطابق تمام خواسته جانت، گوشت^۱ را در تمامی دروازه‌هایت ذبح کنی و بخوری، بر حسب برگتی که یهود، خدایتان، به تو ارزانی می‌دارد. اشخاص ناپاک و پاک از آن خواهند خورد، آن گونه که غزال و آهو^۲ را [می‌خورند].

^{۱۶} فقط خون را نخواهی خورد؛ آن را مانند آب بر زمین خواهی ریخت.

پیش برداشت می‌کند^p، هدایای نذری و هدایای داوطلبانه تان را، نخست زادگان احشام بزرگ و کوچکتان را.^۹ در آنجا در حضور یهود، خدایتان، خواهید خورد، و^{۱۱:۲۶} شما و اهل خانه‌هایتان از تمام آنجه که دستستان حاصل کرده، از آنجه که یهود، خدایت، تورا با آن برکت داده، شادی خواهید کرد.

^۸ به هیچ وجه آن گونه عمل نخواهید کرد^{۱۲:۶}؛ که در اینجا عمل می‌کنیم، هر کس مطابق داور^{۱۷:۲۱} آنجه که دلخواهش هست:^۹ زیرا تا کنون، به مکان استراحت^۱ و به میراثی که یهود،^{۲۰:۳} خدایت، به تو می‌دهد، نرسیده‌اید.

^{۱۰} وقتی از اردن عبور کنید و در سرزمینی که یهود، خدایتان، به شما به میراث خواهد داد ساکن شوید، وقتی به شما از جانب تمامی دشمنان پیرامونتان استراحت بخشد و در امنیت ساکن گردید،^{۱۱} آنگاه به مکانی که یهود، خدایتان انتخاب می‌کند تا نامش را در آن ساکن سازد، آنجا است که تمامی آنجه را که به شما امر می‌کنم خواهید آورد، (یعنی) قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های ذبحی تان، ده یک‌هایتان، و

^p تحت اللفظی: «مشارکت دستت».

^۹ مقصود این فهرست این است که انواع قربانی‌های اسرائیلیان را در مجموع نام ببرد، قربانی‌هایی که کتاب لاویان یک به یک به شرح آنها می‌بردازد (ر. ک. «مقدمه» لاویان).

^{۱۰} در اینجا (و در آیه ۱۰)، منظور از «استراحت»، پایان سفر طولانی در بیابان، و نیز جنگها و فتوحات ناشی از آنها می‌باشد؛ بربابی پرستشگاه نشانه این آرامش است که خدا عطا می‌فرماید (ر. ک. ۱-۸:۸؛ ۵۶:۹؛ مز ۱۱:۹۵؛ عبر ۱۱:۳ تا ۱۱:۴).

^{۱۱} یعنی «در داخل شهرهایتان» (ر. ک. ۵:۱۶؛ ۱۰:۲). توضیح خروج^t

^t در کتاب تشنیه، برای تقدیم حیوانی همچون قربانی (۱۷:۷؛ ۲۷:۳؛ ۱۸:۱) و نیز، مانند اینجا، برای ذبح حیوانی همچون خواراک خانواده، از یک کلمه واحد استفاده شده است. واقعیت این است که این هر دو کار، مفهومی مذهبی دارند، و در اصل، ذبح عادی حیوانات در پرستشگاه‌های محلی صورت می‌گرفت. از میان بردن این پرستشگاهها و جایگزین ساختن آنها با پرستشگاهی واحد، ذبح حیوانات را در این مکان‌ها غیر عملی می‌سازد؛ لذا ذبح حیوانات در محل زندگی از این پس مجاز شمرده می‌شود، اما به شرط اینکه قواعد مربوط به خون رعایت شود (آیه ۱۶). اما قربانی‌هایی که برای خدا تقدیم می‌شود، کما کان منحصر به پرستشگاه مرکزی باقی می‌مانند (آیات ۱۱، ۱۳-۱۴؛ ۲۶-۲۷).

^{۱۲} گوشت شکار، خواراکی است غیرمذهبی و خوردنش برای همه مجاز است (ر. ک. ۵:۱۴).

گونه که غزال و آهو را می خورند، آن را آن گونه خواهی خورد؛ اشخاص نایاک و پاک نیز آن را خواهند خورد.^{۲۳} فقط بسیار مراقب باش که خون را نخوری، زیرا خون، جان است، و نباید جان را با گوشت پیدا کری.^{۲۴} آن را نخواهی خورد؛ آن را مانند آب بر زمین خواهی ریخت.^{۲۵} آن را نخواهی خورد تا سعادت نصیبت گردد، و نیز به پسرانت بعد از تو، زیرا آنچه را که در نظر یهوه درست است، انجام می دهی.^{۲۶} فقط هدایای مقدس را که بر عهده تو است و هدایای نذری ات را، آنها را خواهی آورد و به مکانی که یهوه انتخاب می کند خواهی آمد.^{۲۷} قربانی های سوختنی را، گوشت و خون را، بر قربانگاه یهوه،^{۲۸} خدایت انجام خواهی داد؛ خون قربانی هایت^{۲۹} بر قربانگاه یهوه، خدایت، ریخته خواهد شد، و گوشت را خواهی خورد.^{۳۰} تمامی این چیزهایی را که به تو امر می کنم، رعایت کن و گوش بگیر، تا سعادت نصیبت گردد، و نیز به پسرانت بعد از تو، برای همیشه، زیرا آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، نیکو و درست است، انجام می دهی.^{۳۱}

وقتی یهوه، خدایت، ملت هایی را که نزد آنها می روی تا ایشان را از مقابل خود خلع ید کنی، نابود سازد، وقتی ایشان را خلع ید کنی و در سرزمینشان ساکن شوی،

^{۱۷} ده یک گندمت و شراب تازه ات و روغن تازه ات را نمی توانی در دروازه هایت بخوری، و نه نخست زادگان احشام بزرگ و کوچکت را، و نه هیچ هدیه ای را که نذر کرده ای، نه هیچیک از هدایای داوطلبانه ات را، و نه آنچه را که دستت پیش برداشت کرده است.^{۱۸} بلکه در حضور یهوه، خدایت، در مکانی که یهوه، خدایت برگزیده باشد، آنجا است که می توانی آنها را بخوری، تو، پسرت و دخترت، خدمتگزارت و کنیزت، و نیز لاوی ای که در دروازه هایت باشد؛ در مقابل یهوه، خدایت، شادی خواهی کرد از تمام آنچه که دستت حاصل کرده باشد.^{۱۹} مراقب باش که لاوی را در طول تمام روزهایی که بر روی زمینت خواهی بود، وا نگذاری.^{۲۰} چون یهوه، خدایت، قلمرو تو را وسعت بخشد، مطابق آنچه به تو گفته است، و بگویی: «می خواهم گوشت بخورم، زیرا جانت مایل است گوشت بخورد^{۲۱}، می توانی آن را مطابق تمام خواسته جانت بخوری.^{۲۲} چنانچه مکانی که یهوه، خدایت، برگزیده تا نام خود را در آن بنهد، از تو بیش از حد دور باشد، می توانی از احشام بزرگ و کوچکی که یهوه به تو داده، مطابق آنچه به تو امر کردم، ذبح کنی، و آن را در دروازه هایت، مطابق تمام خواسته جانت بخوری.^{۲۳} همان

۷ آیات ۲۰-۲۵ آنچه را قبل از آیات ۱۵-۱۹ گفته شده، تکرار می کند، اما با تأکید بر اینکه ذبح حیوانات خارج از برستشگاه فقط مختص اسرائیلیانی است که دور از آن زندگی می کنند.
W در اینجا، کلمه «قربانی» دلالت دارد بر «قربانی های آرامش» (ر.ک. لاو ۳) که گوشت آنها را به نشانه مشارکت با خداوند می خورند (ر.ک. لاو ۱۹-۵-۸). این در نقطه مقابل قربانی های سوختنی قرار دارد که طی آن، لاش حیوان تماماً سوزانده می شود. در تئیه، فقط به این دو نوع قربانی اشاره شده است.

زیرا یهُوهُ، خدایتان، شما را در آزمایش
قرار می دهد تا بداند که آیا یهُوهُ،
خدایتان، را با تمامی دلتان و تمامی جانتان^۵
دoust می دارید.^۶ به دنبال یهُوهُ، خدایتان،
است که خواهید رفت، از او است که
خواهید ترسید، احکام او است که رعایت
خواهید کرد، صدای او است که به گوش
خواهید گرفت، اورا است که خدمت
خواهید کرد، و به او است که دلبسته
خواهید بود.^۷ و این نبی یا این بیننده
خواب به مرگ سپرده خواهد شد، زیرا او
پیمان شکنی را در حق یهُوهُ، خدایتان،
موعظه کرده است تا تو را بیرون از طریقتنی^۸
که یهُوهُ، خدایت، به تو امر کرده که در آن
سلوک کنی بکشد، (خدایی) که شما را از
سرزمین مصر بیرون آورده و از خانه برداگان
رهایی داده است. بدینسان، بدی را از نزد
خود خواهی رفت.^۹

چنانچه برا درت، (یعنی) پسر پدرت یا^{۱۰}
پسر مادرت، یا پسر یا دختر خودت، یا زنی^{۱۱}
که بر سینه تو است، یا دوستت که همچون
جان تو است، بکوشد در نهان تو را بفریبد^{۱۲}
و بگوید: «برویم و خدایان دیگر را خدمت لاؤ»^{۱۳}
کنیم - [خدایانی]^{۱۴} که نه تو و نه پدرانت
شناخته اند - ^{۱۵} از این خدایان قوم هایی که
در اطراف شما هستند، نزدیک تو با دور از

۳۰ مراقب باش که پس از آنکه ایشان در مقابل تو از میان رفتند، به دنبال آنان در دام ۲۵:۷ نیفتی؛ مراقب باش که در باره خدایانشان تحقیق نکنی و نگویی: «این ملت‌ها چگونه ۲۸-۲۵:۱۷ خدایانشان را خدمت می‌کردند؟ من نیز می‌خواهم همان را انجام دهم». ۳۱ در حق یهوه، خدایت، چنین نخواهی کرد؛ زیرا هر آنچه که برای یهوه نفرت انگیز است، آنچه که او نفرت می‌دارد، ایشان آن را برای خدایانشان انجام داده‌اند؛ زیرا ایشان حتی پسران و دخترانشان را به آتش برای خدایانشان سوزاندند.

۳۲ لاؤ:۲۱؛ ۲۲:۱۶؛ ۲۳:۱۶؛ ۲۴:۱۶؛ ۲۵:۷؛ ۲۶:۱۸؛ ۳۰-۳۱:۱۸

خدا یک تنها

۱۳ هر آنچه به شما امر می‌کنم،
مراقب خواهید بود که آن را به جا
آورید؛ به آن چیزی نخواهی افزود و از آن
چیزی بر نخواهی کند.

۱۲ اگر در میان تو نبی یا بیننده‌ی خوابی^x
ظاهر شود که به تو نشانه یا کاری
شگفت انگیز عرضه کند،^۳ و آن نشانه یا
عمل شگفت انگیز که در باره آن سخن گفته
بود^y واقع شود و بگویید: «به دنبال خدایان
دیگر برویم - [خدایانی] که نشناخته ای - و
آنها را خدمت کنیم»،^۴ به سخنان این نبی
یا بیننده‌ی خواب گوش فرا نخواهی داد؛

X ار ۲۵:۲۳، ۲۸، ۲۷، ۰۹: ۸:۲۶؛ ۰۹: ۲:۷؛ ۰۹: ۲:۱۰. این اصطلاحی است اغلب تحقیرآمیز. اما نباید فراموش کرد که دیدن خواب وسیله‌ای است برای نبی برای دریافت مکافهه‌ای الهی و اصیل (ر.ک. اعد ۱۲:۶؛ یول ۱:۳).

۷ نبی اغلب پیام خود را با «نشانه‌ای» همراه می‌ساخت که منشاً الهی سخناتش را ثابت کند؛ این امر در مورد موسی (خروج ۴: ۳۰-۳۱)، ایلیا (۱ پاد ۱۸: ۳۶-۳۹)، اشیعیا (اش ۷: ۳۶-۳۹)، وغیره صدق می‌کند. معجزات عیسی نیز از این دست می‌باشد (مت ۶:۹-۷؛ یو ۱۰: ۳۷-۳۸). اما نبی دروغین نیز می‌تواند نشانه‌هایی ارائه دهد، مانند جادوگران فرعون (خروج ۷: ۱۱؛ ر.ک. مت ۲۴:۲۴؛ اع ۱۱: ۸: ۲-۲-تسا ۹: ۲: ۲-مکا ۱۳: ۱۳). لذا هشدار در خصوص چنین نمایش‌های ضروری به نظر میرسد.

سؤال خواهی کرد و اگر این راست باشد، اگر این امر کاملاً ثابت شود، اگر این (کار) ۴:۱۷ نفرت‌انگیز نزد تو ارتکاب یافته باشد، باید با لبه شمشیر ساکنان این شهر را ۱۶ بزنی و آن را با هر آنچه که در آن یافت ۳۴:۲ می‌شود، به لعنت نذر کنی؛ و حتی احشامش [را خواهی زد] با لبه شمشیر.^{۱۷} تمامی بقایای آن را در وسط میدانش گرد خواهی آورده، و شهر و تمامی بقایایش را به آتش خواهی سوزانید، هدیه کامل به یهوه، خدایت؛ آن همچون تلی ابدی خواهد شد، و دیگر بازسازی نخواهد گردید.^{۱۸} و چیزی از این لعنت به دست تو چسبیده باقی نخواهد ماند، تا یهوه از حدت خشم خود باز گردد و در حق تو شفقت نشان دهد و بر تو شفقت ۳۱:۴ فرماید، و تو را فزونی بخشد، مطابق آنچه که برای پدرانت سوگند خورده است،^{۱۹} به شرط آنکه به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا دهی و تمامی احکامش را که امروز به تو امر می‌کنم رعایت کنی، و آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، راست است به جا آوری.

تو، از یک انتهای زمین تا انتهای زمین،^۹ رضا نخواهی داد، به او گوش نخواهی ۱۶:۷ سپرد، چشمت برای او بی ترحم خواهد بود، شفقت نخواهی کرد، اورا نخواهی بخشید؛^{۱۰} بلکه باید او را بکشی و دست تو اول بر او خواهد بود تا او را بمیرانی، و سپس دست تمامی قوم^{۱۱}؛ او را با سنگها^{۱۲} سنگسار خواهی کرد و او خواهد مرد، چرا که کوشیده تو را از یهوه، خدایت، دور ۱۹:۷ کند، (خدایی) که تو را از سرزمین مصر بیرون آورده، از خانه برگان.^{۱۲} و تمام ۱:۱ اسرائیل چون از این آگاهی یابند، ترسان خواهند شد و دیگر عملی این چنین بد نزد ۲۰:۱۹^{۱۳} تو مرتكب نخواهند گردید.^{۱۴}

۱۳ اگر بشنوی که می‌گویند در یکی از شهرهایی که یهوه، خدایت، به تو داده تا در آنها ساکن شوی،^{۱۴} مردان، اشخاص بی ارزش^{۱۵}، که از نزد تو بیرون رفته اند، ساکنان شهرشان را کشیده و گفته اند: «برویم و خدایان دیگر را خدمت کنیم» - [خدایانی]^{۱۶} که نشناخته اید.^{۱۵} تحقیق خواهی کرد، امتحان خواهی نمود، و با دقت

Z اعدام از طریق «سنگسار کردن»، مفهومی دوگانه دارد. از یک سو، شخص مجرم که به امور مقدس دست برده، لمس ناشدنی شده است و اعدام او باید بدون تماس مستقیم دست با او صورت گیرد (خروج ۱۳:۱۹؛ توضیح اعد ۳۵:۱۵). و از سوی دیگر، همان طور که در این آیه تصریح شده، این آیین تسامی اعضای قوم را بر آن می‌دارد تا خود را از همکاری با مجرم جدا سازند و شخصاً در اعدام او شریک شوند (ر.ک. یوشع ۲۵:۷، «تمام اسرائیل او را با سنگها کوفتند...»). گاه سنگسار کردن خودش تبدیل به قبر می‌گردد، به این ترتیب که مجرم با توده ای از سنگ پوشانده می‌شود، مانند مورد عphan (یوشع ۲۶:۷).

a تحت اللفظی: «مردان، یسران بیلعل». این اصطلاح تحقیرآمیز را می‌توان این گونه ترجمه کرد: «مردمانی که معرف چیزهایی هستند که به هیچ دردی نمی‌خورد»؛ و دلالت دارد بر اشخاصی که عامل اغتشاش و بی نظمی هستند و به دنبال نایبودی خود می‌باشند (داور ۲۲:۱۹؛ ۱۳:۲۰؛ ۱۳:۲۰-سیو ۱۲:۲-۲۵:۲۵؛ امث ۲۷:۱۶ وغیره). در ثـ ۹:۱۵ مشابه این اصطلاح به کار رفته که به معنی «تفکر غیر معقول» می‌باشد.

نخواهید خورد و به لاشه آنها دست
نخواهید زد.

^۹ این است آنچه که می توانید از میان هر آنچه که در آبها است بخورید: هر چه که بال و فلُس دارد، می توانید آن را بخورید؛
^{۱۰} اما هر آنچه که بال و فلُس ندارد، آن را نخواهید خورد: برای شما ناپاک است.

^{۱۱} هر پرنده پاک را می توانید بخورید.
^{۱۲} و این است پرنده‌گانی که از آنها نخواهید خورد: عقاب، کرس، استخوان خوار،
^{۱۳} لاشخور سیاه و لاسخور، انواع مختلف لاسخور قرمز،^{۱۴} همه انواع کلاع،^{۱۵} شترمرغ، مرغ حق، مرغ نوروزی، انواع مختلف شاهین،^{۱۶} جغد، بوتیمار، قاز؛^{۱۷} مرغ سقا، رَخَم، مرغ ماهی خوار،^{۱۸} القلق، انواع مختلف کلنک، هدهد و خفاش.^{۱۹} هر حشره بالدار برای شما ناپاک است: آن را نخواهند خورد.

^{۲۰} هر پرنده پاک را می توانید بخورید.

^{۲۱} هیچ حیوان مرده را نخواهید خورد؛ آن ^{۱۵:۱۷} لاؤ^{۸:۲۲} را به شخص غریب که در دروازه‌های تو است خواهی داد تا بخورد، یا آن را به بیگانه‌ای بفروش، زیرا تو قومی^{۶:۷} اختصاص یافته به یهوه، خدایت، هستی. بزغاله را در شیر مادرش نخواهی پخت. ^{۱۹:۲۳} خروج^{۲۶:۳۴}

رابطه‌ای از نوعی منحصر به فرد

^۱ شما برای یهوه، خدایتان، پسران اش^{۴-۲:۱} هستید. برای شخص مرد^۲، بر خود

^۲ بریدگی وارد نخواهید ساخت، و نه^{۱۴:۲۶} تراشیدگی در میان چشمانتان.^۳ اُچرا که تو قومی اختصاص یافته به یهوه، خدایت، هستی، و یهوه تورا برگزیده تا از میان تمامی قوم‌هایی که بر سطح زمین هستند، قوم خاص او گردی.

^۴ هیچ چیز نفرت انگیز نخواهی خورد.^۵

^۶ این است حیواناتی که می توانید بخورید: گاو، گوسفند، بز، آهو، غزال، گوزن نر،

بز کوهی، ریم، گاو دشتی، و بز وحشی.^۷

^۸ هر حیوانی که سُم منشعب و شکافته شده به دو ناخن دارد، و جزو نشخوار کنندگان می باشد، آنها را می توانید بخورید. فقط این است آنچه که از میان آنها بی کنشخوار می کنند یا سُم منشعب و شکافته شده دارند، نخواهید خورد: شتر، خرگوش صحرایی و وَنَک، که نشخوار می کنند اما سُمسان منشعب نیست؛ آنها برای شما ناپاک هستند؛^۹ خوک که سُمش منشعب است، اما نشخوار نمی کند: آن برای شما ناپاک است. از گوشت آنها

^b احتمالاً منظور بخش پیشین سر است.

^c در اینجا به آینین های سوگواری اشاره می شود که ارمیا نیز آنها را ذکر می کند اما ظاهرآ آنها را ناپسند نمی شمارد (ار ۶:۱۶؛ ۵:۵؛ نیز ر.ک. ۲۹:۷). سایر اقوام نیز این آینین ها را به جا می اورند (۱-پاد ۲۸:۱۸-۲۸:۲۸؛ ار ۵:۴۷). اگر در اینجا، حکم آنها را معنی کنند (نیز ر.ک. لاؤ ۲۷:۱۹؛ ۵:۲۱؛ ۲۸-۲۷:۱۹)، برای رد هر نوع رسمی است که می توانسته مردگان را الوهیت بخشد یا عبادت آنها را ترویج کنند. کلمه ای که ما «برای شخص مرد» ترجمه کرده ایم (ر.ک. توضیح ۱۴:۲۶)، می تواند دلالت داشته باشد بر «موت» (نام خدایی فیقی، ر.ک. اش ۱۵:۲۸).

^d رابطه از نوعی منحصر به فرد «اختصاص یافتن به یهوه»: (آیات ۲ و ۲۱) میان بنی اسرائیل و یهوه، به گونه ای ملموس در فهرستی در باره پاک و ناپاک تجلی می یابد، فهرستی که از نوع کهانتی است.

^e به غیر از دو نام نخست، بقیه اسامی حیوانات که در این آیه ذکر شده، در جاهای دیگر ناشناخته است و ترجمه آنها مبتنی است بر حدس و گمان.

خواهد گزید خواهی رفت.^{۲۶} نقره را با هر آنچه که جانت آرزو دارد معاوضه خواهی کرد؛ احشام بزرگ یا کوچک، شراب، نوشیدنی سکرآور و هر آنچه که جانت می طلبد؛ آنجا در حضور یهُوهُ، خدایت، خواهی خورد و شادی خواهی کرد، تو و خانواده ات.^{۲۷} و لاوی را که در دروازه هایت خواهد بود، او را و نخواهی گذارد، زیرا با تو نه سهمی دارد و نه میراثی.

^{۲۸} در پایان سه سال، تمام ده یک محصولات آن سال را بپرون خواهی آورد و آن را بر دروازه هایت خواهی گذارد.^h آنگاه لاوی که با تو نه سهمی دارد و نه میراثی، خواهد آمد، و نیز شخص غریب، یتیم و بیوه زنی که در دروازه هایت خواهند بود؛ ایشان خواهند خورد و سیر.^{۱۸:۱۰} خواهند شد، تا یهُوهُ، خدایت، تو را در تمام کاری که دستت می تواند بکند، برکت دهد.

ده یک سالانه و ده یک سه ساله^f

^{۲۲} ده یک^g تمامی محسول بذرافشانی ات را، از هر آنچه که در مزرعه هایت می روید، هر ساله برداشت خواهی کرد؛^{۲۳} و در حضور یهُوهُ، خدایت، در مکانی که بر خواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، ده یک گندمت، شراب تازه ات، و روغن تازه ات، و نیز نخست زادگان احشام بزرگ و کوچکت را خواهی خورد، تا بیاموزی که از یهُوهُ، خدایت، در تمامی روزها بترسی.

^{۲۴} اما چنانچه راه برایت بیش از حد دور باشد، اگر نمی توانی [ده یک] را حمل کنی، به این سبب که مکانی که یهُوهُ،^{۲۱:۱۲} خدایت، بر خواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، برایت بیش از حد دور است؛ هنگامی که یهُوهُ، خدایت، تو را برکت دهد،^{۲۵} آن را با نقره معاوضه خواهی کرد، و نقره را در دستت خواهی فشرد، و به مکانی که یهُوهُ، خدایت، بر

^f بخش نخست قانون نامه در اینجا با اموری مربوط به زمان های خاص پایان می یابد (۱۴:۲۸:۱۴ «هر ساله»؛ ۱۵:۲۰ «هر ساله»)؛ نقطه اوج این زمان ها، اعیاد زیارتی به پرستشگاه واحد است (۱۶:۱۷-۱۷).

^g «ده یک» همان گونه که از نامش پیدا است، مالیاتی است معادل یک دهم. اما این احتمال نیز هست که در بعضی از دوره ها نرخ آن متفاوت بوده باشد. این احتمال نیز می رود که همه مواد به هنگام ضیافت در پرستشگاه مصرف نمی شده است، بلکه سهمی برای لاویان نگه داشته می شده است (ر.ک. اعد ۱۸:۲۱-۲۲). نکته جدیدی که در تثنیه هست، این است که ده یک از این پس می بایست به پرستشگاه مرکزی آورده و در آنجا صرف می شده است.

^h این «ده یک سه ساله» (بازر. ک. ۱۲:۲۶) از دو جنبه از سایر ده یک ها متمایز می شود؛ یکی اینکه این ده یک به پرستشگاه آورده نمی شود، و دوم اینکه تمام آن متعلق به تنگستان می باشد (که لاویان نیز جزو آنان به شمار می آیند). این دو جنبه به یکدیگر مرتبط می باشند؛ بیش از تثنیه، همه تنگستان را به ضیافت مقدس که در پرستشگاه محلی برگزار می شده، دعوت می کردند؛ از این پس، باید به پرستشگاه مرکزی بروند که در آنجا فقط لاویان را می توان دعوت کرد (آیه ۲۷)؛ دیگران سهم خود را هر سه سال یک بار دریافت می کنند، اما این بار همه موارد را به ایشان تعقیل می گیرد.

سال هفتم

۱۵

^۱ در پایان هفت سال، عفو را به جا خواهی آورد. ^۲ و این است قانون عفو: هر صاحب طلبی ^k عفو را در مورد آنچه که به همسایه خود قرض داده، انجام خواهد داد؛ او همسایه اش یا برادرش را تحت فشار قرار خواهد داد ^۱ آن هنگام که عفو یهوه را اعلام می دارند. ^۳ بیگانه را می توانی تحفشار قرار دهی، اما آنچه که از مال تو نزد برادرت می باشد، دستت برای آن عفو را به جا خواهد آورد. ^۴ و انگهی، نزد تو تنگدست یافت خواهد شد ^m، زیرا یهوه از برکت دادن تو در سرزمینی که یهوه، خدایت، همچون میراث به تو می دهد تا مالکش شوی، غفلت خواهد ورزید، ^۵ فقط به این شرط که به صدای یهوه، خدایت، نیک گوش دهی، و مراقب باشی تا تمام این حکم را که امروز به تو

امر می کنم به عمل آوری؛ ^۶ زیرا یهوه، خدایت، مطابق آنچه به تو گفته است، تو را برکت خواهد داد؛ تو از ملت های بی شمار وثیقه خواهی گرفت، و تو نیازی ^{۱۰:۲۴} نخواهی داشت که وثیقه بدھی؛ تو بر ملت های بی شمار مسلط خواهی شد، اما آنها بر تو مسلط نخواهند شد.

^۷ اگر نزد تو شخصی تنگدست باشد، خروج ^{۲۶:۲۱-۲۲} یکی از برادرانت در یکی از دروازه هایت، در سرزمینی که یهوه، خدایت، به تو می دهد، دل خود را سخت خواهی ساخت ^{۱۰:۳۰} ⁱ و دست خود را در مقابل برادر تنگدست خواهی بست؛ ^۸ بر عکس، باید دست خود را به روی او بگشایی و آنچه را که کم دارد ^{۱۱:۱۵} به او قرض دهی، مطابق آنچه که کم دارد. ^۹ مراقب باش که در دلت این فکر شورانه نباشد (که) سال هفتم نزدیک است، سال ^{۱۴:۱۳} عفو و چشمت در حق برادر تنگدست بد باشد و او را چیزی ندهی؛ وی ممکن است

^۱ این دوره هفت ساله تداعی کننده ریتم حاکم بر کشت و زرع می باشد: مطابق خروج ^{۲۳:۱۰-۱۱}، محصول می بايست هر هفت سال یکبار، به نشانه حق خداوند بر زمین، و اگذاشته شود (ر. ک. لاو ^{۲:۲۵}-۷). این ریتم هفت ساله وقتی به موضوع دیون اطلاق می شود، در تعقیب قوم ثابت باقی می ماند. اما برای آزاد ساختن برگان عبرانی اجباری نیست که ایشان را سال هفتم (یعنی سال هفتم واگذاشتن محصول و بخشیدن دیون) روانه کنند (آیات ^{۱۲-۱۸})، زیرا مدت زمان مربوط به آن، برای هر برد، از تاریخ ورودش به بردگی محاسبه می شود.

^j کتاب تشنیه در اینجا حکم شرعی جدیدی وضع می کند که به واسطه آن، خود را با شرایط اقتصادی و اجتماعی ای انطباق می دهد که در آن بهره کشی از فقیران رایج بود و انبیاء سده های هشتم و هفتم ق. م. نیز آن را تقبیح کرده اند. مشخص نیست کاربرد چنین غفوی چه می باشد: آیا مظور این است که پرداخت بدھی ها یک سال به تعوق یافته، یا بیشتر اینکه تمام بدھی هایی که در طول شش سال گذشته ایجاد شده، به طور کامل و قطعی تصفیه گردد؟ اگر این عفوا قطعی و کامل تلقی کیم، هشدار آیه ^۹ را بهتر می توانیم درک کنیم، اما نباید از نظر دور داشت که چنین عملی مشکلات بسیاری در عمل بددید می آورد.

^k تحت اللفظی: «دستش تحويل می دهد»: این تصویر مربوط به دستی است که برای رها کردن آنچه که محکم گرفته بود باز می شود (همان فرمول در آیه ^۳ به کار رفته). کسی که قرضی می دهد، وثیقه ای «در دست خود» نگاه می دارد تا ثابت کند که قرضی داده است. به این ترتیب، گشودن دست و پس دادن وثیقه، به گونه ای بسیار ملحوظ، به معنی تصفیه حساب می باشد.

^۱ طلبکار حق ندارد بدھکار خود را به محکمه بکشاند تا او را مجبور به بازپرداخت بدھی اش سازد یا اگر بدھی غیرقابل برداخت باشد، او را برد خود گرداند.

^m از این جمله می توان احساس کرد که نگرش شریعت تا چه حد عمیق و آرمان گرایانه است، چرا که می کوشد از طریق قانون، جامعه ای به وجود آورد که در آن فقیری وجود نداشته باشد. اما شریعت صرفاً آرمان گرای نیست، بلکه واقع بین نیز می باشد: ر. ک. آیات ^۷ و ^{۱۱}.

سعادتمند است،^{۱۷} درفش را خواهی گرفت، و آن را در به لنگه [در]^۰ در گوش او فرو خواهی برد و او برای همیشه برده تو خواهد بود. برای کنیزت نیز چنین خواهی کرد.

^{۱۸} بادا که در نظرت سخت نیاید که او را از نزد خود آزاد روانه کنی؛ زیرا خدمت کردن توبه مدت شش سال، دو برابر دستمزد یک مزدور می ارزد. و یهُوهُ، خدایت، تو را در هر آنچه می کنی، برکت خواهد داد.

تخصیص نخست زادگان

^{۱۹} هر نخست زاد نر را که در احشام خروج^{۱۳:۱۱} بزرگ و در احشام کوچکت زاده شود، آن را به یهُوهُ، خدایت، تخصیص خواهی کرد. با نخست زاده گاو نر خود کار نخواهی کرد، و نخست زاده احشام کوچکت را پشم چینی نخواهی نمود.^{۲۰} آن را در حضور یهُوهُ، خدایت، خواهی خورد^P، تو و خانواده ات، سال به سال، در مکانی که یهُوهُ انتخاب خواهد کرد.^{۲۱} و چنانچه عیبی داشته باشد، چنانچه لنگ یا کور باشد، یا هر نوع عیبی داشته باشد، آن را برای یهُوهُ، خدایت، قربانی نخواهی کرد؛^{۲۲} آن را در دروازه های خواهی خورد؛ ناپاک و پاک به یکسان [از آن خواهند خورد]، آن سان^{۱۶-۱۵:۱۲}

بر علیه تو به سوی یهُوهُ فریاد برآورد، و در تو گناهی باشد.^۰ باید به او بدھی و به هنگام دادن، دل بد نداشته باشی؛ زیرا به سبب این، یهُوهُ، خدایت، تو را در هر کارت و در هر اقدام دستت برکت خواهد داد.^{۱۱} به یقین، در میان سرزمین^{۱۴:۱۵}؛ تنگستانی وجود خواهد داشت؛ به همین مر^{۱۴:۷} موافق؛ سبب است که به تو امر می کنم؛ باید دستت را برای برادرت بگشایی، برای قفیرت و برای تنگدستت در سرزمینت.

^{۱۲} چنانچه برادر عبرانی ات، مرد یا زن، خود را به تو بفروشد، او تو را شش سال خروج^{۲:۲۱} بی^{۳۵:۶} خدمت خواهد کرد، و سال هفتم او را از نزد

خود آزاد روانه خواهی کرد.^{۱۳} و چون او را از نزد خود آزاد روانه می کنی، او را دست خالی روانه نخواهی کرد،^{۱۴} بلکه باید او را با هدایایⁿ که از احشام کوچکت، از خرمگاهات و از خمره ات می گیری، بار کنی؛ مطابق آنچه یهُوهُ، خدایت، تو را برکت داده، به او خواهی داد.^{۱۵} به یاد خواهی آورد که تو در سرزمین مصر برد بودی و یهُوهُ، خدایت، تو را آزاد ساخت؛ به این سبب است که این چیز را امروز به تو امر می کنم.

^{۱۶} چنانچه به تو بگوید: «نمی خواهم از نزد تو بسیرون روم»، چرا که دوستت می دارد، تو و خانه ات را، چرا که در نزد تو

ⁿ تحت اللطفی: «بر دور گردنش، گردنبندی خواهی نهاد که از احشام کوچکت گرفته ای...»

^۰ این عمل باستانی که از دستورهای مشابه در «قانون نامه عهد» (خرج^{۶-۲:۲۱}) بر گرفته شده، نماد پیوند شرعی و قطعی برده با خانواده اربايش می باشد. لذا هیچ عمل رسواکننده یا بی رحمانه ای نیست، و به این شخص اسرائیلی که خدمت به اربايش را انتخاب می کند، وضعیت خاص و قانونی «برده دائمی» (یا همان برده حلقه به گوش در فرهنگ ایرانی /م) را اعطای می کند.

^P منظور ضیافتی است سالیانه برای خانواده، ضیافتی که در پرستشگاه برگزار می شود و طی آن قربانی را می خورند (ر. ک. ۲۳:۱۴). اما چنانچه حیوان معیوب باشد، آن را در ضیافتی غیرمذهبی می خورند که در خانه برگزار می گردد.

چیزی نباید شب را تا صبح بگذراند.

^{۱۸:۲۳} لگذر را نمی توانی در یکی از دروازه های خروج

که یهُوهُ، خدایت، به تو می دهد، قربانی

کنی؛ ^{۱۹} لگذر را تنها در مکانی که یهُوهُ،

خدایت، برخواهد گزید تا نامش را در آن ^{۲۰} لو

ساکن سازد، قربانی خواهی کرد،

شامگاهان، به هنگام غروب خورشید،

به هنگام^۷ خروج از مصر. آن را خواهی

پخت^۸ و آن را در مکانی که یهُوهُ،

خدایت، برخواهد گزید خواهی خورد،

سپس بامدادان از آنجا باز خواهی گشت و

به خیمه های خود خواهی رفت.^۹ به مدت

شش روز فطیر خواهی خورد، و روز هفتم،

گردهم آیی شکوهمند برای یهُوهُ، خدایت؛

^{۱۴:۵} هیچ کاری خواهی کرد.

^۹ برای خود هفت هفته خواهی شمرد؛

به مجرد آنکه شروع [به نهادن] داس در

گندمها بکنی، شروع خواهی کرد به شمردن

هفت هفته.^{۱۰} عید «هفته ها» را برای یهُوهُ،

خدایت، جشن خواهی گرفت، همراه با

هديه داوطلبانه دستت، که مطابق آنچه که

که غزال و آهو را [می خورند].^{۱۱} فقط

خون را نخواهی خورد؛ آن را بزرگمین

خواهی پاشید، همچون آب.

۱۴:۲۳ سه عید زیارتی^۹

^{۱۰} ماه آبیب را رعایت کن؛ برای

یهُوهُ، خدایت، «گذری^{۱۲}» به جا

خواهی آورد، زیرا در ماه آبیب بود که یهُوهُ،

خدایت، تورا شبانگاه از مصر بیرون آورد.

^{۱۳} همچون گذر، برای یهُوهُ، خدایت، احشام

کوچک و بزرگ قربانی خواهی کرد، در

مکانی که یهُوهُ برخواهد گزید تا نام خود را

در آن ساکن سازد.^{۱۳} با آن، نان و رآمه

خواهی خورد؛ به مدت هفت روز، با آن

^{۱۴} فطیر خواهی خورد، نان تبره روزی- زیرا با

^{۱۵} شتاب بود که از مصر بیرون آمدی- تا در

تمامی روزهای زندگی ات، روز خروج از

سرزمین مصر را به یاد آوری.^{۱۶} نزد تو

خمیرمایه دیده نخواهد شد، در تمامی

قلمر و تو، به مدت هفت روز؛ و از گوشتی

که شامگاه روز اول قربانی خواهی کرد^{۱۷}،

^۹ این فصل بخش نخست قانون نامه را با مقرراتی مربوط به اعیاد به پایان می رساند، اعیادی که باید در پایان زیارت، در اورشلیم

برگزار کرد؛ لذا هنوز در منطق تمرکزگرایی قرار داریم. فقط عید گذر مستلزم قربانی است. دو آیه آخر این مقررات از

هم اکنون نظر به فصل ۲۶ دارند که در پایان قانون نامه واقع است.

^{۱۰} در خصوص عید «گذر»، ر. ک. توضیح خروج ۱۱:۱۲.

^{۱۱} حکم تشنه ای در اینجا با حکم مذکور در خروج ۱۲:۳-۱۱ دو تفاوت دارد: یکی اینکه قربانی ها شامل احشام بزرگ نیز

می گردد؛ دوم اینکه ذبح حیوانات و خود عید باید در پرسشگاه مرکزی صورت گیرد. احتمالاً ارائه همین عنصر اخیر بود که

ویزگی جدید گذر را تشکیل می دهد که در زمان یوشیا ۲-۲۱:۲۱-۲۳، پس از کشف کتاب شربعت، برگزار شد.

^{۱۲} در خصوص فطیر و ارتباط آن با عید گذر، ر. ک. توضیح خروج ۱۲:۱۵. در اینجا، احساس می شود که هدف، پیوند دادن این

دو عید می باشد. آینه فطیر، مانند عید گذر، مرتبه شده به رویدادهای خروج از مصر.

^{۱۳} با توجه به توضیح ۱۲:۱۵، به جای قربانی کردن، می توان «ذبح گردن» نیز ترجمه کرد.

^{۱۴} کلمه ای که «به هنگام» ترجمه شده، دلالت دارد بر زمان مقرر برای عید. همچنین امکان دارد که منظور «تاریخ» یا «ساعت»

نیز باشد. در خروج ۱۲:۲۹-۳۱، خروج از مصر بعد از مرگ نخست زادگان مصری به هنگام شب، صورت می گیرد، اما

غروب خورشید نشانه آغاز این شب شکوهمند آزادی است.

^{۱۵} در خروج ۱۲:۸-۹ در این خصوص از «کتاب کردن» سخن می گوید. کلمه ای که در تشنه به کار رفته، حالتی کلی تر دارد و

این معنی ضمنی را در بر دارد که می توان از روشهای دیگر برای پخت استفاده کرد.

در حضور یهُوه با دستان خالی حضور خروج ۲۰:۳۴
خواهند یافت^Z، بلکه هر کس مطابق آنچه که می تواند بدهد، مطابق برکتی که یهُوه، خدایت به تو ارزانی خواهد داشت.

قواعد مربوط به داوران^a
 ۱۸ در تمامی دروازه هایی که یهُوه، خدایت، برای قبیله هایت به تو خواهد داد، به خود داوران و کاتبان خواهی داد، و ایشان قوم را با عدالت داوری خواهد کرد.
 ۱۹ حق را منحرف نخواهی ساخت، به شخص نگاه نخواهی کرد، و هدیه نخواهی پذیرفت، زیرا هدیه چشم حکیمان را کور می کند و امور عادلان را ویران می سازد. مز ۲۳:۱۷ خروج ۱۰:۱۷:۱۰
 ۲۰ عدالت را تعاقب خواهی کرد، عدالت را، تازنده بمانی و سرزمینی را که یهُوه، خدایت، به تو می دهد، مالک شوی.

مواردی در عرصه مذهب
 ۲۱ در کنار قربانگاه یهُوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت، تیری مقدس، از ۵:۷ هر چوبی که باشد^b، برای خود فرو نخواهی کاشت. ۲۲ برای خود ستونهای سنگی که مورد تنفر یهُوه، خدایت، می باشد، بر پا نخواهی داشت.

یهُوه، خدایت، تورا برکت داده باشد، خواهی داد. ۱۱ در حضور یهُوه، خدایت، در مکانی که یهُوه، خدایت، برخواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، شادمانی خواهی کرد، تو، پسرت، دخترت، خدمتگزارت، کنیزت، لاوی ای که در دروازه هایت باشد، شخص غریب، یتیم و بیوه زنی که نزد تو باشند. ۱۲ به یاد خواهی آورد که در مصر برده بودی^X و مراقب خواهی بود تا این احکام را به عمل آوری. ۱۳ عید «آلونکها» را به مدت هفت روز جشن خواهی گرفت، آن گاه که محصول خرمنگاه و خمره ات را جمع آوری کرده باشی؛ ۱۴ در عیدت شادمانی خواهی کرد، تو، پسرت، دخترت، خدمتگزارت، کنیزت، لاوی، شخص غریب، یتیم و بیوه زنی که در دروازه های تو می باشند. ۱۵ به مدت هفت روز، جشن را برای یهُوه، خدایت، برگزار خواهی کرد، در مکانی که یهُوه برخواهد گزید؛ زیرا یهُوه، خدایت، تورا در تمامی عایدات و در تمامی عمل دستانت برکت خواهد داد، و در شادی کامل خواهی بود. ۱۶ در سال سه بار، تمام جمعیت ذکور در حضور یهُوه، خدایت، در مکانی که او بر خواهد گزید، حضور خواهند یافت؛ در عید قطیر، در عید هفته ها، و در عید آلونکها. و

X در اینجا، عید «هفته ها» (ر.ک. خروج ۱۶:۲۳ توضیح)، مانند عید گذر، مرتبط شده به آزادی از مصر، اما توضیح بیشتری ارائه نشده است.

Y در خصوص این عید، ر.ک. خروج ۱۶:۲۳ توضیح.
Z ر.ک. توضیح خروج ۱۷:۲۳.

a در اینجا بخش دوم قانون نامه آغاز می شود که به نهادهای بنیادین می پردازد، یعنی به عدالت (۱۸:۱۶ تا ۱۷:۱۳)، سلطنت

b این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «تیری مقدس و درختی در کنار قربانگاه...»

^۱ برای یهُوه، خدایت، گاو یا حشم
^۲ کوچکی که عیبی داشته باشد، هر
^۳ نوع عیبی، قربانی نخواهی کرد: این برای
^۴ یهُوه، خدایت، نفرت انگیز است.

احکام قضایی

^۵ چنانچه نزد تو، در یکی از دروازه‌هایی
 که یهُوه، خدایت، به تو می‌دهد، مرد یا
 زنی یافَت شود که آنچه را که در نظر یهُوه،
 خدایت، بد باشد انجام دهد، و از عهد او
 تجاوز کند، ^۶ و برود و خدایان دیگر را
 خدمت کند و در مقابل آنها سجده نماید،
 در مقابل خورشید یا ماه یا تمام لشکر
 آسمانها^۷- کاری که امر نکرده‌ام، ^۸ چون
 از آن اطلاع بسیابی و از آن آگاه شوی،
 به دقت تحقیق خواهی کرد، و چنانچه
^۹ راست باشد، چنانچه امر کاملاً ثابت شود،
 چنانچه این امر نفرت انگیز در اسرائیل
 ارتکاب یافته باشد، ^{۱۰} این مرد یا این زن را
 که این عمل بد را مرتکب شده‌اند، به

^۱ سوی دروازه‌هایت^d بیرون خواهی آورد؛ آن
 مرد یا آن زن را با سنگها سنگسار خواهی
^{۱۱:۱۳}
 کرد و ایشان خواهند مرد. ^e آن کس که باید
 بمیرد، بر اساس گفته دو شاهد یا سه شاهد
^{۱۵:۱۹}
 به مرگ سپرده می‌شود: بر اساس گفته فقط
 یک شاهد به مرگ سپرده نخواهند شد.
^۷ اول دست شاهدان بر او خواهد بود تا او
 را به مرگ بسپارد، و بعد از آن، دست ^{۱۰:۱۳} یو^{۷:۸}
 تمامی قوم، بدینسان، بدی را از نزد خود ^{۶:۱۳}
 خواهی رُفت.
^۸ اگر امری برای داوری کردن به نظرت
 غیرممکن برسد: قتل، مرافعه، جراحت- هر ^{۱۱-۸:۱۹} تو^۲
 مشاجره‌ای در دروازه‌هایت^f- حرکت
 کرده، به مکانی برخواهی آمد که یهُوه،
 خدایت، انتخاب خواهد کرد. ^۹ به سوی
 کاهنان- لاویان^g و داوری که در آن روزها
 خواهد بود، خواهی آمد؛ ایشان تحقیق
 خواهند کرد و حکم داوری را به آگاهی تو
 خواهند رسانید. ^{۱۰} تو بر اساس مفاد
 حکمی که به آگاهی تو خواهند رسانید عمل

^{۱۱} همین اصطلاح در بید ۱:۲ برای اشاره به مجموعه ستارگان به کار رفته است. همراه با تث^۴:۱۹، این تنها بخشی است از این
 کتاب که در خصوص عبادت ستارگان هشدار می‌دهد. در جاهای دیگر، «خدایان دیگر» بیشتر دلالت دارد بر خدایان محلی
 (ر.ک. ۱۴:۶؛ ۱۴:۷؛ ۸:۱۳؛ ۴:۷، وغیره). چنین به نظر می‌رسد که اشاره به ستارگان مرتبط باشد به دوره برتری آشوریان و
 بابلیان که طی آن، عبادت ستارگان جذابیت بسیاری برای اهالی یهودا یافت (ر.ک. ۲- پاد ۳-۲۱:۵-۴:۲۳ و
 توضیحات: ار ۸:۲؛ ۲:۸؛ ۱۳:۱۹). باید به خصوصیت شکوهمند انتهای آیه توجه داشت که در آن، ضمیر اول شخص مفرد به کار
 می‌رود که می‌تواند خواه به موسی دلالت داشته باشد، خواه به خود خدا.

^d محکمه‌ها در دروازه‌های شهرها مستقر بودند (ر.ک. ۱۹:۲۱). اما در ضمن، محکومین را نیز در مقابل دروازه، بیرون از شهر،
 اعدام می‌کردند (ر.ک. ۲۴:۲۲).

^e این فرمول که بسیار کلی است، بر امری دلالت دارد که حل و فصل آن دشوار است، زیرا هیچیک از مواردی که معمولاً در سطح
 محلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، پاسخگوی آن نیست. موضوع درخواست کمک از مقامات مرکزی که تصمیماتشان حاکمیت
 دارد، یکی از اقداماتی است که لازمه تمرکز مذهب و تجمع روحانیون در پرستشگاه مرکزی می‌باشد (ر.ک. توضیح ۲:۵ و
 ۱۸:۶-۷). این مقررات کتاب تشنیه را می‌توان تشبیه کرد به مقررات ۲-تو^{۱۹} ۵:۱۱ که در آن بر فعل بودن چنین
 محکمه‌ای در دوره پارسیان گواهی داده شده است.

^f عنوان «کاهنان- لاویان» به روحانیونی اشاره دارد که در پرستشگاه مرکزی خدمت می‌کنند (ر.ک. ۸:۲۴؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۸:۱۷؛ ۸:۲۷)
 و ایشان را از سایر لاویانی که در سرزمین برآکنده‌اند متمایز می‌سازد (ر.ک. ۱۲:۱۲، ۱۲:۱۸؛ ۱۸:۱۸ وغیره)، یعنی
 لاویانی که از حق خود برای شراکت در این خدمت استفاده نمی‌کنند (۸:۱۸-۶:۸). «داور» که در کنار کاهنان به او اشاره
 شده، احتمالاً یکی از ایشان است که به گونه‌ای خاص همچون مسؤول این قبیل امور تعیین شده است.

همچون پادشاه مقرر خواهی داشت، یکی از میان برادران خواهد بود؛ نمی توانی شخصی بیگانه را بر خود بگماری که برادرت نباشد.^g

^{۱۶} فقط اسپان بسیار نداشته باشد و قوم

را به مصر باز نگرداند، تا اسب سواران اش^{۳۱:۲۱} را به مصر باز نگرداند، تا اسب سواران اش^{۲۶:۱۱} بسیار نداشته باشد، حال آنکه یهوه به شما^{۱۳:۱۱}

گفته است: «از این پس دیگر از این راه^{۶۸:۲۸} باز نخواهید گشت.»^{۱۷} همچنین زنان بسیار نداشته باشد، مبادا که دلش دور شود. نقره و طلا نیز به مقدار بسیار زیاد نداشته باشد.

^{۱۸} و به مجرد اینکه بر تخت سلطنت خود بنشیند، نسخه ای از این شریعت^h را، بر

اساس کاهنان-لایران، برای خود در کتابی^{۲۴:۳۱}

خواهد نوشت. آن نزد او خواهد بود و در^{۲۵:۳-۱:۲۳}

تمامی روزهای زندگی اش از آن خواهد خواند، تا بیاموزد که از یهوه، خدایش، بترسد، و تمامی سخنان این شریعت و تمامی این احکام را رعایت کند و آنها را به عمل آورد.^{۲۰} بدینسان، دلش بر برادرانش بر افراشته نخواهد شد، و از^{۳۲:۵}

حکم دور نخواهد شد، نه به راست و نه به چپ، تا روزهای سلطنتش را طولانی سازد، او و پسرانش، در بطن اسرائیل.

خواهی کرد، از همان مکانی که یهوه بر خواهد گزید، و مراقب خواهی بود که مطابق هر آنچه که برایت توضیح داده اند، عمل نمایی.^{۱۱} بر اساس مفاد تصمیمی که ایشان برای تو توضیح خواهند کرد، عمل^{۲۲:۵} داوری ای که به توامر خواهند کرد، عمل خواهی نمود؛ از حکمی که ایشان به آگاهی تو می رسانند، به راست یا به چپ دور نخواهی شد.^{۱۲} آن کس که از روی خودبینی عمل کند و به کاهنی که در آنجا^{۷:۵:۱۸} ایستاده تا یهوه، خدایت را خدمت کند، گوش نسپارد، یا به داور [گوش نسپارد]، این شخص خواهد مرد؛ بدینسان بدی را به بیرون از اسرائیل خواهی رفت.^{۱۳} و تمام^{۱۲:۱۳} قوم با شنیدن این، دچار ترس خواهند شد و دیگر خودبینی نخواهد بود.

دستورهایی برای پادشاه

^{۱۴} چون وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو می دهد، وقتی آن را به مالکیت در آوری و در آن ساکن شوی، چنانچه بگویی: «می خواهم مانند تمام^{۱۵} مملت هایی که در پیرامون من هستند، پادشاهی بر خود مقرر دارم،^{۱۵} می توانی پادشاهی را که یهوه، خدایت، بر خواهد گزید، بر خود مقرر داری؛ آن کس که

^g ابهامی که در تمام این بخش در خصوص «سلطنت» وجود دارد، حاکی از آن است که نگارنده اش از قبل از خطراتی که گریبانگیر پادشاهان اسرائیل شده، آگاه بوده است، خطراتی چون قدرت، ثروت، غرور، و استثمار قوم (ر.ک. ۱-۸). باید توجه داشت که حقوق پادشاه گرچه شدیداً محدود شده (آیات ۱۴-۱۷)، با اینحال، وی از همان طول عمر که به تمام قوم و عده داد شده، بهره مند می گردد، به شرط آنکه مانند سایر اعضای قوم، مطبع شریعت باشد.

^h در ترجمه یونانی، عبارت «نسخه ای از این شریعت» به شکلی غیر دقیق، به صورت «شریعت دوم» (به یونانی: deuterono-mion) ترجمه شده و از این کلمه استفاده گردیده تا به این کتاب نامی را بدنهند (یعنی «تشنیه» در معنای «شریعت دوم»/م) که تا به امروز نیز بر آن مانده است. در حالیکه این کتاب فقط جرح و تعديلی است از شریعت، همراه با تفسیر آن، و نه شریعتی جدید.

در حضور یهود می ایستند^k:^۸ او برای تغذیه خود، سهمی برابر با آنان خواهد داشت، صرف نظر از فروش هایش از میراث پدری اش.^۹.

منشأ و نقش نبی

^۹ چون وارد سرزمینی شوی که یهود، خدایت، به تو می دهد، نخواهی آموخت که مرتكب همان (کارهای) نفرت انگیزی شوی که این ملت ها (مرتكب می شوند).^{۱۰} بادا که نزد تو کسی یافت نشود که پسرش یا دخترش را از آتش بگذراند، کسی که حرفة غیب گویی، طالع بینی،^{۱۱} جادوگری، ساحری،^{۱۲} افسونگری، احضار اشباح و ارواح، و مشورت با مردگان را^{۱۳} به عمل آورد.^{۱۴} زیرا هر که این را انجام دهد، برای یهود نفرت انگیز است، و به سبب همین (کارهای) نفرت انگیز است که یهود، خدایت، این [ملت ها] را در مقابل تو خلع ید می کند.^{۱۵} در حق یهود، مت:۵:۶-۶:۲۱^{۱۶} خدایت، کامل خواهی بود.^{۱۷} زیرا این ملت ها که تو آنها را خلع ید خواهی کرد، به طالع بینان و غیب گویان گوش فرا می دهنده؛ اما یهود، خدایت، این را به تو اجازه نمی دهد.

۱۸ حقوق لاویان

^{۱۸} ^{۱۱-۸:۳۳} ^{۹:۱۷} کاهنان-لاویان، تمامی قبیله لاوی، با اسرائیل نه سهمی خواهند داشت و نه میراثی؛ ایشان از قربانی های آتشینی که برای یهود به جا آورده می شود و از میراث او تغذیه خواهند کرد.^۲ [لاوی]
^{۱۰} در میان برادرانش میراثی نخواهد داشت؛ میراث او یهود می باشد، مطابق آنچه به او گفته است.^۳ و این است حقوق کاهنان بر قوم، بر آنان که همچون قربانی، خواه گاو، خواه حشم کوچک را قربانی می کنند؛ دوش و آرواره ها و شکمبه را به کاهنان خواهند داد.^۴ نوبر گندمت، شراب تازه ات و روغن تازه ات را به او خواهی داد، و نیز نوبر پشم احشام کوچکت را؛^۵ زیرا یهود، خدایت، از میان تمامی قبیله ها، او را بر گزیده تا در حضور یهود، خدایت، بایستد، تا خدمت را به نام یهود به جا آورد، او و پسرانش، در تمامی روزها.

^۶ اگر لاوی ای از یکی از دروازه هایت بیاید، از هر جا در اسرائیل باشد که او در آن مقیم است، و با تمام اشتیاق جانش، به مکانی بیاید که یهود بر خواهد گزید،^۷ خدمت را به نام یهود، خدایش، انجام خواهد داد، مانند تمام برادرانش لاویان که

أ. ر. ك. «مقدمه لاویان».

ز این قاعده در خصوص سهم کاهنان از قربانی ها، با احکام «کهانتی» تفاوت دارد. طبق احکام «کهانتی»، آنچه به کاهن تعلق می گیرد، سینه و ران راست می باشد (ر. ك. لاو:۳۱-۳۴:۱۰-۱۸:۲۰:۶:۱۳-۱۴:۱۸-۱۹-۲۰).
ک این امتیازی است جدید برای اعقاب قبیله لاوی که میراثی در سرزمین موعود ندارند و باید از کمکهای مردم امرار معاش کنند: ایشان همگی از این حق برخوردارند که به پرستشگاه مرکزی بپایند و در آنجا خدمت کنند و از محل هدایا و قربانی ها امرار معاش نمایند و از همان حقوق روحانیونی که از پیش در اورشلیم خدمت می کردند برخوردار گردند. اما بر اساس ۲-۲۳:۸-۹، گویا این حق مورد اجرا واقع نشد، زیرا از این هنن چنین برمی آید که لاویان تازه وارد می بایست به امتیازاتی پایین تر اکتفا می کردند. در زمان نگارش کتاب های تواریخ، لاویان عملاً به نوعی از روحانیون درجه دو تبدیل شده بودند.
۱ این جمله ای است دشوار و در باره مفهومش بقینی حاصل نیست. طبق آیه ۲، لاوی (در میان برادرانش میراثی نخواهد داشت؛ لذا «میراث پدری اش» نمی تواند زمین باشد؛ احتمالاً منظور خانه یا اموال منتقل است.

سخنی را که یهُوه نگفته است، باز شناسیمⁿ»^{۲۲} وقتی نبی به نام یهُوه سخن بگوید، اگر آنچه گفته است واقع نشود و ارج ۹-۷:۲۸-۹ اتفاق نیفتد، این است سخنی که یهُوه نگفته است: نبی از روی خود بینی سخن گفته است: از او نخواهی ترسید!

۴۱:۴-۴۳:۲ شهرهای پناهگاه^۰

^{۱۹} هنگامی که یهُوه خدایت، ملت‌های را که یهُوه خدایت، سرزمینشان را به تو می‌دهد از میان ببرد، هنگامی که ایشان را خلع ید کنی و در شهرهایشان و در خانه‌هایشان ساکن شوی، برای خود سه شهر در میان سرزمینت که می‌دهد، کنار خواهی گذارد.^۳ راه را در وضعیت خوب نگاه خواهی داشت^p، و قلمرو سرزمینت را که یهُوه خدایت تورا وارت آن خواهد ساخت، سه قسمت خواهی کرد، آن سان که هر قاتلی بتوان به آن بگریزد.^۴ این است موردی که قاتلی که به آنجا می‌گریزد، زندگی اش در امان

^{۱۵} یهُوه، خدایت، از میان تو، از میان برادرانت، نبی ای همچون من برای تو بر اعد ۷-۶:۱۲ خواهد انگیخت: به او است که گوش خواهید سپرد.^{۱۶} این همان است که تو، در مر ۷-۴:۹ حوریب، در روز گردهم آیی، از یهُوه، خدایت، خواستی و گفتی: «دیگر نمی‌خواهم صدای یهُوه، خدایت، را بشنوم و دیگر نمی‌خواهم این آتش عظیم را ببینم، مبادا ببیرم.»^{۱۷} یهُوه به من گفت: آنچه گفتند، نیکواست.^{۱۸} من از میان برادرانشان، نبی ای را همچون تو برای ایشان بر خواهم انگیخت^m: سخنان خود را در دهان او قرار خواهم داد و او هر آنچه را که به او امر کنم، به ایشان خواهد گفت. خروج ۴:۵-۹:۱۰ و چنانچه کسی به سخنان من گوش نگیرد، سخنانی که او به نام من خواهد گفت، خودم از او حساب خواهم خواست.^۰ اما نبی ای که این خود بینی را داشته باشد که به نام من سخن بگوید که من به او امر نکرده‌ام که بگوید، یا اینکه به نام خدایان دیگر سخن گوید، این نبی خواهد ارج ۱۷-۱۵:۲۸ مرد.^{۲۱} شاید در دل خود بگویی: «چگونه

^m نقش نبی اساساً وساطت میان خداوند و قوم او می‌باشد، مانند موسی که او نیز واسطه میان خداوند و قومش بود: در اندیشه تشییه‌ای، موسی نخستین نبی از میان انبیا است. بعدها علمای یهود با مطالعه این متن در معنای دقیق تر آن، نوید ظهور نبی ای استثنایی را در آن می‌دیدند که گاه با مسیح موعود یکی انگاشته می‌شد. این سنت در سؤالات قوم یهود در باره عیسی معکوس است (بو ۲۱:۶؛ ۱۴:۶؛ ۷:۴۰). اما عیسی خود هیچگاه رسمآخود را «آن نبی» معرفی نکرد (گرچه مثلاً در مر ۷:۹، می‌توان اشاره‌ای به تث ۱۵:۱۸ یافت: و نیز در لو ۴:۴۵؛ ۲۷:۲۴ و یو ۴:۴۶).

ⁿ باید توجه داشت که ضابطه تشخیص میان نبی راستین و دروغین، به شکل نفی بیان شده: آنچه که می‌توان باز شناخت، آن سخنی است که فرموده خداوند «نیست». از این می‌توان نتیجه گرفت که سخن نبی راستین هیچگاه سخنی مقیدکننده و آمرانه نیست، بلکه آزادی و مسؤولیت تصمیمی را که در مورد آینده گرفته می‌شود، بر عهده خود شخص می‌گذارد. به همین دلیل است که در حکم پایانی آمده که «از او نخواهی ترسید».

^۰ از اینجا مجموعه‌ای از احکام آغاز می‌شود (و احتمالاً تا ۱:۲۱ - ۱۰ ادامه می‌یابد) که حکم ده فرمان را در خصوص قتل تشریح می‌کند (حکم «نخواهی کشت»).

^p این عبارت حالتی مستتر دارد. در هر یک از سه منطقه پیش بینی شده، افراد باید بتوانند به راحتی و به سرعت به شهر پناهگاه برسند.

در میان سرزمین‌تو ریخته نخواهد شد، سرزمینی که یهُوهُ، خدایت، همچون ارث به تو می‌دهد، و در آنجا بر تو خونِ ریخته شده نخواهد بود.

^{۱۱} اما چنانچه مردی که از همسایه خود کینه دارد، در کمین او بنشیند، و بر علیه او بر خیزد و او را بزند و بکشد، و به یکی از این شهرها بگریزد، ^{۱۲} مشایخ شهرش خواهد فرستاد تا اورا از آنجا بگیرند، و اورا به دستهای انتقام‌گیرنده خون خواهد سپرد تا بمیرد. ^{۱۳} چشمت برای او بدون ^{۱۶:۷} ترجم خواهد بود؛ بدینسان، خون بی‌گناه را ^{۶:۱۳} به بیرون از اسرائیل خواهی رفت و سعادت خواهی داشت.

احترام به حدود زمینها

^{۱۴} حدود همسایه خود را، آن را که ^{۱۷:۲۷} پیشینیان قرار داده‌اند، در میراثی که در سرزمین به ارث خواهی برد، جایجاً نخواهی کرد، (در سرزمینی) که یهُوهُ خدایت، به تو می‌دهد تا مالکش شوی.

نقش شاهدان

^{۱۵} تنها یک شاهد نخواهد توانست بر علیه شخصی برای هر خطای هر گناهی که باشد بر خیزد؛ به هر گناهی که گناه کرده باشد، بر اساس گفته دو شاهد یا بر اساس

خواهد بود؛ چنانچه همسایه خود را سهواً زده باشد، بی‌آنکه از پیش از او کینه‌ای داشته باشد؛ ^۵ مانند کسی که با یار خود به جنگل می‌رود تا چوب ببرد؛ دستش تبر را تکان می‌دهد تا درختی را ببرد، اما آهن از دسته به در می‌رود و به یارش می‌خورد و در اثر آن می‌میرد؛ چنین شخصی خواهد توانست به یکی از این شهرها بگریزد و جانش در امان خواهد بود. ^۶ و گرنه، انتقام‌گیرنده خود ^۹ ممکن است قاتل را در غلیان دل خود تعاقب کند؛ او ممکن است به وی بر سد چرا که راه دراز است^{۱۰}، و وی را بزند و بکشد، حال آنکه وی سزاوار مرگ نیست، چرا که از آن دیگر کینه‌ای نداشت. ^۷ از این رو است که تورا امر می‌کنم: «برای خود سه شهر را کنار خواهی گذارد.» ^۸ و چنانچه یهُوهُ، خدایت، قلمرو تو را وسعت بخشد، مطابق آنچه برای پدرانت سوگند یاد کرده، و چنانچه تمام سرزمینی را به تو بدهد که اعلام داشته که به پدرانت بدهد، ^۹ به شرط آنکه تمامی حکمی را که امروز به تو امر می‌کنم رعایت کنی تا آن را به عمل آوری، و یهُوهُ، خدایت، را دوست بداری، و در تمامی ^{۶:۶} طریق‌های او در تمامی روزها سلوک نمایی، آنگاه سه شهر دیگر نیز به این سه خواهی افزود.^{۱۰} بدینسان، خون بی‌گناه

^۹ در خصوص رسم انتقام خون خاتواده، ر.ک. توضیح اعد ۳۵ و ۱۲ در ذیل.

^{۱۰} اگر شهرها از نظر جغرافیایی به شکلی نامناسب تقسیم می‌شوند، کسی که مرتکب قتل غیر عمد می‌شد و در منطقه‌ای دور دست زندگی می‌کرد، ممکن بود نتواند خود را به شهر پناهگاه برساند و از حق خود استفاده کند. در این صورت، ممکن بود به دست انتقام‌گیرنده خون بیفتد.

^۸ این سه شهر جدید در شرق رود اردن قرار داشتند (ر.ک. طبق این آیه، گسترش جغرافیایی سرزمین اسرائیل از غرب رود اردن به سوی شرق صورت می‌گیرد؛ این امر از نظر تاریخی (یعنی از نظر زمان نگارش کتاب تشنیه/م) احتمالاً درست است، اما با دیدگاه سنتی رویدادها سازگار نیست (ر.ک. ۲۰:۳ - ۸:۲).

هم او که تو را از سرزمین مصر برآورد.
 ۲ پس چون نزدیک جنگ باشی، کاهن پیش خواهد آمد و با قوم سخن خواهد گفت.^۳ به ایشان خواهد گفت: «گوش فرا ده، ای ۴:۶ اسرائیل! امروز در آستانه جنگ با دشمنانتان هستید؛ بادا که دلتان سست نشود، مترسید، پریشان مشوید، و در مقابل ایشان ملزید؛^۴ زیرا یهوه، خدایتان، با شما حرکت می‌کند^۵ تا برای شما بر علیه دشمنانتان بجنگد، تا شما رانجات بخشد.»

^۵ کاتبان به این مضامون با قوم سخن خواهند گفت: «کدام مرد است که خانه ای نوبنا کرده و آن را افتتاح ننموده است؟^۷

۶ او برود و به خانه خود بازگردد، مبادا در جنگ بمیرد و کسی دیگر آن را افتتاح نماید.^۶ و کدام مرد است که تاکستانی کاشته و نوبر آن را برنداشته است؟ او برود و به خانه خود بازگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری نوبر آن را بردارد.^۷ و کدام مرد است که با زنی نامزد کرده و هنوز او را نگرفته است؟ او برود و به خانه خود بازگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آن زن را بگیرد.»

^۸ کاتبان به سخن گفتن با قوم ادامه خواهند داد و خواهند گفت: «کدام مرد

گفته سه شاهد است که امر به اثبات خواهد رسید.^{۱۶} هنگامی که شاهدی که اتهام وارد می‌سازد، بر علیه شخصی برخیزد تا او را به شکستن عهد متهم کند،^{۱۷} آن دو نفری که منازعه دارند، در حضور یهوه خواهند ایستاد، در مقابل کاهنان و داورانی که در آن روزها باشند؛^{۱۸} داوران به دقت تحقیق خواهند کرد، و چنانچه معلوم شود که آن شاهد، شاهدی دروغین است و به دروغ بر علیه برادر خود شهادت داده است،^{۱۹} شما به او همان را خواهید کرد که اوقصد داشت به برادرش بکند؛ بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.^{۲۰} و دیگران این را خواهند شنید و دچار هراس خواهند شد، و دیگر پس از آن، کاری به این بدی نزد تو مرتكب خواهند شد.

^{۲۱} چشم تو بدون ترحم خواهد بود؛ زندگی در عوض زندگی، چشم در عوض چشم، دندان به عوض دندان، دست به خروج^{۲۲} عوض دست، پا در عوض پا.

جنگ

۳۰

^۱ چون بر علیه دشمنانت به جنگ می‌روی^۱ و اسبها و ارابه‌ها و سپاهی کثیرتر از خود ببینی، از آن خواهی ترسید؛ زیرا یهوه، خدایت، با تو است،

^۱ تثنیه «جنگ» را یک واقعیت تلقی می‌کند: منظوش نه تجویز آن است و نه معن آن. با اینحال، نحوه برخوردش با جنگ، حالتی انتقادی دارد، به خاطر اصل احترام به حیات، خصوصاً در مقبرات مربوط به آغاز جنگ.

^۲ خداوند برای اسرائیل فقط متحده نیرومند نیست. در واقع، این خداوند است که به نوعی به جای قومش می‌جنگ (ر. ک. یوشع^۶: داور^۷: ۱-۲۰: ۲۰-۲۵) که در آن، پیش از مداخلت لشکر، پیروزی حاصل می‌شود). خداوند از آنجا که فاتح جنگ است، نسبت به غنائم صاحب حق می‌باشد: به همین سبب است که قانون «العن» را وضع کرده است که به گونه‌ای سخت‌گیرانه باید در مورد فتوحات در سرزمین موعود به اجرا در آید (ر. ک. توضیح^{۳۴:۲}: توضیح اعد^{۲:۲۱}). این عناصر مختلف تداعی کننده مقوله رایج «جنگ مقدس» است.

^۷ وجه مشترک میان سه حکم مذکور در آیات ۵-۷، احترامی است که برای هر آغازی قائل شده‌اند. به این ترتیب، هر خانه‌ای باید «افتتاح» شود؛ پس چقدر بیشتر خانه خداوند که «وقف» آن با همان کلمه مورد اشاره قرار گرفته است (ر. ک. ۱-پاد مز^{۳:۶}-مک^{۴:۱}-یو^{۱۰:۲۲}).

خدایت، به تو به میراث می‌دهد، چیزی از هر آنچه که دم حیات دارد، زنده باقی نخواهی گذاشت.^{۱۷} زیرا باید آنها را به لعنت وقف کنی: حتیان، اموریان،^{۲۴:۲} کنعنیان و فرزیان، حویان و یوسیان،^{۱:۷} مطابق آنچه که یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است،^{۱۸} تا به شما نیاموزند که از تمامی کارهای نفرت انگیزی که ایشان^{۹:۱۸} برای خدایانشان انجام می‌دهند، تقلید کنید^x: ممکن است بر علیه یهوه، خدایتان، گناه کنید!

^{۱۹} وقتی به هنگام جنگیدن با شهری، برای تصرف آن لازم شود که آن را برای روزهای طولانی محاصره کنی، درختان آن را با تکان دادن تبر بر علیه آنها، ویران نخواهی کرد، زیرا از آنها است که باید تغذیه نمایی؛ اما آنها را فرو نخواهی کوبید: آیا درخت صحراءها انسان است که با آن همچون شخص محاصره شده رفتار کنی؟^{۲۰} فقط درختانی را که می‌دانی درختانی نیستند که از آنها تغذیه نمایی، آنها را می‌توانی ویران کنی و فرو بکویی، تا از آن تجهیزات محاصره بر علیه شهری بسازی که با تو جنگ می‌کند، تا آن زمان که بیفتند.

هراسان است و دلش سست می‌باشد؟ او برود و به خانه خود باز گردد، و دل برادران خود را مانند دل خود آب نکند.»^{۲۸:۱}

^۹ چون کاتبان سخن گفتن با قوم را به پایان برسانند، در رأس قوم رؤسای سپاه قرار خواهند داد.

^{۱۰} هنگامی که به شهری نزدیک می‌شوی تا بر علیه آن بجنگی، به آن پیشنهاد صلح خواهی داد.^{۱۱} چنانچه او تو را با صلح پاسخ دهد^w و [دوازه هایش] را به روی تو بگشاید، تمام جمعیتی که در آن یافت می‌شود، برای تو به بیگاری در خواهند آمد^y

^{۱۲} داور^{۳۵-۲۸:۱} و تو را خدمت خواهند کرد.^{۱۳} و چنانچه با تو صلح نکند و با تو وارد جنگ شود، آن را محاصره خواهی کرد،^{۱۴} وقتی یهوه، خدایت، آن را به دستان تو بسپارد، تمام جماعت ذکورش را به دم شمشیر خواهی زد.^{۱۵} فقط زنان و کودکان و احشام و هر چه را که در شهر باشد، تمام غنائمش را، برای خود به غنیمت خواهی گرفت، و از غنائم دشمنان که یهوه، خدایت، به تو خواهد داد، زندگی خواهی کرد.

^{۱۶} این چنین خواهی کرد با تمام شهرهایی که از تو بسیار دور هستند، آنها باید که جزو شهرهای این ملت‌ها به شمار نمی‌آینند.

^w فقط از شهرهای این قوم‌ها که یهوه،

X در اینجا توجیه دیگری برای قانون «لعنت» داریم (ر.ک. توضیح ۴:۲۰)، یعنی خطر کشیده شدن به سوی عبادت سایر خدایان که به علت مجاورتشان با قوم اسرائیل، و سوشه نیرومندی به شمار می‌رond (ر.ک. آیه ۱۶: «شهرهای این قوم‌هaz»).

Y خدا مواهب خلق‌ت را برای انسان مهیا ساخته (ر.ک. پید ۲۹:۱؛ مز ۱۰۴: ۱۵-۱۴)، و قوم اسرائیل باید این امر را محترم بشمارد.

ماده‌ای که گردنش بر نهر شکسته شده، خواهند شست.^۷ ایشان رشته سخن را به دست گرفته، خواهند گفت: «دستان ما مت ۲۷:۲۴» این خون را نریخته، و چشم‌انمیان چیزی ندیده است.^۸ ای یهوه، کفاره را به قوم خود که رهایی داده ای ارزانی فرما، و خونی بی گناه را در میان قومت اسرائیل قرار مده!» و کفاره این خون برای ایشان انجام خواهد شد.^۹ و تو خون بی گناه را از نزد ۱۳:۶ خود خواهی رفت، زیرا آنچه را که در نظر یهوه درست است انجام داده ای.

اڑدواج یا زنجی، اسیں^b

۱۰ چون بر علیه دشمنانت به جنگ بروی، و یهود، خدایت، آنان را به دست تو بسپارد، چنانچه آنان را زندانی سازی،^{۱۱} و در میان زنان اسیر، زنی خوش سبیمای بینی که فریفته اش شوی و بخواهی او را به زنی بگیری،^{۱۲} او را به داخل خانه ات خواهی آورد. او سر خود را خواهد تراشید، و ناخن‌های خود را خواهد بربید،^{۱۳} و جامه اسیری^{۱۴} را از تن به در خواهد کرد؛ او در خانه تو ساکن خواهد شد و یک ماه کامل

در مورد قتلی نامشخص^۱ وقتی بر زمینی که یهُوهُ، خدایت به تو می دهد تا مالکش شوی،^۲
جنازه ای یافت شود که در صحراء افتاده،
بدون آنکه بدانند چه کس او را زده است،^۳
مشایخ و داوران بیرون خواهند آمد تا
[فاصله] شهرهایی را که در پیرامون جنازه
هست، اندازه بگیرند،^۴ و شهری وجود
خواهد داشت که به جنازه نزدیکتر خواهد
بود. مشایخ این شهر گوساله ماده ای خواهند
گرفت که به کار و ادارش نکرده اند و بیوغ را
نکشیده است.^۵ مشایخ این شهر گوساله ماده
را به نهری فرود خواهند آورد که خشک
نمی شود، در مکانی که نه کشت می کنند و
نه بذرپاشی، و در آنجا گردن گوساله ماده را
خواهند شکست، بر روی نهر.
کاهنان، پسران لاوی، پیش خواهند
آمد؛ زیرا یهُوهُ، خدایت، ایشان را برای
خدمت و برکت دادن به نام یهُوهِ بر گزیده
است، و هر منازعه و هر جراحتی بر اساس
گفته ایشان فیصله می یابد.^۶ تمامی
مشایخ این شهر، که به جنازه نزدیکتر
می باشند، دستهای خود را بر بالای گوساله

Z رسمی که در آیات ۱-۹ آمده، حاکی از منشأ بسیار کهن آن است: گوساله ماده و نیز مکان کشتن آن نباید در اثر استفاده مردم، نامقدس شده باشد؛ حیوان به شکلی خاص کشته می‌شود، و برخلاف آینین‌های مربوط به کفاره، خون آن هیچ نقشی ایفا نمی‌کند؛ و بالاخره، آب جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد تا آن منطقه را از خطایی که به گونه‌ای خطرناک بر آن سنگینی می‌کند، بزداید. اما شریعت اسرائیل این آینین کهن را مورد تعبیر مجدد قرار می‌دهد و آن را فرستی می‌سازد برای اعلام داشت (آیه ۷) که: «ام است باداعل، و خاکندا را بهار سازم، و از خطای، که امانت شاه (آیه ۸)»

a قابل توجه است که در اینجا ایوان هیچ وظیفه ای خاص بر عهده نداشته است (دک. تو پیغام اعد ۱۸:۱۹). است. مداخلت ایشان مطابق است با نقش، که در تنشیه بر عهده ایشان گذاشته شده است (دک. تو پیغام اعد ۱۸:۱۹).

b در اینجا مجموعه‌ای از احکام آغاز می‌شود (که احتمالاً تا ۱۰-۵:۲۵ ادame می‌یابد) و با دستورهایی دیگر ادغام می‌شود تا حکم ده گفتار مربوط به زنا را تشریح کند: «زنا مرتكب نخواهی شد». این دستورهای پراکنده نوعی «رساله» ازدواج را تشکیل می‌دهند که در کانون آن، احکام خاص مربوط به زنا یافت می‌شود (۲۹-۲۲:۲۲).

۵- این سه عمل (تراشیدن مو، چیدن ناخنها، و در آوردن جامه های قدیمی)، نشانه های قطع ارتباط با گذشته، و ورود به زندگی ای جدید در اسرائیل، می باشد.

که او نوبت مردانگی او است: حق ارشدی پیدا شده است.^{۳:۴۹}

پسر یاغی

^{۱۸} چون مردی پسری یاغی و نامطیع داشته

باشد که نه به پدرش گوش دهد و نه به اش^{۱:۲۱} هم^{۲:۱۱} مادرش، و چون او را تأدیب کنند، به ایشان امث^{۸:۱} گوش فرا ندهد،^{۱۹} پدر و مادرش او را^{۲:۱۱} خواهند گرفت و او را به سوی مشایخ شهر، به دروازه محل زندگی اش، بیرون خواهند آورده،^{۲۰} و به مشایخ شهرش خواهند گفت: «این پسر ما یاغی و نامطیع است؛ به ما گوش نمی‌دهد؛ او عیاش و میگسار است.»^{۲۱} امث^{۲:۲۳} تمامی مردان شهرش با سنگها او را^{۱۱:۱۳} خواهند زد و او خواهد مرد. بدینسان، بدی^{۶:۱۳} را از نزد خود خواهی رفت، و تمام اسرائیل^{۱:۱} با شنیدن این، دچار ترس خواهند شد.^{۱۲:۱۳}

محکومی که به دار آویخته می‌شود

^{۲۲} چون مردی که در خود گناهی سزاوار

مرگ دارد، اعدام شود و تو او را بر درختی^{۲۳} دار بزنی^h،^{۲۳} جنازه اش شب را بر درخت

را برای پدر و مادرش خواهد گربست؛ پس از آن، به سوی او خواهی رفت و او را به نکاح خود در خواهی آورد و او زن تو خواهد شد.^{۱۴} اگر واقع شود که دیگر او را نخواهی، او را خواهی گذاشت که به میل خود برود؛ نمی‌توانی او را در مقابل نقره بفروشی؛ با او بدرفتاری نخواهی کرد^d، چرا که در حق او ظلم کرده‌ای.

حق پسر ارشد

^{۱۵} چون مردی دو زن داشته باشد^e، یکی محبوب و دیگری منفور^f، و این زنان برای او پسران زاده باشند، آن که محبوب است و آن که منفور، پسر ارشد از آن زن منفور باشد،^{۱۶} این مرد، در روزی که از آنچه مال او است، به پسرانش میراث می‌دهد، نمی‌تواند با پسر زن محبوب همچون پسر ارشد رفتار کند، (یعنی

پیدا شده^{۳:۲۵}؛^{۳:۲۶} به ضرر پسر زن منفور که ارشد است؛^{۲:۲۷} ^{۲-۱:۵} بلکه پسر ارشد را پسر زن منفور تصدیق خواهد کرد و به او سهمی دو برابر^g از تمام آنچه متعلق به خویش است خواهد داد؛ زیرا

^d این فعلی است بسیار کمیاب که برخی آن را این چنین ترجمه می‌کنند: «از او سود حاصل نخواهی کرد». تنها جای دیگری که از این فعل استفاده شده،^{۲:۲۴} ۷:۷ می‌باشد. مرد با فروختن آن زن در مقابل نقره، یعنی کاری که با یک برد می‌کنند، پیوند ازدواج را زیر سؤال می‌برد، پیوندی که سبب شده آن زن اسیر، همسر او گردد، و در مقام همسر، از حقوق زنی آزاد برخوردار باشد. در این صورت، هر کاری که در طول مدت ازدواج با او کرده، در عمل در حکم ذلیل ساختن او می‌گردد (از طریق به تقیاد در آوردن او).

^e باید توجه داشت که داشتن دو زن، امری بدیهی تلقی شده است. در چنین شرایطی، هدف شریعت مبارزه با پایمال شدن حقی

است که ممکن است از تغییریزی در احسات مرد ناشی شود (محبوب بودن) و «منفور بودن» در وهله اول، به روابط احساسی مربوط نمی‌شود، بلکه به رفتار و عمل در قبال شخص دیگر. دوست داشتن به معنی

تأمین رفاه و سعادت شخص دیگر است؛ نفرت داشتن نیز به معنی واگذاشتن او، و حتی تحمل نکردن حضور او می‌باشد.

^f حق پسر ارشد به برخورداری از میراثی دو برادر، جزو حقوق مرسوم خانواده به شمار می‌رفت و شریعت نیز آن را زیر سؤال نمی‌برد. اعدام به وسیله دار نیز رسمی متداول بوده و شریعت آن را زیر سؤال نمی‌برد. در عبری برای «درخت» و «چوب» کلمه‌ای واحد به کار می‌رود (ر.ک. ۲۱:۱۶ و توضیح). به همین دلیل است که این آیات در مورد مصلوب شدن عیسی و تدفین او در همان روز به کار رفته است (غلا^{۳:۳}؛ ر.ک. مت^{۱۳:۳}؛ یو^{۱:۱۹}؛ اع^{۵:۳۰}؛ یو^{۲:۵۷}-۶۰؛ اع^{۱:۱۰}؛ پطر^{۲:۲۴}-۱).

منوعیت لباس مبدل
^۵ زن لباس مرد را بر تن نخواهد کرد و مرد جامه زن را نخواهد پوشید؛ زیرا هر کس چنین کند، برای یهوه، خدایت، ^۶ نفرت انگیز است.

^{۲۴:۹} نخواهد گذراند، بلکه باید در همان روز او بیشتر کنی؛ زیرا کسی که بر دارآویخته استر ^{۲۶:۱} شده، لعنت خدا است. بدینسان، زمینی را که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد، ناپاک نخواهی ساخت.

پرندگان در آشیانه

^{۴:۲۵} چون در مقابل تو، در راه، در یکی از درختان، یا بر زمین، آشیانه پرندۀ ای پدیدار شود که در آن جوجه یا تخم باشد، و مادر روی جوجه ها یا روی تخمهای خوابیده ^{۲۸:۲۲} باشد، مادر را با جوجه ها برخواهی داشت؛ ^۷ باید بگذاری مادر برود؛ جوجه ها را برای خود برخواهی داشت^۱، تا سعادت نصیبت ^{۴:۰۰} شود و روزهایت را طولانی کنی.

امنیت خانه ها

^۸ چون خانه ای نو بنا کنی، برای بام خود لبه ای خواهی ساخت؛ بدینسان، اگر کسی تصادفاً از آن بیفتد، خون بر خانه ات خواهی گذارد.

منوعیت آمیختن مواد
^۹ تاکستان خود را با [دانه هایی از] دو نوع ^k بذرپاشی نخواهی کرد، مبادا که تمام

حرمت اموال همسایه

^{۱۱} اگر گاو برادرت یا یکی از حیوانات کوچکش را ببینی که خروج ^{۴:۲۳} گم شده می گردد، روی خود را برخواهی گرداند؛ باید آنها را نزد برادرت باز گردانی. ^{۱۲} اگر برادرت جزو همسایگان تو نباشد یا اورا نشناسی، [حیوان] را به داخل خانه ات خواهی آورد، و آن نزد تو خواهد ماند تا برادرت آن را مطالبه کند؛ آنگاه آن را به او پس خواهی داد. ^{۱۳} این چنین خواهی کرد برای الاغش، این چنین خواهی کرد برای عبایش، این چنین خواهی کرد برای هر شی گم شده برادرت، برای هر آنچه که از جانب او گم شده باشد و تو آن را یافته باشی؛ نمی توانی روی خود را بگردانی. ^{۱۴} چنانچه الاغ برادرت یا گاوش را ببینی که در راه افتاده است، از آنها روی برخواهی خروج ^{۵:۲۳} گرداند؛ باید [آنها] را با او بلند کنی.

^۱ این حکم که توضیحش دشوار است، احتمالاً مبنی است بر احترام به مادر بودن که موهبت الهی که همانا حیات باشد، از طرق آن انتقال می یابد.

^j منظور چنین چیزی است: «خانه ات را مسؤول ریخته شدن خون نخواهی ساخت». ^k در لاو ^{۱۹:۱۹} به جای تاکستان، «مزرعه» آمده. - «تمام آن» به طور تحتاللفظی، «پُری» می باشد (ر.ک. خروج ^{a:۲۸:۲۲} اعد ^{۱۸:۲۷}). منظور در اینجا برداشت محصول است (ر.ک. آخر آیه). - «چیزی مقدس اعلام گردد» در حالت تحتاللفظی آن، «تقدیس شود»، یعنی برای یهوه کنار گذارده شود و بنا بر این، از کاربرد غیر مذهبی خارج شود و همه به نفع پرستشگاه ضبط گردد. بعضی این آیه را چنین ترجمه می کنند: «در تاکستان، گیاهی از نوع دوم نخواهی کاشت؛ والا ممکن است همه در آن واحد مقدس شود، هم آنچه کاشته ای و هم محصول تاکستانت».

بکارت را نیافتم. - اما این است نشانه های بکارت دختر من. » و ایشان پارچه^p را در مقابل مشایخ پنهن خواهند کرد.^{۱۸} مشایخ این شهر، مرد را خواهند گرفت و او را تنبیه خواهند کرد؛^{۱۹} بر او جرمیه ای معادل یکصد [مثقال] نقره^q تعیین خواهند کرد که آن را به پدر زن جوان خواهند داد، زیرا به حیثیت یک باکره اسرائیل اهانت کرده است. و او زن وی خواهد شد؛ آن مرد نمی تواند در تمام عمرش او را طرد کند.^{۲۰} اما اگر این امر درست باشد، و اگر نزد زن جوان نشانه های بکارت را نیافته باشند،^{۲۱} زن جوان را به سوی در خانه پدرش بپرون خواهند آورد؛ مردان شهرش او را با سنگها سنگسار خواهند کرد و او خواهد مرد، زیرا با زنا کاری در خانه پدرش، در اسرائیل مرتکب حماقت شده است. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.^{۱۳}

احکام مربوط به زنا

^{۲۲} چون مردی را بیابند که با زنی متأهل خوابیده باشد، هر دو خواهند مرد، مردی یو:۵ که با آن زن خوابیده، و همچنین آن زن. بدینسان بدی را به بپرون از اسرائیل ۶:۱۳ خواهی رفت.

آن، چیزی مقدس اعلام گردد، هم دانه ای که کاشته ای و هم محصول تاکستانت.^{۱۰}
^{۱۱} پارچه ای مختلط، پشم و کتان، لاؤ^{۱۹:۱۹} نخواهی پوشید.

ریشه ها بر جامه

^{۱۲} در چهار گوشه دامن جامه خود که اعد ۱۵:۳۷؛ ۳۹:۳۷؛ خوبشتن را با آن می پوشانی، ریشه ها برای مت ۵:۲۳ خود بساز ». .

در باب بکارت^m

^{۱۳} چون مردی، بعد از گرفتن زنی و رفتن به سوی او، شروع کند به نفرت داشتن از اوⁿ،^{۱۴} و به او خطاهای تخیلی نسبت دهد و به حیثیت او اهانت کند، اگر بگوید: «من این زن را گرفتم و وقتی به او نزدیک شدم، نزد او نشانه های بکارت را نیافتم»،^{۱۵} پدر زن جوان و مادرش نشانه های بکارت او را بر خواهند داشت و آنها را در مقابل مشایخ شهر، بر دروازه، عرضه خواهند نمود.^{۱۶} پدر آن زن جوان به مشایخ خواهد گفت: «من دختر خود را به این مرد به زنی دادم، اما او از او نفرت دارد،^{۱۷} و اینک به او خطاهای تخیلی نسبت می دهد و می گوید: نزد او نشانه های

تمام این احکام در چارچوب جامعه ای قرار دارد که در آن، برقراری مرد امری پذیرفته شده تلقی می گردد (ر.ک. توضیح ۱۵:۲۱). هدف این احکام این است که منازعات بر سر موضوع زن را به شکلی منصفانه میان مردان حل کند.

ⁿ ر.ک. ۱۵:۲۱ و توضیح.

^۰ تحتاللفظی: «برخواهند داشت و بکارت زن جوان را عرضه خواهند داشت»: منظور پارچه ای است که در آیه ۱۷ به آن اشاره شده است.

^p پارچه ای که زن و مرد روی آن خوابیده اند (ر.ک. خروج ۲۶:۲۲).

^q تحتاللفظی: «صد نقره». جرمیه بر اساس سکه نقره تعیین نشده (چون در آن زمان هنوز وجود نداشت)، بلکه بر اساس وزن فلز خالص.

[مثقال] نقره^۱ به پدر دختر جوان خواهد داد، او زن وی خواهد شد، زیرا در حق وی ستم کرده است؛ او نخواهد توانست در تمام عمرش وی را طرد کند.

^{۲۳} مرد، زن پدر خود^۲ را نخواهد گرفت و دامن [عبای] پدر خود را بلند نخواهد کرد.^۳

اخراج شدگان از جماعت

آن کس که بیضه هایش قطع شده یا آلتش بریده شده، وارد جماعت یهوه^۴ نخواهد شد.

^۳ حرام زاده^۵ وارد جماعت یهوه نخواهد شد؛ حتی تا نسل دهم نیز وارد جماعت یهوه نخواهد شد.

^۴ عمومنی و موآبی وارد جماعت یهوه^۶ نخواهند شد؛ حتی تا نسل دهم وارد جماعت یهوه نخواهند شد، [و این] برای همیشه؛^۷ چرا که با نان و آب به استقبال شما نیامدند، آن گاه که در راه بودید،^۸ به هنگام خروجتان از مصر، و چرا که [موآبی] برای لعن کردن تو، بلعام پسر بعور، از فتور در آرام-نهراییم را بر علیه تو اعد^۹ اجبر کرد.^{۱۰} اما یهوه، خدايت، نخواست به

^{۱۳} چون دختر جوان و باکره ای به مردی نامزد شده باشد و مردی در شهر به او بر خورد و با او بخوابد،^{۱۴} هر دو را به دروازه این شهر بیرون خواهید آورد، و ایشان را با سنگها سنگسار خواهید کرد و ایشان خواهند مرد؛ دختر جوان به خاطر اینکه در شهر فریاد بر نیاورد، و مرد به خاطر اینکه به زن همسایه اش ستم کرده است. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.^{۱۵} اما چنانچه مرد در صحراء آن دختر جوان و نامزد شده بر خورد و او را بگیرد و با او بخوابد، فقط مردی که با او خوابیده خواهد مرد؛^{۱۶} و با دختر جوان کاری نخواهی کرد؛ برای دختر جوان گناهی نیست که سزاوار مرگ باشد. زیرا مانند این است که مردی بر علیه همسایه اش بر خیزد و او را بکشد؛ مورد همان است،^{۱۷} زیرا به او در صحراء بر خورده است: دختر جوان و نامزد شده فریاد کرده، و کسی برای کمک نبوده است!^{۱۸} چون مردی به دختر جوان و باکره ای بر خورد که نامزد نشده، و او را به زور بگیرد و با او بخوابد و ایشان را غافل گیر کنند،^{۱۹} مردی که با او خوابیده، پنجاه

^۱ تحتاللفظی: «پنجاه نقره» (ر.ک. آیه ۱۹). این جزئیه تنها نصف آن چیزی است که در آیه ۱۹ پیش بینی شده. آن خطای بزرگتر محسوب می شود که به حیثیت پدر لطمہ وارد سازد چرا که او حافظ و ضامن سلامت و پاکدامنی دخترش می باشد.

^۲ منظور یکی از زنان پدر شخص می باشد که مادر خود او نیست.

^۳ ر.ک. ۲۰:۲۷. این می تواند اشاره ای باشد یا به حرکتی که شوهر به واسطه آن، متعهد به محافظت از زنش می گردد (ر.ک. روت ۹:۳؛ حرق ۸:۱۶)، یا به ممنوعیت زنای با معابر در لاو^۴ («کشف کردن عربانی»).

^۵ کلمه ای که در عبری به کار رفته، «ممزر» می باشد. این کلمه انتقام‌الدلالت دارد بر فرزندی که از رابطه ای نامشروع به وجود آمده (ر.ک. زک ۶:۹). سنت یهودیان حکم را اطلاق داده به فرزندان ازدواج یک مرد یهودی با زنی بیگانه (مطابق نج^۶ ۲۵، ۲۴) ۲۵:۲۳:۱۳).

^۷ این حرکت نشانه ای است از رسوم میهمان نوازی (ر.ک. پید ۱۸:۴-۵). این اشاره تاریخی در خصوص همسایگان اسرائیل بسیار سخت گیرانه تراست از روایت ۹:۲ ۲۳- که در آن، اسرائیل از سوی خدا دستور می یابد که در سرزمینهای عموں و موآب توقف نکند.

داشت، و وقتی در بیرون بر پاشنه می نشینی، از آن برای حفر کردن استفاده خواهی کرد؛ سپس برخواهی گشت و مدفوع خود را خواهی پوشانید.^{۱۵} زیرا یهُوهُ، خدایت، در میان اردوگاه تو راه می رود تا تو را محافظت کند و دشمنانت ^{۴:۲۰} را به دست تو بسپارد؛ پس اردوگاه تو مقدس خواهد بود، تا نزد تو چیزی ^{۶:۷} تکان دهنده نبیند؛ مبادا از تو رو گرданد.

برده فراری

^{۱۶} برده ای را که از پیش اربابش نزد تو فرار کرده، به اربابش خواهی سپرد.^{۱۷} او با تو ساکن خواهد شد، نزد تو، در مکانی که انتخاب کند^X، در یکی از دروازه های که در آن احساس راحتی کند؛ خروج ^{۲۰:۲۲} او را آزار خواهی داد.

روسپیگری مذهبی

^{۱۸} در میان دختران اسرائیل روسپی هو^{۱۴:۴} بید^{۲۱:۳۸} هم^{۲۲:۲۱} مذهبی خواهد بود، و در میان پسران اسرائیل مرد روسپی مذهبی خواهد بود.^{۱۹} ^{۱۲:۱۴} ^{۲۴:۱۳} به خانه یهُوهُ، خدایت، برای هر نذری که باشد، اجرت روسپی ^{۲:۲۳} ^{۷:۲۳} ^{۱:۳۶} یا ایوب ^{۱۴:۳۶}

بلعام گوش دهد، و یهُوهُ، خدایت، لعنت را به برکت تغییر داد، زیرا یهُوهُ، خدایت، تو را دوست می دارد.^۷ در پی کامیابی ایشان ^{۳۷:۴} خواهی بود، و نه سعادت ایشان، تا آن زمان که زنده ای، تا ابد.

^۸ ادومی^W را نفرت انگیز خواهی شمرد، زیرا او برادر تو است. مصری^X را نفرت انگیز خواهی شمرد، زیرا که در سرزمین او مهاجر بودی.^۹ پسранی که برای ایشان زاده خواهند شد، در نسل سوم، وارد جماعت یهُوهُ خواهند شد.

پاکی اردوگاه

^{۱۰} چون برعلیه دشمنانت به جنگ می روی، خود را از هرجیز بد نگاه خواهی داشت.^{۱۱} چون نزد تو مردی باشد که پاک نیست، در اثر حادثه ای شبانه، او به بیرون از اردوگاه خواهد رفت و به درون اردوگاه برخواهد گشت؛^{۱۲} بلکه در عطف شب، در آب استحمام خواهد کرد، و به هنگام غروب خورشید، به درون اردوگاه وارد خواهد شد.^{۱۳} گوشه ای بیرون از اردوگاه خواهی داشت، و بیرون، به آنجا خواهی رفت.^{۱۴} در تجهیزات خود، کلنگی کوچک خواهی

^W طبق سنت، ادومیها اعقاب عیسو می باشند (پید ۳۶)؛ لذا ایشان «برادر» هستند (ر.ک. ۴:۲) و به اسرائیل نزدیکتر می باشند تا عمّونی ها و موآبی هایی که اعقاب لوط هستند (پید ۳۸-۳۰:۱۹).

^X علی رغم خاطرات تلخ برده کی در مصر، کتاب تشیه تا آنجا پیش می رود که می پذیرد مصریان، همچون ابزاری برای تحقق نقشه الهی در گذشته، می توانند جایگاهی در میان قوم برگزینده داشته باشد (ر.ک. اش ۲۴:۲۵-۲۵).

^{*} این نحوه بیان مشابه است با نحوه بیانی که در تث ۱۲، به معبد اشاره می کند. ^{۱۵} در خاور نزدیک باستان، باروری زمین (مؤنث) از سوی یکی از خدایان (مذکور) نقشی حیاتی ایفا می کرد. «روسپیگری مذهبی» در این شرایط، عملی عبادتی بود که به واسطه آن، انسانها موضوع باروری زمین را تقلید می کردند و خدایان را به انجام آن ترغیب می نمودند. کتاب تشیه این رسوم را به کلی رد می کند و آن را هم انحراف و فساد جنسی می شمارد و هم اقدام به دست بردن در قدرت الهی.

خوارک رهگذر

^{۱۵} چون وارد تاکستان همسایه ات شوی،
۲۱-۱۹:۲۴
می توانی از انگورها به میل خود بخوری، تا
آنجا که سیر شوی، اما از آن در سبدت
نخواهی گذارد.^{۱۶} چون وارد گندمهای
رسیده همسایه ات شوی، می توانی خوشها مت ۱۲:۱۰ موائزی
را با دست بچینی، اما داس را بر گندمهای
رسیده همسایه ات تکان نخواهی داد.

گنویعت ازدواج مرد با زن خود که قبلًا طلاق داده

^{۱۷} چون مردی زنی بگیرد و او را به
^{۲۴} نکاح در آورد، اگر واقع شود که
این زن در نظر او التفات نیابد زیرا او در
وی چیزی تکان دهنده^b بیابد، برای وی
طلاق نامه ای خواهند نوشته و به دست وی
خواهد داد و او را از خانه خود بیرون اش ۱:۵۰؛
ار ۱:۴؛
مت ۳:۱۹-۹ موائزی^c خواهد کرد.^{۱۸} وقتی آن زن از خانه او
بیرون رفت، چنانچه به مرد بگیری تعلق
یابد،^{۱۹} و این مرد دوم شروع کند به نفرت
کردن از او^{۲۰} و برای او طلاق نامه ای
بنویسد و آن را به دست او بدهد و از
خانه اش بیرون کند؛ یا چنانچه این مرد دوم
که وی را به زنی گرفته، بمیرد،^{۲۱} شوهر
اولش که وی را بیرون کرده، نخواهد هو ۳-۱:۳.

دستمزد سگ^{۲۲} را داخل نخواهی
ساخت؛ زیرا هر دو برای یهُوه، خدایت،
۲۵:۷ امری نفرت انگیز است.

وام با بهره

^{۲۰} به برادرت با بهره وام نخواهی داد:
بهره نقره، بهره خوراکی، بهره برای هر چه
خروج ۲۴:۲۲ که در مقابل وام (همچون) بهره گرفته
می شود.^{۲۱} به خارجی می توانی با بهره وام
۳:۱۵ بدھی، اما به برادرت، با بهره وام نخواهی
داد، تا یهُوه، خدایت، تورا در تمام اقدام
دستت برکت دهد، در سرزمینی که وارد
می شوی تا به مالکیت در آوری.

وفای نذر

^{۲۲} چون نذری برای یهُوه، خدایت،
بکنی، در وفای آن تأخیر مورز؛ و گرن،
یهُوه، خدایت، در حساب خواستن از تو
اعد ۳:۳-۴: ج ۵:۱؛
امث ۲:۵؛
مز ۱:۱۳-۶:۶ موائزی^a تأخیر نخواهد ورزید، و در تو گناهی خواهد
بود.^{۲۳} اگر از نذر کردن خودداری کنی، در
۳۳:۵ تو گناهی نخواهد بود.^{۲۴} آنچه از لبهایت
بیرون می آید، آن را رعایت کرده، به عمل
خواهی آورد، مطابق آنچه برای یهُوه،
خدایت، نذر کرده ای، همچون هدیه
داوطلبانه که به دهانت بیان کنی.

^{۲۳} توازی این آیه با آیه ۱۸، حاکی از آن است که خود را به روپیگری مذهبی سپرده است. این تنها بخشی از مهدعتیق است که از این کلمه در این معنا استفاده کرده است. بعدها یهودیت آن را برای اشاره به بت پرستان به کار می برد (ر.ک. مت ۱۵:۲۶-۲۷) و پولس از آن برای اشاره به برخی از دشمنان کلیسا استفاده می کند (ر.ک. توضیح فیل ۲:۳).

^a تحتاللفظی: «از آن در امیباد خود نخواهی گذاشت».

^b تحتاللفظی: «یک امر عربانی». این اصطلاح قضایی و فنی، احتمالاً دلالت دارد بر مُنهیات لاو ۱۸.

^{b*} شریعت فرض را بر این می گیرد که این رسم را همه می شناسند و در اینجا صرفاً به بررسی موردی خاص و دشوار می پردازد. طلاق و الزام به دادن گواهی ای کتبی به زن، امری است پذیرفته شده که در هیچ جای کتاب مقدس، حکمی صریح در مورد آن نیامده است.

^c ر.ک. توضیح ۲۱:۱۵.

دزد خواهد مرد. بدینسان، بدی را از نزد ۶:۱۳ خود خواهی رفت.

دستوراتی در مورد جذام
^۱ مراقب باش که به هنگام (بروز) زخم جذام، تمام آنچه را که کاهنان-لاویان برای لاؤ ۱۴-۱۳ داشتند داد، به دقت رعایت شما توضیح خواهند داد، که عمل آورید؛ مراقب خواهید بود که مطابق آنچه به ایشان امر کرده ام عمل نماییم. ^۹ به یاد آور آنچه را که یهوه، خدایت، به مریم کرد، آن گاه که در راه اعد ۱۰:۱۲ بودید، به هنگام خروجتان از مصر.

حکم در مورد گرویی (دباله) ۶:۲۴
^{۱۰} چون به همسایه ات هر نوع وامي

می دهی، برای سستاندن گرویی اش وارد ۸:۲۲ عاخانه او نخواهی شد. ^{۱۱} در بیرون خواهی ایستاد، و شخصی که به او وام می دهی، گرویی را به بیرون خواهد آورد. ^{۱۲} اگر مردی فقیر باشد، با نگاه داشتن گرویی اش، نخواهی رفت تا بخوابی؛ ^{۱۳} باید این گرویی را به هنگام غروب آفتاب به او پس بدهی، تا در عبای خود بخواهد و تو را برکت دهد، و این در حضور خروج ۲۵:۲۲-۲۶:۲۵. ^{۱۴} یهوه، خدایت، برای تو [عمل] عدالت خواهد بود*.

^d زنی که طلاق داده شده، به خودی خود ناپاک نیست (چرا که ازدواج دوم او منع نشده): او فقط نسبت به شوهر اول خود ناپاک است. ریشه چنین ممنوعیتی احتمالاً برداشت‌هایی است که در مورد تقسیم رایج بوده (این برداشت که رابطه با شوهر دوم، باعث بدشگون شدن بازگشت زن به شوهر اول خود می شود). اما مهم تراز همه، این حکم مفهومی اجتماعی دارد، به این معنا که این ممنوعیت باعث می شود که طلاق دادن زنان را سیک نگیرند، زیرا می دانند که تغییر عقیده ممکن نخواهد بود.

^e «آدم ربایی» جرمی مهم به شمار می آید و برای آن مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. این نکته حکم «ده گفتار» را (۱۹:۵) بسط می دهد. در پیرامون این حکم درخصوص آدم ربایی، چندین حکم دیگر ذکر شده که به حقوق انسانی مردمان مربوط می شود، نظیر وام در مقابل بهره (۲۱-۲۰:۲۳) مقرراتی به نفع فقیران (۲۲:۱۷-۲۴) و موضوع گرویی (۶:۲۴). ^{۱۵}

^f چنین شیوه بیانی یادآور سخنی است که به ابراهیم گفته شد (پید ۶:۱۵).

توانست او را بار دیگر بگیرد تازن او شود، پس از آنکه وی خود را ناپاک ساخته باشد^d: این در مقابل یهوه امری ۲۵:۷ نفرت انگیز می باشد، و تو نباید سرزمینی را که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد، به گناه بکشانی.

معافیت تازه داما

^۵ چون مردی به تازگی زنی گرفته باشد، او به لشکر نخواهد رفت، و بر او هیچ باری ۲۰:۲۰ تحمیل نخواهد کرد، و او برای ۲۰:۱۴ خانواده اش به مدت یک سال [از همه چیز] معاف خواهد بود، وزنی را که گرفته، خوش خواهد ساخت.

حکم در مورد گرویی

^۶ هر دو سنگ آسیاب را به گرو نخواهد گرفت، و نه حتی سنگ آسیاب بالای را، زیرا این به منزله گرو گرفتن خود زندگی است.

ربودن مرد اسرائیلی^e

^۷ اگر از میان بني اسرائیل، مردی یافت شود که یکی از برادران خود را از میان خروج ۱۶:۲۱ پسران اسرائیل ربوده باشد، و با او بدرفتاری کرده یا او را فروخته باشد، این

داشتن آن باز نخواهی گشت؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه زن خواهد بود، تا یهوده، خدایت، تورا در تمامی اعمال دستت برکت دهد.^{۲۰} چون درخت زیتونت را تکان می‌دهی، پس از خودت بار دیگر [در شاخه‌ها] عبور نخواهی کرد؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه زن خواهد بود.^{۲۱} چون تاکستان را خوش‌چینی می‌کنی، پس از خودت خوش‌های را نخواهی چید؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه زن خواهد بود.^{۲۲} به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر برده بودی؛ به همین سبب است که تورا امر می‌کنم که به این شیوه عمل نمایی.

قواعد انصاف برای داوران

^۱ چون مردان منازعه‌ای داشته باشند **۲۵** و خود را به محکمه معرفی کنند، بر

ایشان داوری خواهند کرد، و حق را به حق دار خواهند داد و خطرا را به خطاکار.^۲ و چنانچه خطاکار سزاوار ضربه باشد، داور او را بر روی زمین خواهد خواباند و در مقابل خود، حکم خواهد داد که او را بزنند، به تعداد ضربه‌هایی که متناسب با خطاهایش باشد.^۳ حکم خواهد داد تا چهل ضربه بر او ^{۲۴:۱۱} قرن ^{۲۰:۱۸:۱۶} ایشان را بزنند، نه بیشتر، مبادا که اگر با ضربه‌های دیگر و بیش از این ضربه بزنند^h، برادرت در نظرت سرافکنده گردد.

۱۴:۲۱ حرمت مزدور

^{۱۴} از مزدور فقیر و تنگدست بهره کشی نخواهی کرد، خواه یکی از برادرانت باشد، خواه یکی از غریبانی که در سرزمین تو هستند، در دروازه‌های تو.^{۱۵} دستمزد او را در همان روز [به او] خواهی داد؛ خورشید بر این [دستمزد] غروب نخواهد کرد، چرا که فقیر است و با بی صبری منتظر آن ^{۱۶:۱۹:۱۹} ایوب ^{۴:۳۹:۳۱} می‌باشد؛ بدینسان بر علیه تو نزد یهوده فریاد بر نخواهد آورد، و در تو گناهی نخواهد بود.

مسئولیت فردی

^{۱۶} پدران برای پسران کشته نخواهند شد، و پسران برای پدران کشته نخواهند شد؛ هر کس به سبب گناه خودش کشته نخواهد شد.^f

مقرراتی به نفع فقیران

^{۱۷} حق غریبه را منحرف نخواهی ساخت، و نه حق یتیم را^g؛ و جامه بیوه زن را به گرو نخواهی گرفت.^{۱۸} به یاد خواهی آورد که در مصر برده بودی و یهوده، خدایت، تورا از آن رهایی بخشید؛ به همین سبب است که تورا امر می‌کنم که به این شیوه عمل نمایی.

^{۱۹} چون مرز عهات را درو کنی، اگر بافه‌ای را در مزرعه از یاد ببری، برای بر

f در اینجا اصل مهمی در خصوص قوانین جزایی می‌یابیم که در نقطه مقابله آن رسم بدوى است که طبق آن، اغلب خانواده را نیز به همراه مجرم تشیه می‌کردند (ر.ک. بوش ۲۴:۷-۲۵). این حکم که مربوط به مسئولیت جزایی شخصی می‌شود، با تأکیدی بیشتر، از سوی حرقیال تأیید شده است (حرق ۲۰-۱:۱۸).

g قرائت عبری: «غریبه ای یتیم». ما در اینجا از ترجمه‌های قدیمی تبعیت کرده‌ایم.

h می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «مبادا اگر به زدن ضربات بیشتر ادامه دهند، جراحی سخت وارد آید».

و بگوید: «مرا پسند نمی‌آید که او را بگیرم»،^۹ زن برادرش در مقابل چشمان مشایخ، به سوی او جلو خواهد رفت، صندل پای او را بر خواهد کنند و بر صورتش آب دهان خواهد انداخت و رشته سخن را به دست گرفته، خواهد گفت: «این چنین کنند با مردی که خانه برادر خود را بنا نکنند!»^{۱۰} و نامی که در اسرائیل او را با آن خواهند خواند، خواهد بود: خانه پا بر همه.

ضریبه ممنوعه در دعواها

۱۱ چون مردان با یکدیگر ^k دعوا کنند، و زن یکی از ایشان نزدیک شود تا شوهر خود را از دست کسی که او را می‌زند رهایی دهد، و دست خود را جلو ببرد و این شخص را از قسمت‌های شرم آورش بگیرد،
۱۲ دست این زن را قطع خواهی کرد:
چشمت بدون ترحم خواهد بود.¹

درستکاری در تجارت

۱۳ در کیسه‌ات دو نوع وزن ^m نخواهی داشت، یکی بزرگ و یکی کوچک؛ ۱۴ در میک: ۱۰-۱۱ در عای: ۵-۶ در امش: ۱۱-۲۰ در لاو: ۳-۵ در ۳۶-۳۷

که هنگام درو، خوش‌هایی را که کوتاه بریده شده‌اند، در خرمگاه جمع می‌کنند و گاو یا الاغی را در آن به حرکت و ای دارند که آنها را به مازویی می‌بندند تا داه ها از پوست ببرون بیایند (ر.ک. اش ۲۸:۲۸). منظور این است که مانع نشوند که حیوان به هنگام کار، داه ها را بخورد. همین شفقت را در مورد حیوانات، در ۷-۶ (۴:۲۲) مشاهده می‌کیم. پولس رسول از این حکم استفاده می‌کند تا بگوید خادم حق دارد دستمزدش را دریافت کند (۱-قرن ۹:۹-۱-تیمو ۵:۱۸).

لکلمه عربی «یابام» که مذکور است و در اینجا به کار رفته، دلالت دارد بر خوشی نزدیک که اختیالاً منحصر به برادر شوهر (مانند مورد این بخش) نمی‌شود. حالت مؤنث همین کلمه را برای اشاره به زن برادر استفاده می‌کنند (آیه ۷ و روت ۱:۱۵؛ آیه ۷ و ۵)؛ همچنین از شکل فعل همین کلمه استفاده می‌شود تا عمل انجام این وظیفه توصیف شود (آیات ۵ و ۷). موردي مشابه در پيد ۸-۶:۳۸ ذکر شده است. در روت ۴:۵-۶، حق برادر-شوهری مرتبط شده به حق بازخرید میراث.

k تحت الفظی: «مردی و برادرش». این برادر می‌تواند یا برادر واقعی خود شخص باشد (ر.ک. آیه ۵)، یا یک اسرائیلی دیگر (ر.ک. ۱:۲۲؛ ۱:۲۳؛ ۴:۲؛ ۷:۷).

۱ این دستور مربوط است به حرمت امور جنسی و تابوهای مربوط به آن. این تنها موردی است در عهد عتیق که در آن مجازات قطعی عضو تجویز شده، امری که نزد اقوام مجاور نسبتاً متداول بوده است.

m تحت اللفظی: «سنگ و سنگ». برای فروش کالا، آن را با ترازو وزن می کردند، اما نقره ای را که با آن وجه را می پرداختند نیز وزن می کردند؛ به همین دلیل، این وسوسه وجود داشت که برای این دو عمل، از دو وزن متفاوت استفاده کنند.

گاو در خرمنگاه

﴿کاو را وقتی [دانه ها را] لگدمال
می کند، پوزه بند مبند!﴾

رسم برادر-شوهری

۵ چون برادرانی با یکدیگر ساکن باشند و یکی از آنان بدون داشتن پسری بمیرد، روت: ۴؛ ۱۸-۲۷ موزایی زن شخص متوفی نمی تواند در بیرون، به ۱۴:۹ یک بیگانه تعلق یابد؛ برادر شوهرش ^۶ به سوی او خواهد رفت و او را به زنی خواهد گرفت و در حق او وظیفه برادر-شوهری را به جا خواهد آورد. ^۷ و نخست زاده ذکوری که آن زن بزاید، نام برادر متوفی را خواهد گرفت؛ بدینسان نام او از اسرائیل زدوده ۱۴:۹ نخواهد شد. ^۸ اما چنانچه این مرد را پسند نیاید که زن برادر خود را بگیرد، زن برادرش به دروازه، به سوی مشایخ بر خواهد آمد و خواهد گفت: «برادر شوهر من از حفظ کردن نام برادرش در اسرائیل سر باز می زند و نمی خواهد در حق من وظیفه برادر-شوهری خود را به جا آورد.» ^۹ مشایخ شهرش او را فرا خوانده و با او سخن خواهند گفت. چنانچه او اصرار ورزد

۲۹۰

اهدای نوبتها. اعتراف ایمان

۲۶ ^۱ پس چون وارد سرزمینی شوی که
یهُوهُ، خدایت، به تو به میراث
می دهد، وقتی آن را مالک شوی و در آن
سکونت گزینی، ^۲ نوبتها تمامی میوه های
زمین را که از سرزمینت که یهُوهُ، خدایت ^{۴:۱۸}
به تو می دهد، بر خواهی داشت؛ آنها را در
زنبلی خواهی گذارد و به مکانی که یهُوهُ، ^{۵:۱۲}
خدایت، انتخاب خواهد کرد تا نامش را در
آن ساکن سازد، خواهی رفت. ^۳ نزد کاهنی
که در آن ایام خواهد بود خواهی رفت، و به
او خواهی گفت: «امروز به یهُوهُ، خدایت ^۵،
اعلام می دارم که وارد سرزمینی شده ام که
یهُوهُ برای پدرانمان سوگند یاد کرد که به
ما بدهد». ^۴ کاهن زنبیل را از دست
دریافت خواهد داشت و آن را در مقابل
قریانگاه یهُوهُ، خدایت، خواهد گذارد. ^۵ تو
رشته سخن را به دست خواهی گرفت و در
حضور یهُوهُ، خدایت، خواهی گفت^P:
«پدرم آرامی سرگردانی ^۹ بود، و با ^{۱۰}
مردمانی اندک به مصر فرود آمد و در آنجا
همچون غریبه زندگی کرد؛ در آنجا او ملت
بزرگی شد، نیرومند و کثیر. ^۶ مصریان با ما

خانه ات دو نوع ایفهⁿ خواهی داشت، یکی
بزرگ و یکی کوچک. ^{۱۵} وزنی دقیق و
درست خواهی داشت؛ ایفه ای دقیق و
درست خواهی داشت، تا روزهایت بر
زمینی که یهُوهُ، خدایت به تو می دهد،
۴۰:۴ طولانی شود؛ ^{۱۶} زیرا هر کس چنین کند،
برای یهُوهُ نفرت انگیز می باشد، هر آن کس
۲۵:۷ که مرتكب بی عدالتی شود.

محکومیت عمالیقیان

^{۱۷} به یاد داشته باش آنچه را که عمالیق
به تو کرد، آن گاه که در راه بودید،
به هنگام خروجتان از مصر، ^{۱۸} که چگونه در
راه به تو بر خورد و راه فرار را به روی
جمعی لنگان نزد تو که در پشت بودند
بست، حال آنکه تو درمانده و خسته بودی؛
و او از خدا نترسید! ^{۱۹} پس وقتی یهُوهُ،
خدایت، در سرزمینی که یهُوهُ، خدایت، به
تو به میراث می دهد تا آن را مالک شوی،
تورا از جانب تمامی دشمنان پیرامونت
استراحت بخشید، یاد عمالیق را از زیر
آسمانها خواهی زدود؛ فراموش خواهی
خروج ^{۱۴:۱۷} کرد!

ⁿ تحت اللفظی: «ایفه و ایفه». ایفه واحد حجم بود برای غلات (معادل حدود چهل لیتر).

^۰ ترجمه یونانی چنین آورده: «یهُوهُ، خدایم».

^P در برخی از سرزمینهای خاور نزدیک باستان، هر ساله به مناسبت برداشت محصول، جشنی به افتخار بعل، خدای باروری و گیاهان، برگزار می کردند. کتاب تنتیه روح این جشن را تغییر می دهد؛ اعترافی ایمانی نیز که در آن ذکر شده، متوجه است بر عمل الهی در رویدادهای تاریخی، خصوصاً رویدادهای مربوط به دوره ای شکوهمند که همانا دوره خروج باشد. متون مشابه را می توان در یوش ۲:۲۴؛ مز ۱۰:۵؛ ۱۳:۲-۲:۲۴؛ مز ۱:۱۰:۵؛ (و در دوره های بعدی) یهودیه ۵:۶-۶:۱۹ یافت (نیز ر.ک. فرمولهای موحرزتر در تث ۲:۲۱-۲:۲۳؛ ۳:۱۱ و ۱:۶-۳:۱۱؛ ۸:۱۲ و ۱:۱۱-۲:۲۳).

^۱ در اینجا شاید منظور یعقوب، نبی اسرائیل باشد که در اینجا، «aramی» خوانده شده است، مانند نیاکانش در پید ۲۰:۲۵؛ ۲۰:۳۱؛ ۵:۲۸-۲۰. کلمه ای که در اینجا «سرگردان» ترجمه شده، به طور تحت اللفظی به معنی «آواره» یا «گمشده» می باشد، مانند گوسفند «گمشده» در بیان (همین کلمه در ار ۶:۵۰؛ حرق ۳:۳۴، ۱۶؛ مز ۱:۱۷۶؛ ر.ک. ۶-۴:۱۵) به کار رفته است).

«آنچه را تقدیس شده می باشد از خانه خود زدوم و آن را به لاوی، به غریبه، به یتیم و به بیوه زن دادم، مطابق تمام حکمی که تو به من امر کردی؛ از هیچیک از احکام تو تخطی نورزیده ام و از آن چیزی فراموش نکرده ام.^{۱۴} از آن در طول سوگواری ام نخوردم، و زمانی که ناپاک بودم چیزی از آن نزدودم، و از آن چیزی به مرده ندادم^{۱۵}؛ به صدای یهُوه، خدایم، گوش فرا دادم، و مطابق هر آنچه مرا امر فرمودی به عمل آوردم.^{۱۶} از مسکن مقدس خم شو، از بالای آسمانها، و قوم خود، اسرائیل را برکت ده، و نیز زمینی را که به ما داده ای، مطابق آنچه برای پدرانمان سوگند یاد کردی، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.»

نتیجه: تعهد متقابل خدا و اسرائیل

^{۱۶} در این روز، یهُوه، خدایت، تو را امر می فرماید که این دستورها و این قواعد را به عمل آوری؛ آنها را مرعی خواهی داشت و به عمل خواهی آورد، با تمام دلت و با تمام جانت.^{۱۷} امروز گذشتی که به یهُوه بگوید که او خدایت خواهد بود، و اینکه در طریق های او سلوک خواهی نمود، و دستورها و احکام و قواعد او را رعایت

بدرفتاری کردند و ما را درمانده ساختند و خروج ۱۱:۱ برعما بندگی سخت نهادند.^۷ ما نزد یهُوه، خدای پدرانمان فرباد برآوردهیم، و یهُوه صدای ما را شنید و شوربختی ما را دید، و رنج و ستمکشی ما را.^۸ یهُوه ما را از مصر بیرون آورد، با دستی نیرومند و با بازویی درازشده، با وحشتی عظیم، با نشانه ها و کارهای شگفت انگیز.^۹ او ما را به این مکان رسانید و این سرزمین را به ما داد، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.^{۱۰} و اکنون نوبرهای میوه های زمینی را می آورم که تو ای یهُوه، به من داده ای. آنها را در حضور یهُوه، خدایت، قرار خواهی داد، و در حضور یهُوه، خدایت، سجده خواهی نمود.^{۱۱} تسو، لاوی، و غریبه ای که نزد تو خواهد بود، از تمامی مواهبی که به یهُوه، خدایت، می دهی، تو و ۱۸:۱۰ خانه ات، شادی خواهید کرد.

ده یک سه ساله

^{۱۲} چون از پیش برداشت کردن تمامی ۲۹-۲۸:۱۴ ده یک درآمدت فارغ شوی، در سال سوم که سال ده یک است، و آن را به لاوی، به غریبه، به یتیم و به بیوه زن داده باشی تا در دروازه هایت از آن بخورند و سیر شوند، ^{۱۳} در حضور یهُوه، خدایت، خواهی گفت:^{۱۴}

۱ هدف این اظهارات که در پرستشگاه بیان می شود («در حضور یهُوه»)، حصول اطمینان از تقدیس و تحقق علنی عملی است که در نهان انجام می شود، زیرا ده یک قبلاً، بدون نظارت کاهان، پیش برداشت شده و در روستاهای توزع شده بوده است.
۲ شخص ایماندار با بیان این سه فرمول، تأیید می کند که از اجرای برخی رسوم بت پرستی امتناع ورزیده است، رسومی که نسی تواییم دقیقاً به محضنا و مفهومشان پی ببریم.
۳ در هیچ جای دیگری کتاب مقدس چنین اظهاراتی را نمی یابیم، اظهاراتی که هر یک از طرفین عهد از طرف مقابله دریافت می دارد. عهدی که در اینجا مبتنی است بر مبادله گفته ها، از نظر شکلی حالت قرینه دارد (از نظر مطالبه اظهاراتی از طرف مقابل عهد)، اما از دیدگاهی عملی، مطلقاً قرینه نیستند (از نظر محتوای مطالباتش). این نخستین شکل از آشکال عهدی است که تا پایان فصل ۳۰ مورد تداعی قرار می گیرند.

از تمامی ملت‌های قرار خواهد داد که ساخته است، از لحاظ عزت، از احاط شهرت، و از لحاظ جلال، و اینکه تو قومی مقدس برای یهوه، خدایت، خواهی بود، مطابق آنچه که گفته است.»

خواهی کرد، و به صدایش گوش خواهی سپرده.^{۱۸} و امروز یهوه گذاشت که بگویی که تو قوم خاص او خواهی بود، مطابق آنچه به تو گفته است، و اینکه تمامی احکام او را مرعی خواهی داشت،^{۱۹} و او تو را بالاتر

عهد: جشن و مجازات (۶۸:۲۸ تا ۱:۲۷)

شما امر می‌کنم، بر کوه عیبال^۷ بر پا خواهی داشت و آنها را با گچ خواهی اندود.^۵ در آنجا قربانگاهی برای یهوه، خدایت، بنا خواهی کرد، قربانگاهی از سنگها که بر خروج ۲۵:۲۰ آنها آهن را تکان نداده باشی؛^۶ قربانگاه یهوه، خدایت، را با سنگهای نتراشیده بنا خواهی کرد، و بر روی آن، قربانی‌های سوختنی به یهوه، خدایت، تقدیم خواهی داشت.^۷ قربانی‌های آرامش ذبح خواهی کرد، و در آنجا خواهی خورد و در حضور یهوه، خدایت، شادی خواهی کرد.^۸ سپس بر روی سنگها، تمامی سخنان این شریعت را با حروف بسیار واضح خواهی نوشت.^۹

^۹ موسی^W، به همراه کاهنان-لاویان، به این مضمون با تمام اسرائیل سخن گفت: «ای اسرائیل، خاموش باش و گوش فرا ده!^{۴:۶}

آین بزرگ نیایشی در شکیم^{۱۰}

^{۱۰} موسی، به همراه مشایخ اسرائیل، این حکم را به قوم داد: «تمام حکمی را که امروز به تو امر می‌کنم رعایت نما.^{۲۷} پس در روزی که از اردن به سوی سرزمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد عبور نمایی، برای خود سنگهای بزرگ بر پا خواهی داشت و آنها را با گچ خواهی اندود.^۳ سپس به هنگام عبورت، تمامی سخنان این شریعت را بر آنها خواهی نوشت، تا وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است، مطابق آنچه یهوه، خدای پدرانت، به تو گفته است.

^۴ پس هنگامی که از اردن عبور کنید، این سنگها را مطابق آنچه که امروز آن را به

^{۱۰} این آین نیایش که کتاب تشییه محل آن را شکیم ذکر می‌کند، یعنی بین دو تپه عیبال و جریزیم، احتمالاً شامل این آینیها بود: قربانی‌های عهد، قرائت شریعت (ر. ک. ۱۰:۳۱) و اعلام پرصلابت برکت‌ها و لعنت‌ها.

^۷ متن سامری در اینجا چنین قرائت می‌کند: «روی کوه جریزیم». ظاهر پرستشگاهی قدیمی بر روی کوه عیبال وجود داشته است: به این پرستشگاه در اینجا و در یوشع ۸: ۳۰-۳۲ اشاره شده است. قرن‌ها بعد، به هنگام شفاق میان سامریها و یهودیان (سده چهارم ق.م.)، پرستشگاهی بر کوه جریزیم بنا شد و مکان عبادت سامریان گردید؛ همین امر توجیه کننده ویرایش نسخ سامری می‌باشد. این پرستشگاه از سوی آنتیوخوس اپیفان هتك حرمت شد (۲:۶ مک-۲:۲۶) و بعد به دست یونانی هیرکانوس در سال ۱۱۹ ق.م. ویران گردید. با اینحال، کوه جریزیم مکان مقدس سامریان باقی ماند (ر. ک. ۲۱:۴). امروز نیز جامعه سامریان حیفا و نابلوس هر سال عید گذر را در آنجا جشن می‌گیرند.

^W خطابه کوتاهی که در دنباله این آیه در مورد عهد می‌آید، به شکل تخلی در دهان موسی که از اردن عبور نخواهد کرد و در شکیم حاضر نخواهد بود، گذاشته شده است. لاویان در شکیم وظیفه اعلام عهد را بر دوش خواهند داشت: اما ایشان از هم اکنون نیز این وظیفه را بر عهده دارند (ر. ک. آیه ۱۴).

^{۱۶} ملعون باد آن کس که با پدرش یا

مادرش با خفت رفتار کند!^a- تمامی قوم خروج ۹:۲۰- لاؤ

خواهد گفت: آمین!

^{۱۷} ملعون باد آن کس که حد همسایه خود

را جایه جا کند!- تمامی قوم خواهد گفت:

آمین!

^{۱۸} ملعون باد آن کس که نایینایی را از

راه منحرف سازد!- تمامی قوم خواهد

گفت: آمین!

^{۱۹} ملعون باد آن کس که حق غریبه و يتیم

و بیوه زن را منحرف سازد!- تمامی قوم

خواهد گفت: آمین!

^{۲۰} ملعون باد آن کس که با زن پدر خود

بخوابد، چرا که او دامن [عبای] پدر خود

را بلند کرده است!^b- تمامی قوم خواهد

گفت: آمین!

^{۲۱} ملعون باد آن کس که با هر نوع

حیوانی بخوابد!- تمامی قوم خواهد گفت: خروج ۱۸:۲۲

آمین!

^{۲۲} ملعون باد آن کس که با خواهر خود

بخوابد، دختر پدرش یا دختر مادرش!^c

۹:۱۸- لاؤ

تمامی قوم خواهد گفت: آمین!

^{۲۳} ملعون باد آن کس که با مادر زن خود

بخوابد!- تمامی قوم خواهد گفت: آمین!

۱۷:۱۸- لاؤ

در این روز، تو قوم یهُوه، خدایت، شده ای.

^{۱۰} پس به صدای یهُوه، خدایت، گوش

خواهی سپرد، و احکام و دستورهای او را

که امروز به تو امر می کنم، به عمل خواهی

آورد. »

^{۱۱} موسی در این روز، این حکم را به قوم

داد: ^{۱۲} «اینها هستند آنانی که برای برکت

دادن قوم، بر روی کوه جَرِيزِم خواهند

ایستاد، آن زمان که از اردن عبور کرده

باشید: شمعون، لاوی، یهودا، یساقار،

یوسف و بنیامین. ^{۱۳} اینها هستند آنانی که

برای لعنت، بر روی کوه عیبال خواهند

ایستاد: رئوبین، جاد، اشیر، زبولون، دان و

فتالی.

دوازده لعنت

^{۱۴} الاویان رشته سخن را به دست خواهند

گرفت و با صدایی بلند به تمام مردمان

اسرائیل خواهد گفت: ^{۱۳}

^{۱۵} ملعون باد آن کس که تمثالی یا بتی از

فلز ذوب شده بسازد- امری نفرت انگیز

برای یهُوه، عمل دست صنعت گر- و آن را

در مکانی مخفی بگذارد!- تمامی قوم

۲۵:۷ داور ۳۱:۱۸ پاسخ داده، خواهد گفت: آمین!

۱) اظهاراتی که در بی می آید، یا متن نیایشی قدیمی است، یا نوعی برشماری حکمتی است؛ این اظهارات مطالبات عهد را به شکل فهرستی ازدوازده لعنت عرضه می دارد.

۲) کلمه «آمین» فرمولی است پرصلابت که از فعلی عبری گرفته شده و دلالت دارد بر آنچه که مستحبک و قابل اعتماد است و برای توصیف عمل ایمان به کار می رود (ر.ک. ۱:۲۲؛ اش ۷:۹). از این فعل، کلمات عبری «امت» (راتسی) و «امونه» (وفاداری و امانت) مشتق شده است. گفتن «آمین» در پاسخ به این جملات، به معنی تعهد شخصی و گروهی به عهد

می باشد.

۳) فعل عبری که در اینجا به کار رفته، تداعی کننده چیزی کوچک و استهزا مآمیز می باشد و اغلب در نقطه مقابل «جلال دادن» یا «حرمت کردن» به کار می رود (ر.ک. توضیح خروج ۲۰:۱۲).

۴) ر.ک. توضیح ۲۳:۱. منظور تجاوز به حقوق پدر است.

۵) منظور خواهر ناتی است (ر.ک. لاو ۹:۱۸).

زایش گواانت و فرونی گوسفندانت!
^۵ مبارک خواهند بود زنبیلت و تغارت!^g ۱۷:۲۸
^۶ مبارک خواهی بود وقتی وارد می شوی،
 و مبارک خواهی بود وقتی بیرون ۱۹:۲۸
 می روی!
^۷ یهوه کاری خواهد کرد که دشمنانت که
 بر علیه تو بر می خیزند،
 در برابر^h تو شکست بخورند؛ ۲۵:۲۸
 از یک راه بر علیه تو حرکت خواهند
 کرد،
 و از هفت راه از مقابل تو خواهند
 گریخت!
^۸ یهوه به برکت امر خواهد کرد تا با تو
 باشد،
 در انبارهایت و در هر اقدام دستت؛ ۲۰:۲۸
 او تو را در سرزمینی که یهوه، خدایت،
 به تو می دهد، برکت خواهد داد.
^۹ یهوه تو را برای خود همچون قومی
 مقدس بر پا خواهد داشت،
 مطابق آنچه برایت سوگند یاد کرده^e: ۷
 است،
 چنانچه احکام یهوه، خدایت، را رعایت
 کنی،
 و چنانچه در طریق هایش سلوک نمایی.

^{۲۴} ملعون باد آن کس که در نهان،
 همسایه خود را بزند! - تمامی قوم خواهند
 گفت: آمین!
^{۲۵} ملعون باد آن کس که هدیه ای بپذیرد
 برای زدن و کشتن خونی بی گناه^d! - تمامی
 قوم خواهند گفت: آمین! ۱۷:۱۰
^{۲۶} ملعون باد آن کس که سخنان این
 شریعت را حفظ نکند و آنها را به عمل
 نیاورد! - تمامی قوم خواهند گفت: آمین!^e
 ۱۰:۳۳ ۲۴:۲۳

برکت‌ها و لعنت‌ها

^۱ اما اگر به صدای یهوه، خدایت،
^{۲۸} نیک گوش بسپاری و مراقب باشی
 تا جمیع احکام او را که امروز به تو امر
 می کنم به عمل آوری، یهوه، خدایت، تو را
 بالاتر از تمامی ملت‌های زمین^e قرار خواهد
 داد،^۲ و همه این برکت‌ها بر تو واقع
 خواهند شد و نصیب تو خواهند گردید^f،
 زیرا به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا
 داده ای:
^۳ مبارک خواهی بود در شهر،
 و مبارک خواهی بود در صحراء!^{۱۶:۲۸}
^۴ مبارک خواهد بود شمر شکمت،
 و ثمره زمینت، و ثمره احشامت،^{۱۳:۷}
 لو^{۱۱:۲۸}
 ۴۲:۱

^d تحت اللطفی: «برای زدن حیات خونی بی گناه». ^e کلمه عبری «ارتس» می تواند هم بر «سرزمین» دلالت داشته باشد، و هم بر «تمام دنیا» (ر.ک. ۴۹:۲۸). مشخص نیست که در اینجا آیا مُنظور مردمان سرزمین کیان است (ر.ک. ۱۱-۲۲:۲۴) یا مردم تمام عالم.
^f «برکت‌ها» و «لعنت‌ها» بر حسب اینکه بنی اسرائیل صدای خداوند را بشنوند یا نشنوند، بر ایشان واقع می شود (آیات ۱ و ۱۵ را مقایسه کنید). مجموعه دوم لعنت‌ها از آیه ۴۵ به بعد، این واقعیت را مد نظر دارد که بنی اسرائیل به صدای خداوند گوش فرا نخواهند داد؛ این حالت منجر به بازگشت ایشان به مصر خواهد شد (آیه ۶۸)، و به این ترتیب، تمامیت عمل خروج از مصر «باطل می گردد». این مجموعه را می توان با معاهده آسرحدون، پادشاه آشور، موافی دانست.
^g «زنبل» که در آن محصول زمین را می گذارند (ر.ک. ۲:۲۶) و «تغار» که به کار تخمیر و نگهداری نان می آید، در اینجا تداعی کننده خوارک روزانه است.
^h مُنظور از شکست خوردن دشمنان «در برابر» اسرائیل، می تواند این باشد که ایشان «از» اسرائیل شکست خواهند خورد، یا اینکه ایشان «در برابر چشمان اسرائیل» به دست خداوند شکست خواهند خورد (ر.ک. توضیح ۴:۲۰).

- ۱۶ ملعون خواهی بود در شهر،
و ملعون خواهی بود در صحراء!
۱۷ ملعون خواهند بود زنبیلت و تغارت!
- ۱۸ ملعون خواهد بود شمره شکمت،
و شمره زمینت،
و حمل گاوانت و فزونی گوسفتانت!
- ۱۹ ملعون خواهی بود وقتی وارد می شوی،
و ملعون خواهی بود وقتی بیرون می روی!
- ۲۰ یهُوه لعنت و اضطراب و تهدید را در
هر آنجه که دست اقدام به انجامش
می کند، نزد تو خواهد فرستاد، تا آنجا که از
میان بروی و به ناگاه هلاک شوی، به سبب
بدی اعمالت که به واسطه آنها مرا ترک
- ۲۱ یهُوه طاعون را به تو خواهد
چسایند تا آنجا که تو را از روی زمین قلع و
قمع کند، زمینی که وارد آن خواهی شد تا
مالکش شوی.
- ۲۲ یهُوه تو را با سل و تب و
تورم و تب داغ و خشکی^k و سوزش و آب
جوش خواهد زد و اینها تو را تعاقب خواهند کرد تا آن زمان که هلاک شوی.
- ۲۳ آسمانت بر روی سرت مفرغ خواهد بود، و زمین زیر تو آهن خواهد بود.
- ۲۴ یهُوه باران سرزمینت را به گرد و به غبار تبدیل خواهد ساخت و اینها از آسمان بر تو فرود خواهند آمد تا آنجا که از میان بروی.
- ۲۵ یهُوه کاری خواهد کرد که در برابر دشمنان شکست بخوری؛
- ۱۰ جمیع قوم‌های زمین خواهند دید
که تو را به نام یهُوه می خوانند،
و از تو خواهند ترسید.
- ۱۱ یهُوه تو را از مواحب سرشار خواهد
ساخت، در شمره شکمت، در شمره
احشامت، و در شمره زمینت، بر زمینی که
یهُوه برای پدرانت سوگند خورده که به تو
بدهد.
- ۱۲ یهُوه برای تو گنج نیکوی خود،
آسمان را خواهد گشود تا باران سرزمینت
را در وقتی بدهد و هر عمل دستت را
برکت دهد؛ به ملت‌های بسیار قرض
خواهی داد، و خودت قرض نخواهی گرفت.
- ۱۳ یهُوه تو را در سر قرار خواهد داد، نه در
دُم؛ تو منحصراً در بالا خواهی بود و در
پایین نخواهی بود، اگر به احکام یهُوه،
خدایت، که امروز به تو امر می کنم گوش
فرا دهی، و در عمل کردن به آنها مراقب
باشی،^{۱۴} و اگر از هیچیک از سخنانی که
امروز به شما امر می کنم، نه به راست
منحرف شوی و نه به چپ، و برای خدمت
کردن به سایر خدایان، به دنبال آنها نروی.
- ۱۵ اما چنانچه به صدای یهُوه، خدایت،
گوش فرا ندهی و مراقب نباشی تا تمامی
احکام و فرایض او را که امروز به تو امر
می کنم، همه این لعنت‌ها بر تو واقع
خواهند شد و نصیبت خواهد گردید.^{۱۵}

^{۱۶} این فرمول بیانگر تعلق اسرائیل به خداوند است که اسرائیل را به نام خود نامیده تا ایشان را «قوم خاص» خود سازد. ^{۱۷} تهدیدها در مورد مصائب بسیار گسترده‌تر است از وعده‌ها در مورد سعادت؛ مصائب با اصطلاحاتی توصیف شده‌اند که با اصطلاحات مورد استفاده انبیا قربت بسیار دارد.

^{۱۸} کلمه اصلی عبری، «شمیشیر» است؛ این کلمه نمی‌تواند در این فهرست جایی داشته باشد. لذا با تعبیری در حروف صدادار، «خشکی» قرائت می‌شود. وولگات نیز قبل از چنین کرده است. برخی از مترجمین، به جای «سوزش» و «آب جوش» کلماتی به کار می‌برند که دلالت دارند بر بیماریهای غلات؛ اما چنین چیزی در این مضمون بعيد به نظر می‌رسد.

خواهد بود. ^{۳۳} شمره زمینت و تمام زحمت را قومی که نمی‌شناسی خواهند خورد، و همواره فقط مورد بهره کشی و بدرفتاری ^{:۲۹:۲۸} قرار خواهی گرفت، در تمامی روزها. ^{۳۴} با مشاهده آنچه که چشمانست می‌بینند، دیوانه ^{:۱:۴} خواهی شد. ^{۳۵} یهُوه زانوان و رانهای تورا باز خزمی بد که از آن شفانی توانی بیابی ^{:۲۷:۲۸} خواهد زد، از کف پا تا نوک سرت.

^{۳۶} یهُوه تو و پادشاهت را که بر خود برقرار می‌داری، به سوی ملتی خواهد برد که نمی‌شناختی، نه تو و نه پدرانت، و در ^{:۷:۱۳} آنجا خدایان دیگر را (که) از چوب و سنگ (هستند) خدمت خواهی کرد؛ ^{۳۷} و تو ویرانی و افسانه و استهzaء خواهی شد در ^{:۶۴:۲۸:۲۸:۴} میان جمیع قوم‌هایی که یهُوه تورا به آنجا هدایت خواهد کرد.

^{۳۸} بذرهای بسیار به مزارع خواهی برد، ^{:۶:۱} میک ^{:۱۵:۶} اما برداشت کمی خواهی کرد، چرا که ملخ آن را از میان خواهد برد. ^{۳۹} تاکستانها خواهی کاشت و آنها را پرورش خواهی داد، اما از شراب خواهی نوشید و آن را انبار خواهی کرد، زیرا کرم آنها را نابود خواهد ساخت. ^{۴۰} در تمامی قلمرو خود درختان زیتون خواهی داشت و خود را با روغن آن خواهی اندود، زیرا زیتونهایت خواهند افتاد. ^{۴۱} پیسان و دختران تولید خواهی نمود، اما ایشان از آن تو خواهند بود، چرا که به اسارت خواهند رفت. ^{۴۲} تمامی درختان و میوه زمینت را زنبور مالک خواهد شد. ^{۴۳} غریبه‌ای که در میان تو خواهد بود، بیش از پیش از تو بالاتر ^{:۱۳-۱۲:۲۸}

از یک راه بر علیه او حرکت خواهی کرد، و از هفت راه از مقابل او خواهی گریخت، و برای همه ممالک زمین تبدیل به وحشت خواهی شد. ^{۴۶} جنازه‌ات تبدیل به خوارک ^{:۳۷:۲۸} جمیع پرندگان آسمان و حیوانات زمین خواهد شد، بدون آنکه کسی آنها را ماضطرب سازد.

^{۴۷} یهُوه تورا با زخم مصر خواهد زد، و با دمل‌ها، جرب و زخم پوست، که از آنها خروج ^{:۱:۱۸:۹} نمی‌توانی شفا بیابی. ^{۴۸} یهُوه تورا با دیوانگی و کوری و حماقت دل خواهد زد؛ ^{۴۹} در وسط ظهر کورمال راه خواهی رفت، همان طور که شخص کور در ظلمات کورمال راه می‌رود؛ اقدامات کامیاب خواهد شد؛ همواره فقط مورد بهره کشی و غارت قرار خواهی گرفت، در تمامی روزها، و کسی برای رهایی [تو] نخواهد بود! ^{۵۰} زنی را به نامزدی در خواهی آورد اما دیگری به او تجاوز خواهد کرد؛ خانه‌ای بنا خواهی کرد و در آن ساکن نخواهی شد؛ ^{۵۱} تاکستانی خواهی کاشت و نوبرش را نخواهی داشت.^۱ ^{۵۲} گاوت در مقابل چشمانست سر بریده خواهد شد و از آن خواهی خورد؛ الاغت در مقابل تو دزدیده خواهد شد و به سوی تو باز نخواهد گشت؛ گوسفندانست به دشمنان سپرده خواهد شد، و کسی برای رهایی ات نخواهد بود! ^{۵۳} پیسان و دخترانست به قومی دیگر سپرده خواهند شد؛ چشمانست آن را خواهند دید و تحلیل خواهند رفت و تمامی روز به سوی آنان [کشیده خواهند شد]، و دستت ناتوان

[۱] خانواده، خانه، و تاکستان در اسرائیل، سه عنصر بنیادین برای سعادت به شمار می‌روند؛ همین سه عنصر هستند که باعث می‌شوند شخص از رفتن به جنگ معاف شود.

^{۵۲} او تورا در تمامی دروازه‌های سخت خواهد فشد، تا آنجا که در تمام سرزمینت، بلندترین و مستحکم ترین حصارهایت فرو افتند، حصارهایی که به آنها اعتماد می‌داشتی؛ او تورا در تمامی دروازه‌هایت

در تمام سرزمینت که یهُوهُ، خدایت، به تو می‌دهد، سخت خواهد فشد.^{۵۳}

شکمت، یعنی گوشت پسران و دختران را لاؤ^{۲۶:۲۹}؛
که یهُوهُ، خدایت، به تو می‌دهد خواهی ار^{۲۸:۲۹}؛
خورد، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت تورا به آن مضطرب می‌سازد.

^{۵۴} ظرفی ترین و لطیف ترین مرد نزد تو با اش^{۱۷:۴۷} چشمی بد به برادرش، به زنی که بر

سینه اش خواهد بود، و به بقیه پسرانش که^{۷:۱۳} حفظ خواهد کرد، خواهد نگریست و

خواهد خواست که به هیچیک از ایشان، از گوشت پسرانش که با آنها خود را تغذیه می‌کند بددهد، زیرا برای او چیزی باقی خواهد ماند، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت در تمامی دروازه‌هایت تورا به آن مضطرب خواهد ساخت.^{۵۶}

ظرفی ترین و لطیف ترین زن نزد تو که این خطر را نمی‌کرد که کف پایش را بر زمین بگذارد، آنقدر که لطیف و ظرفی بود، با چشمی بد

به مردی که بر سینه اش خواهد بود خواهد نگریست، و نیز به پسرش و دخترش،^{۵۷} به سبب جفت نوزادی که از پهلوهای او بیرون آمده، و پسری که می‌زاید؛ زیرا آنها را به خاطر نبود چیزی، در نهان خواهد

خورد، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت تورا به آنها در دروازه‌هایت

مضطرب خواهد ساخت.^{۵۸} اگر در به عمل^{۴۸:۲۸} آوردن تمامی سخنان این شریعت که در این

^{۲۸:۲۸} خواهد رفت، و تو بیش از پیش پایین خواهی رفت.^{۴۴} او است که به تو قرض خواهد داد و تو به او قرض خواهی داد؛ او است که بر سر خواهد بود، و تو در دم خواهی بود.

^{۴۵} تمامی این لعنت‌ها بر تو واقع خواهند شد و تورا تعاقب خواهند نمود و به تو خواهند رسید تا آنجا که از میان بروی، زیرا به صدای یهُوهُ، خدایت، گوش فرا نمی‌دهی تا احکام و فرایض او را که به تو امر فرموده، به عمل آوری؛^{۴۶} آنها برای تو نشانه و کارهای شگفت‌انگیز خواهند بود،

^{۴۶:۴} و نیز برای اعقابت، برای ابد.

^{۴۷} از آنجا که یهُوهُ، خدایت را خدمت

خواهی کرد، در شادی و دلی مسورو، در آن حال که همه چیز را به فراوانی داشتی،

^{۴۸} دشمنانت را خدمت خواهی کرد، دشمنانی را که یهُوهُ بر علیه تو خواهد

^{۵۷:۲۸} فرستاد، در گرسنگی، در تشنه‌گی، در عربانی، در محرومیت از همه چیز؛ ایشان

یوغی آهنهین بر گردنت خواهند نهاد تا آنجا

که تورا از میان ببرند.

^{۴۹} یهُوهُ ملتی را بر علیه تو بلند خواهد

کرد که از دوردست می‌آید، از اقصای ار^{۱۵:۱۷} زمین، همچون عقابی که پرواز می‌کند،

ملتی که زبانش را نمی‌فهمی،^{۵۰} ملتی با چهره‌ای خشن که اعتنایی به سالخورده و

ترجمی بر کودک خواهد داشت.^{۵۱} او

شمره احشامت و شمره زمینت را خواهد خورد، تا آنجا که از میان بروی؛ او نه گندم

برایت باقی خواهد گذارد، نه شراب تازه، نه روغن تازه، نه زایش گاوان، و نه فزونی

گوسفندان، تا آنجا که تورا هلاک سازد.

پرآکنده خواهد کرد، و در آنجا خدایان
دیگر را خدمت خواهی کرد که ^{۳۶:۲۸:۲۸:۴}
نمی شناختی، نه خودت و نه پدرانت،
(خدایانی) از چوب و سنگ. ^{۶۵} و در میان
این ملت‌ها آسودگی نخواهی یافت، و برای
کف پایت هیچ مکانی برای استراحت
نخواهد بود. در آنجا، یهُوه به تو دلی
لرزان، چشمانی تحلیل رفته، و جانی ^{۳۲:۲۸}
درمانده خواهد داد. ^{۶۶} زندگی ات در
برابر فقط همه‌مه خواهد بود؛ شب و روز
در هراس خواهی بود؛ و بر زندگی خود
حساب نخواهی کرد. ^{۶۷} بامدادان خواهی ایوب ^{۲۲:۲۴}
گفت: «کاش در شامگاه بودم!» و
شامگاهان خواهی گفت: «کاش در بامداد
بودم!» به سبب هراسی که دلت از آن
هرasan خواهد بود و از منظره‌ای که ^{۳۴:۲۸}
چشمانست خواهند دید. ^{۶۸} یهُوه تورا بر
کشتیها به مصر باز خواهد گردانید، از
راهی که به تو گفته بودم که آن را دیگر
نخواهی دید. و در آنجا، خود را همچون خروج ^{۱۴}
برگان به دشمنان به فروش خواهید
رساند - چه مرد و چه زن - و کسی برای
خرید نخواهد بود!»

۲۰:۸ کتاب نوشته شده مراقبت ننمایی و از این
نام پرجلال و مَهِیب، یهُوه، خدایت،
نترسی، ^{۵۹} یهُوه تو و اعقابت را با زخم‌های
خارق العاده، زخم‌های بزرگ و سخت،
بیماریهای بی رحم و سخت خواهد زد؛ ^{۶۰} او
همه بیماریهای واگیردار مصر را که از آنها
هراس داشتی، نزد تو باز خواهد آورد، و
آنها به تو خواهند چسبید. ^{۶۱} افرون بر این،
تمامی بیماریها و همه زخم‌هایی که در
۲۶:۳۶ کتاب این شریعت نوشته نشده، یهُوه جمیع
آنها را بر علیه تو خواهد آورد، تا آنجا که از
میان بروی. ^{۶۲} و فقط مردمانی اندک باقی
خواهید ماند، حال آنکه مانند ستارگان
آسمان کثیر بودید، زیرا به صدای یهُوه،
۱۰:۱ خدایت، گوش فرا نخواهی داد.
۶۳ آنگاه، آن سان که سُرور یهُوه در این
بود که به شما نیکی کند و شما را فزونی
بخشد، به همان سان، سُرور یهُوه در این
خواهد بود که شما را هلاک سازد و از
میان ببرد، و شما از روی زمینی که وارد آن
خواهی شد تا مالکش شوی، بر کنده
خواهید شد. ^{۶۴} یهُوه تورا در میان جمیع
قوم‌ها، از انتهای زمین تا انتهای زمین

واپسین خطابه موسی (۶۹:۲۸ تا ۲۰:۳۰)

^{۵:۱} کند، جدا از عهدی که با ایشان در حوریب
منعقد کرده بود. ^m ^{۶۹} این چنین است سخنان عهدی که یهُوه
به موسی امر کرد تا با بنی اسرائیل منعقد

m از آنجا که بنی اسرائیل به صدای خداوند گوش فرا نخواهند داد (ر.ک. ۴۵:۲۸)، خداوند با ایشان عهد دومی منعقد
می‌سازد، عهدی علاوه بر عهد سینا-حوریب. موضع کتاب تشییه با موضع ارمیا فرق دارد؛ ارمیا در مقابل قطعه رابطه قوم با
خداوند، از عهدی «جدید» سخن می‌گوید، نه عهدی اضافه بر عهد سینا، بلکه کاملاً متفاوت با آن (ر.ک. ار
۳۱:۳۱-۳۴).

سختی تعهدات عهد

^۹ اینک امروز همه در حضور یهوه، ^{۱۰:۴} خدایتان، ایستاده اید، بزرگان قبیله هایتان، مشایختان و کاتبانتان، همه مردان اسرائیل، ^{۱۵:۱} فرزندانتان و زنانانتان، و غربیه ای که در میان اردوگاه تو است، از آن کس که هیزم می برد تا آن کس که آبت را می کشد؛ ^{۱۱} و وارد عهد یهوه، خدایت، خواهی شد، [این عهدی که همراه است با] نفرین^P. عهدی که یهوه، خدایت، امروز با تو منعقد می سازد، ^{۱۲} تا امروز تورا همچون قوم خود بر پا دارد و خودش خدای تو باشد، مطابق آنچه به تو ^{۹:۲۸} گفته است، و مطابق آنچه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند یاد کرده است. ^{۱۳} و فقط با شما نیست که این عهد [همراه با] این لعنت را منعقد می سازم، ^{۱۴} بلکه با آن کسی است که امروز در اینجا با ما در حضور یهوه، خدایمان، ایستاده، و با آن کسی که امروز در اینجا با ما نیست.^۹

^{۱۵} زیرا شما می دانید که چگونه در سرزمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه عبرو کردیم از میان ملت هایی که از آنها عبرو کردیم. ^{۱۶} شما «آشغالها» و «کشافات» آنها را دیدید، چوب و سنگ، ^{۲۸:۴} نقره و طلا که نزد آنها است. ^{۱۷} بادا که در میان شما نه مرد، نه زن، نه طایفه و نه

عهد در سرزمین موآب

^۱ موسی تمامی اسرائیل را احضار

۲۹

^{۱:۱} کرد و به ایشان گفت: شما دیدید تمام آنچه را که یهوه در مقابل چشمان شما در سرزمین مصر، به فرعون، به همه خدمتگزارانش و به تمام سرزمینش کرد، ^۲ آن آزمایشهای بزرگ را که چشمانست دید، آن نشانه ها و آن کارهای شگفت انگیز ^۳ عظیم را. ^۴ اما تا به امروز، یهوه به شما دلی برای شناختن و چشمانی برای دیدن و گوشایی برای شنیدن نداده است.^{۱۱}

^۴ من^۵ شما را در طول چهل سال در

بیابان راه بردم؛ جامه هایتان بر روی شما ^{۴:۸} پوسيده نشد و نعلینت بر پاییت پوسيده

نشد. ^۵ نان نخوردید، و نه شراب نوشیدید و نه مسکرات، تا بدانید که من یهوه، خدای شما هستم. ^۶ وقتی به این مکان رسیدید، سیحون، پادشاه حشبوون، و عوج،

^{۷:۳-۲۴:۲} پادشاه باشان، به ملاقات ما برای جنگ بیرون آمدند، و ما ایشان را شکست دادیم.

^۷ سرزمین ایشان را گرفتیم و آن را به

رئوبینیان و به جادیان و به نیم - قبیله

^{۱۳-۱۲:۳} منسیان به میراث دادیم. ^۸ پس سخنان این

بوشع^۹ عهد را مرعی خواهید داشت و به آنها عمل خواهید کرد، تا در هر آنچه می کنید،

کامیاب شوید.

^{۱۱} آنچه حضور خداوند را آشکار می سازد، دیگر فقط «دیدن» رویدادها نیست، بلکه تبدیل دل نیز هست تا بتوان این نشانه ها را باز شناخت و از صدای خداوند که از میان آنها شنیده می شود اطاعت کرد.

^{۱۰} آیات ^{۴-۵} ناگهان شکل خطابه خود یهوه را به خود می گیرد تا تأکید شود که مشاهده خود او در رویدادهای گذشته، چه پاداشی در بر دارد.

^P متعهد شدن به عهد در اینجا مستلزم سوگند است: بنی اسرائیل با پذیرش عهد، پلهای پشت سر خود را خراب می کنند و اذعان می دارند که بی وفایی به صدای خداوند راهی جز به مرگ نمی برد.

^۹ عهد خداوند شامل تمام خوانندگان و شنوندگان مطالب کتاب تشنیه می گردد، چه نسل های آتی و چه نسلی که در رویداد خروج حضور داشت.

را بذریاشی نخواهند کرد، چیزی جوانه پیدا نخواهد زد، هیچ علfi در آن بلند نخواهد شد؛ این مانند واژگونی سدوم و عموره و آدمه و صبوئیم است که یهوه در خشم و غضب خود واژگون ساخت! ^{۲۳} و تمام ملت‌ها خواهند گفت: «از چه سبب یهوه این چنین با این سرزمین رفتار کرده است؟ از کجا می‌آید حدت این خشم عظیم؟» ^{۲۴} و خواهند گفت: «زیرا عهد یهوه، خدای پدرانشان را ترک کردند، عهدی که با ایشان منعقد ساخته بود آن هنگام که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورد. ^{۲۵} ایشان نداده بود. ^{۲۶} خشم یهوه برعلیه این سرزمین ^{۲۷} بر افروخته شد و تمامی لعنتی را که در این کتاب نوشته شده بود بر آن وارد آورده است؛ ^{۲۸} یهوه ایشان را از روی زمینشان بر کنده است، با خشم و غضب و غیظ عظیم، و ایشان را به سرزمینی دیگر افکنده است، آن سان که امروز [شده است]. ^{۲۹}

چیزهای مخفی از آن یهوه، خدای ما است، اما چیزهای آشکارشده از آن ما است و از آن پسران ما برای ابد، تا تمامی سخنان این شریعت را به عمل آوریم.^{۳۰}

^{۲۷} تحتاللفظی: «آنچه که سیراب شده، آنچه را که تشنه است، از میان می‌برد». این احتمالاً عبارتی است ضرب المثل وار که بیانگر حالت سیری کسی است که تمامی امیالش برآورده شده است، مانند آن مرد ثروتمند در مثل عیسی (لو ۱۹:۲).

^{۲۸} آیات ۲۷-۲۱ ظاهرًا ویرایشی است مربوط به دوره تبعید که تبعیدیان را دعوت می‌کند که عهد را آنگونه که کتاب تشنیه در اینجا استنباط می‌کند، پذیرند.

^{۲۹} این سخن حکمت گونه محدودیت‌های شناخت بشری را تصدق می‌کند و بیان می‌دارد که فقط خدا است که از همه امور آگاه است؛ اما تأکید می‌کند که انسان در مقابل آن بخشی از امور که خدا بر او آشکار ساخته، مسئول است. این بخش از امور در شریعت آشکار شده است، شریعتی که تعالیم‌ش بنیاد هر شناختی است و عمل کردن به آن، زندگی هر انسانی را جهت می‌بخشد.

قبيله‌ای باشد که دلش امروز از یهوه، خدایمان، منحرف شود تا برود و خدایان این ملت‌ها را خدمت کند! بادا که در میان شما ریشه تولیدکننده سَم و افسنتین نباشد! ^{۱۸} چنانچه کسی با شنیدن مقاد این نفرین، ^{۱۹} خود را در دل خود برکت دهد و بگوید: «زیرا مطابق سرکشی دلم سلوک می‌کنم، آرامش خواهم داشت، آن سان که آنچه را که سیراب شده با آنچه را که تشنه است از میان ببرد، ^{۲۰} یهوه به بخشودن او رضا نخواهد داد؛ زیرا آنگاه خشم یهوه برعلیه این شخص دودافشان خواهد شد، و نیز حسادت او، و تمامی نفرین مکنوب در این ^{۲۱} کتاب بر او نازل خواهد شد، و یهوه نام او را از زیر آسمانها محو خواهد ساخت.

^{۲۰} یهوه او را از تمامی قبیله‌های اسرائیل اخراج خواهد کرد تا سیه روز شود، مطابق تمامی نفرین‌های عهدی که در این کتاب شریعت نوشته شده است.

^{۲۱} نسل آینده، ^{۲۲} (یعنی) پسران شما که پس از شما برخواهند خاست، و بیگانه‌ای که از سرزمینی دوردست بیاید، چون زخمهای این سرزمین را بینند و بیماریهایی را که یهوه آن را با آنها بیماری می‌سازد، خواهند گفت: «گوگرد و نمک، تمامی سرزمینش سوخته است؛ آن

داشتند و آزار رساندند، فرو خواهد آورد.^۶ و تو باز خواهی گشت و به صدای یهُوهُ گوش خواهی سپرد^{۷*}، و جمیع احکام او را که امروز به تو امر می کنم، به عمل خواهی آورد.^۸ یهُوهُ، خدایت تورا در هر عمل دستت، در شمره شکمت، در شمره احشامت^{۹:۲۸} و در شمره زمینت، از موهب لبریز خواهد ساخت. زیرا یهُوهُ بار دیگر سُرور خود را در سعادت تو خواهد نهاد، آن سان که سُرور خود را در سعادت پدرانت نهاد،^{۱۰} به شرط آنکه به صدای یهُوهُ، خدایت، گوش فرا دهی، و احکام و فرایض او را رعایت نمایی، (یعنی) آنچه را که در این کتاب شریعت نوشته شده است، اگر با تمامی دلت و با تمامی جانت به سوی یهُوهُ باز گردد.

کلامی که بسیار نزدیک است

^{۱۱} زیرا این حکمی که امروز به تو امر مت^{۱۱:۳۰} می کنم، برایت غیرممکن نیست و نه بیرون از دسترس تو.^{۱۲} در آسمان نیست که روم^{۸-۶:۱} بگویی: «کیست که برای ما به آسمان بر آید و آن را برای ما بر گیرد و آن را به ما بشنواند تا آن را به عمل آوریم؟»^{۱۳} و در فراسوی دریا نیست که بگویی: «کیست که برای ما به فراسوی دریا عبور کند و آن را برای ما بر گیرد و آن را به ما بشنواند تا آن را به عمل آوریم؟»^{۱۴} نه، کلام بسیار

بازگشت به سوی خداوند

^{۱۵:۲۸:۲۶:۱۱} ۳۰ پس چون تمامی این چیزها بر تو واقع شود، (یعنی) برکت و لعنتی که در مقابل تو قرار داده ام، چنانچه در میان تمامی ملت هایی که یهُوهُ، خدایت، تو را به آنجا رانده باشد، آنها را به دل خود یادآوری نمایی^{۱۶}، چنانچه به سوی یهُوهُ، خدایت، باز گردد و چنانچه تو و پسرانت به صدای او گوش فرا دهی، با تمام دلت و^{۱۷} با تمام جانت، مطابق تمام آنچه که امروز به تو امر می کنم،^{۱۸} یهُوهُ، خدایت، تقدیر تو را تغییر خواهد داد؛ او بر تو شفقت خواهد فرمود و بار دیگر، تورا از نزد تمامی قوم هایی که یهُوهُ، خدایت، تورا به آنجا پراکنده ساخته است، گرد خواهد آورد.^{۱۹}

^{۲۱:۴} ^{۲۰:۴} حتی اگر رانده شدگان تو در اقصای آسمان باشند، یهُوهُ، خدایت، از آنجا تورا^{۲۱:۲۴} گرد خواهد آورد، و از آنجا تورا بر خواهد گرفت.^{۲۰} یهُوهُ، خدایت، تورا به آنچا سرزمینی خواهد ساخت که پدرانت مالکش بوده اند، و تو آن را مالک خواهی شد؛ به^{۲۱:۳۲} تو نیکی خواهد کرد و تورا بیش از^{۲۱-۱۰:۱} پدرانت فزوئی خواهد بخشید.^{۲۱} یهُوهُ، خدایت، دل تو و دل اعقاب را ختنه خواهد کرد تا یهُوهُ، خدایت، را دوست بداری، با تمامی دلت و با تمامی جانت، تازنده^{۲۱:۱۰} بمانی.^{۲۲} یهُوهُ، خدایت، تمامی این نفرین ها را بر دشمنان و بر آنان که تورا نفرت^{۲۱:۲۹}

^{۱۱} تحتاللفظی: «(آنها را) به سوی دل خود باز آوری». منظور «اندیشیدن» به آنها است.

^۷ با وجود سختی تهدیدهایی که در خصوص بی و فایی قوم بیان شده (ر.ک. توضیح ۲۸)، آخرین کلام به مهریانی خدا بر می گردد. خدا نمی تواند از نقشه و طرح خود چشم بیوشی کند، نقشه ای که هدفش اعطای سعادت و حیات بی انتها به اسرائیل است.

^{۷*} آنچه که امری غیرممکن، یعنی گوش فرا دادن به صدای یهُوهُ را ممکن می سازد، ختنه دل به دست خود یهُوهُ است (ر.ک آیه ۶).

بگذاری کشیده شوی به سجده کردن در مقابل خدایان دیگر و خدمت کردن به آنها،
این را امروز به شما اعلام می کنم:
به یقین هلاک خواهید شد، و روزهای خود
۴۰:۴ را بر زمینی که با عبور از اردن واردش
می شوی تا آن را به مالکیت در آوری،
طولانی نخواهید ساخت.^{۱۹} امروز آسمان و
۲۶:۴ زمین را بر علیه شما شاهد می گیرم: آنچه در
مقابل تو قرار داده ام، حیات و مرگ است،
برکت و لعنت. حیات را بر گزین تازیست
کنی، تو و اعقابت.^{۲۰} و یهُوهُ، خدایت، را
دوست بدار و به صدایش گوش بسپار و به
۵:۶ او بچسب؛ زیرا حیات تو همین است، با
روزهای طولانی که ساکن شوی در زمینی
که یهُوهُ برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و
یعقوب سوگند یاد کرد که به آنان بدهد.»

نزدیک به تو است، در دهانت و در دلت،
تا آن را به عمل آوری.^w

نتیجه: انتخاب حیات

^{۱۵} بنگر! امروز در مقابل تو حیات و
سعادت، و مرگ و سیه روزی را قرار
داده ام.^{۱۶} چنانچه از احکام یهُوهُ، خدایت،
که امروز به تو امر می کنم، اطاعت نمایی، و
^{۱:۲۸:۲۶:۱۱} یهُوهُ، خدایت، را دوست بداری، و در
طریق های او سلوک نمایی، و احکام و
فرایض و قواعد او را رعایت کنی، خواهی
زیست و فزونی خواهی یافت، و یهُوهُ،
خدایت، تو را در سرزمینی که وارد آن
می شوی تا آن را به مالکیت در آوری،
برکت خواهد داد.^{۱۷} اما چنانچه دلت
منحرف شود و گوش نسپاری، چنانچه

وداع و رحلت موسی^x (۱:۳۱ تا ۱۲:۳۴)

ساله هستم، و نمی توانم بروم و بیایم؛ یهُوهُ پوشیدم^{۷:۳}
به من گفته است: تو از این اردن عبور
۲۷:۳ نخواهی کرد.^۳ یهُوهُ، خدایت، هم او است
که پیش اپیش تو عبور خواهد کرد، هم او
است که این ملت ها را در مقابل تو نابود.^{۱:۳۸}

انتصاب یوشع و سپردن شریعت به اسرائیل

^{۳۱} موسی رفت و این سخنان را به
تمام اسرائیل گفت.^۲ سپس به
^{۱:۱} ایشان گفت: «من امروز یکصد و بیست
^{۷:۳۴}

^w این آیات، با واژگانی که بادآور واژگان کتاب های حکمتی است (ر. ک. امث ۸:۳۱؛ بنسی ۱:۲۴؛ حک ۶:۱)، تفسیر مجدد عهد سینا را پس از فاجعه خروج به پایان می رساند: اطاعت از خداوند امری غیرممکن نیست، زیرا خود او است که دل بني اسرائیل را متتحول می سازد (ر. ک. آیه ۶). آزادی انتخاب به طور کامل به انسان تعلق دارد؛ به همین سبب، در بخش بعدی، شخص دعوت می شود تا «حیات را بر گزیند» (آیات ۱۵-۲۰).

^x این چهار فصل آخر در آن واحد، هم مؤخره کلی تورات را تشکیل می دهد، و هم بخش انتقالی به کتاب یوشع را. در آن می توان سیک روایتی موجود در خطابه -مقدمه مذکور در فصل های ۱ تا ۳ را تشخیص داد، و نیز نصایحی را که در غاز کتاب یوشع به چشم می خورد (ر. ک. ۷:۳۱-۸ و بوش ۱:۵-۶). این فصل ها عمدتاً اثر دست ویراستار تئیه ای است. بالینحال چند بخش که بعدها اضافه شده، مربوط می گردد به سنت کهانی که رحلت موسی را شرح می دهد (۴۸:۳۲-۴۸:۳۴ و ۵۲-۷:۳۴-۹). به علاوه، دو شعر به این مؤخره پیوند داده شده اند: «رود مذکور در فصل ۳۲ همراه با مقدم روایتی آن در ۱۹:۳۱-۲۲:۳۱ و برکات فصل ۳۳ که مبنی آن می تواند به دوره پیش از آغاز سلطنت باز گردد. تذکری پایانی (۱۰:۳۴-۱۲:۳۰) همچون خاتمه تمام تورات عمل می کند.

خواهد کرد، این شریعت را در مقابل تمام یوش ۸:۳۲-۳۵:۳-۱ پیش از اسرائیل، به گوشها یشان، خواهی خواند.^۶ نخ ۸:۲-۳:۱-۳:۲

۱۲ قوم را گرد آور، مردان و زنان و کودکان ۱۰:۴ را، غریبه ات را که در دروازه های تو است، تا بشوند و تا بیاموزند که از یهوه، خدایتان، بترسند، و مراقب باشند که تمامی سخنان این شریعت را به عمل آورند.^{۱۳} و پسران ایشان که نمی دانند، خواهند شنید و خواهند آموخت که از یهوه، خدایتان، بترسند، در تمامی روزهایی که بر زمینی که با عبور از اردن مالکش خواهید شد زندگی خواهید کرد.^{۱۴}

۱۴ یهوه به موسی گفت: «اینک روزهای مرگ تو نزدیک می شود. یوش را فرا بخوان، و در خیمه ملاقات حضور یابید، تا دستورهایی به او بدهم.» موسی و یوش رفته تا در خیمه ملاقات^{۱۵} حضور یابند.

۱۵ یهوه در خیمه پدیدار گشت، در ستونی از ابر، و ستون ابر در مدخل خیمه ایستاد. خروج ۳۳:۹-۱۰

۱۶ یهوه به موسی گفت: «اینک تو همراه پدرانت خواهی خفت، و این قوم خواهند رفت تا به دنبال خدایان خارج، (خدایان) این سرمیانی که به میان آن وارد خواهند شد، رو سپیگری کنند؛ ایشان مرا رها خواهند کرد و عهد مرا که با ایشان بسته ام خواهند شکست.^{۱۷} در آن روز، خشم من بر علیه ایشان بر افروخته خواهد شد؛ ایشان را رها خواهم کرد و روی خود را از ایشان پنهان خواهم ساخت، آن سان که ایشان را خواهند درید و انبوی از بلاها و تنگیها بر ایشان وارد خواهد آمد؛ و در آن روز،

خروج ۳۴:۱۵-۱۶:۱۶

دارو:۲:۱۷:۱۶:۱۵:۴

پید ۳:۵-۲:۲:۲۳:۲۲:۲۲:۲:۲۳:۱۶:۱:۱۶:۳:۷

خواهد ساخت تا ایشان را خلع ید نمایی. یوش است که پیشاپیش تو عمور خواهد کرد، مطابق آنچه که یهوه گفته است.^{۱۸} یهوه با ایشان همان سان عمل خواهد کرد که با سیحون و عوج، پادشاهان اموریان، و با سرمیانها یشان کرد، و آنها را نابود ساخت.^{۱۹} یهوه ایشان را به دست شما خواهد سپرد، و در همه امور مطابق حکمی که به شما امر کردم با ایشان عمل خواهید کرد.^{۲۰} قوی و شجاع باشید! در برابر ایشان مترسید و لرزان مباشد، زیرا یهوه، خدایت، است که با تو راه می رود؛ او تو را و نخواهد گذارد و تو را رها نخواهد کرد.^{۲۱} یوش ۱:۵:۲۸:۱۵:۱:۵

۷ موسی یوش را فرا خواند و در مقابل چشمان تمام اسرائیل به او گفت: «قوی و شجاع باش! زیرا این تو هستی که این قوم را وارد سرمیانی خواهی کرد که یهوه برای پدرانشان سوگند خورده که به ایشان بدهد، و تو هستی که ایشان را وارت آن خواهی ساخت.^{۲۲} یهوه خودش در برابر تو حرکت خواهد کرد و خود او با تو خواهد بود؛ او تو را و نخواهد گذارد و تو را ترک نخواهد کرد؛ مترس و هراسان مباشد.^{۲۳}

۹ موسی این شریعت را نوشت و آن را به کاهنان، بنی لاوی، که صندوق عهد یهوه را حمل می کردند، و به همه مشایخ اسرائیل داد.^{۲۴} موسی این حکم را به ایشان داد:

۱۰ «در پایان هفت سال، در زمان مقرر برای سال عفو، در عید آلونکها،^{۲۵} آن هنگام که تمام اسرائیل خواهد آمد تا در برابر یهوه، خدایت، حضور یابد، در مکانی که انتخاب

^۶ در خصوص آین نبایش عهد و اعلام شریعت، ر.ک. توضیح ۲۷:۱.

^۷ در کتاب تشیه، به خیمه ملاقات (ر.ک. توضیح خروج ۲۷:۲۱؛ توضیح ۳۳:۷) فقط در اینجا اشاره شده است.

ساخت که من با سوگند و عده اش را
داده ام، و من با تو خواهم بود.»
۲۴ پس چون موسی نوشت سخنان این
شريعت را بر روی کتابی^a تا به آخر، به
پایان رسانید،^{۲۵} موسی این حکم را به
لاویانی که صندوق عهد یهوه را حمل
می کردند داد: «این کتاب شريعت را
بگیرید و آن را در کنار صندوق عهد یهوه،^{۶۱:۲۸}
خدایتان، قرار خواهید داد؛ آن در آنجا
شهادتی بر علیه تو خواهد بود.»^{۲۷} زیرا من
طبع سرکش و گردن سخت تورا می شناسم؛
اگر امروز که هنوز در میان شما زنده هستم،^{۷-۶:۹}
نشان داده اید که در حق یهوه سرکش
هستید، چقدر بیشتر پس از مرگم!»^{۲۸}
«تمامی مشایخ قبیله هایتان و
کاتب هایتان را نزد من گرد آورید تا این
سخنان را به گوش شما بگویم، و بر علیه^{۱۵:۱}
ایشان آسمان و زمین را شاهد بگیرم.^{۲۶:۴}
۲۹ چرا که می دانم پس از مرگم، از فاسد
کردن خود کوتاهی خواهید ورزید و از^{۳۰-۲۹:۲۰}
طريقتی که امروز به شما امر کردم دور^{۱۶:۴}
خواهید شد؛ و سیه روزی در دنباله روزها بر
شما واقع خواهد شد، زیرا آنچه را که در
نظر یهوه بد است انجام خواهید داد تا او را
با عمل دستانتان به خشم آورید.»

سرود برای صخره اسرائیل^b

۳۰ موسی سخنان این سرود را تا به آخر
به گوش تمام جماعت باز گفت:

خواهند گفت: آیا این بلاها به این سبب بر
من وارد نیامده که خدایم در میان من
نیست؟^{۱۸} و من در آن روز، پنهان خواهم
داور^{۱۳:۶} مز^{۱۱:۴۲} ساخت روی خود را، به سبب تمام بدی که
در اثر برگشتن به سوی خدایان دیگر،
خواهند کرد.
۱۹ «و اکنون این سرود را برای خود
بنویسید: آن را به بنی اسرائیل تعليم بده، و
آن را در دهان ایشان قرار ده، تا این سرود
شاهد من باشد بر علیه بنی اسرائیل.^{۲۰} آن
هنگام که ایشان را وارد سرزمینی سازم که با^{۲۶:۳۱}
سوگند به پدرانش و عده دادم، [زمینی که]^{۴۵:۵}
در آن شیر و شهد جاری است، او خواهد
خورد و سیر خواهد شد و فربه خواهد
گشت؛ سپس به سوی خدایان دیگر بر^{۳۲:۳۱}
خواهند گشت؛ آنها را خدمت خواهند کرد و
مرا خوار خواهند شمرد، و او عهد مرا
خواهد شکست.^{۲۱} پس چون انبوهی از
بلاها و تنگیها بر او وارد آید، این سرود بر
علیه وی شهادت خواهد داد، زیرا از دهان
اعقادش فراموش خواهد شد. در واقع،
طرحی را که امروز شکل می بخشند می دانم،
حتی پیش از آنکه او را وارد سرزمینی سازم
که با سوگند به پدرانش و عده داده ام.»
۲۲ موسی در آن روز، این سرود را نوشت
و آن را به بنی اسرائیل تعليم داد.
۲۳ او این دستورها را به یوشع پسر نون
داد: «قوی و شجاع باش! زیرا تو هستی که
۲۸:۳ بنی اسرائیل را وارد سرزمینی خواهی

a موسی پیش از اعلام شفاهی سرود و بیان برکت ها، و نیز پیش از وفات خود، نگارش کتابی را به پایان رساند: این کتاب به این ترتیب، نوعی وصیت است، و نهایتاً کتاب تنتیه این حالت وصیت را به خود داد.

b «سرود موسی» تأملی است شعرگونه در مورد تاریخ اسرائیل، همان چیزی که در سرودهای دیگر می بینیم که به شخصیت های دیگر نسبت داده شده اند (سرود موسی در خروج ۱۵: حنا در ۱-سمو ۲؛ داود در ۲-سمو ۲؛ مریم و زکریا و شمعون در لو ۱ و ۲). عموماً تصور بر این است که این متن متعلق به دوره تبعید پارسیان باشد. به نظر می رسد که سرود موسی بیشتر

او که تو را ساخته و تو را برقرار داشته؟
۱۸:۳۲

۷ به یاد آور روزهای کهن را،
۳۲:۴ سالها را دوره به دوره ملاحظه نمایید؛

از پدرت سؤال کن، و او تو را آگاه
خواهد ساخت،
۱۰ از مشایخت، و ایشان آن را به تو خواهند
گفت.

۸ آن هنگام که آن متعال ملت‌ها را وارت پیدا شد؛
۲۶:۱۷

آن هنگام که پسران آدم را جدا می‌نمود،
حدود قوم‌ها را برابر داشت
مطابق تعداد بنی اسرائیل^۵؛

۹ چرا که سهم یهوه، قوم او است،
يعقوب قسمت میراث او است.

۱۰ آن را در سرزمینی بیابانی می‌یابد،
در هرج و مرچی زوجه کشان و ویرانه؛
ارا احاطه می‌کند و تحت مراقبت قرار گرفت؛
۶:۲۰

۱۱ او را همچون مردمک چشمش نگاه می‌دارد.
۸:۱۷

۱۰:۴	گوش فرا دهید، ای آسمانها؛ من سخن خواهم گفت، و بادا که زمین
۱۱:۳	سخنان دهانم را بشنود!
۱۲:۶	بادا که دانش من به سان باران بچکد، بادا که سخنم همچون شبین گسترده شود،
۱۳:۷	همانند بارش باران بر سبزه ها، و به سان رگبار بر چمنزار!
۱۴:۸	زیرا نام یهُوه را می خوانم؛ عظمت را به خدای ما بدھید!
۱۵:۹	آن صخره ^۳ ، کامل است عملش، زیرا همه طریق های او عدالت است:
۱۶:۱۰	خدای صداقت و بدون بی انصافی، او عادل است، او، راست است.
۱۷:۱۱	ایشان فاسد شده اند، آنان که او بی عیب تولید کرده بود ^d ،
۱۸:۱۲	نسل کج و نادرست! آیا این است آنچه به یهُوه پس می دهید
۱۹:۱۳	ای قوم بی عقل و فاقد حکمت؟ آیا او نیست پدر تو که تورا به دست
۲۰:۱۴	آورده،
۲۱:۱۵	اش ۱۴:۵
۲۲:۱۶	مکا ۱۵:۳
۲۳:۱۷	اش ۲:۲۵
۲۴:۱۸	مرا ۲:۳۶
۲۵:۱۹	مز ۳:۳۳
۲۶:۲۰	روز ۹:۱۴
۲۷:۲۱	مز ۲:۱۸
۲۸:۲۲	اش ۱:۱۷
۲۹:۲۳	هز ۲:۲۰
۳۰:۲۴	مکا ۲:۲۲
۳۱:۲۵	مت ۱:۱۷
۳۲:۲۶	فی ۲:۱۵

تداعی کننده دعواهی دادگاهی میان خداوند و قومش باشد؛ مجرم در طی آن مجازات می شود، اما به طور قطعی محکوم نمی گردد، زیرا پیروزی خداوند در این است که قومی را که بر گزیده، به رایگان نجات بخشد. در این شعر، این بخشها به چشم می خورد: گشایش دادگاه (آیات ۱-۶)؛ نیکویی های خداوند (آیات ۷-۱۴)؛ سرکشی اسرائیل (آیات ۱۵-۱۸)؛ اعلام مجازات (آیات ۱۹-۲۵)؛ داوری خدا بر علیه دشمنان اسرائیل (آیات ۲۶-۳۵)؛ نابودی خدایان دروغین و پیروزی خداوند (آیات ۳۶-۴۲)؛ هللهه بانی، آیه (۴۳).

۵ در عهدتیق کراراً به خدا عنوان «صخره» داده شده است که در آن واحد، بیانگر دو حقیقت در مورد خدا است: یکی آنکه او پناهگاه مطمئنی است، و دیگر اینکه او بنیاد تزلزل ناپذیری است که بر روی آن می‌توان استوار ایستاد یا خانه خود را بنا کرد (ر.ک. ۳۲: ۳۱؛ ۲- سمو ۲۳: ۳؛ آش ۴: ۲۶؛ اش ۳: ۲۹؛ ۰: ۲۹؛ ۰: ۲۹؛ حب ۱: ۱۲؛ ۱: ۱۸؛ مز ۳: ۳۲؛ ۳: ۳۱؛ ۴: ۳۱؛ ۹: ۱۶؛ مت ۷: ۴؛ ۷: ۲۴؛ ۷: ۲۵).

d) قرائت عبری چنین است: «او برای وی فاسد شده، نه پسرانش، عیب ایشان». ما این مقصص را بر اساس قرائت‌های سامری و یونانی ترجمه کرده ایم که ترجمه تحت الفظی آن چنین است: «ایشان فاسد شده‌اند؛ ایشان برای او پسران عیب نبودند».

e) این ترجمه سنتی متن عبری است. پاره‌ای دیگر چنین بروداشت می‌کنند: «مطابق حدود بنی اسرائيل». اما ترجمه یونانی و نسخ قبران ترجمه دیگری از الله می‌دهند: «مطابق تعداد پسران خدا». در این صورت، منظور موجوداتی الهی است که خداوند برای نگهبانی بر ملت‌ها گمارده است (ر.ک. ۱۹:۴)، و به این ترتیب، اشاره‌ای ضمیمی به «خدایان دیگر» می‌شود؛ این امر احتمالاً بعدها باعث تعجب نسخه برداران و مترجمین شده و لذا متن را اصلاح کرده‌اند، طوری که متن امروزی به دست آمده است.

او صخره نجات خود را سرافکنده
می سازد.
^{۱۶} ایشان او را با «خارجی‌ها»^h به
حسادت می‌آورند،
با «نفرت‌انگیزها»^۱ او را به خشم
می‌آورند؛
^{۱۷} برای دیوهایی که الواه نیستند قربانی مز: ۳۷:۱۰۶
می‌کنند،
برای خدایانی که نمی‌شناخند،
برای تازه‌واردان که تازه از راه
رسیده‌اند،
که در برابر آنها پدرانتان نلرزیده بودند.
^{۱۸} تو صخره‌ای را که تو را تولید نموده،
خوار می‌شماری،
خدایی را که تو را به دنبی آوردده، از یاد
می‌بری!
^{۱۹} یهُوه آن را می‌بیند و تحقیر می‌کند،
پسaran و دخترانش را، در خشم خود.
^{۲۰} او گفت: روی خود را از ایشان پنهان
خواهم ساخت،
و خواهم دید که سرانجامشان چه خواهد
شد؛
زیرا این نسلی است فاسد،
پسaranی که صداقت ندارند.
^{۲۱} ایشان با آنچه که خدا نیست، مرا به
حسادت آوردن،

^{۱۱} به سان عقابی که آشیانه و خروج: ۴:۱۹
جوچه‌هایش را بر می‌انگیزد
و بر فراز جوچه‌هایش به پرواز درمی‌آید،
او بالهای خود را می‌گشاید و او را بر
می‌گیرد،
و او را بر پرهای خود حمل می‌کند.
^{۱۲} فقط یهُوه او را هدایت می‌نماید،
هیچ خدای بیگانه‌ای به همراه او نیست.
^{۱۳} او را بر بلندیهای سرزمین سوار
می‌کند^f،
او را با محصولات مزرعه‌ها خوراک
می‌دهد؛
او را از صخره عسل می‌دهد تا بمکد،
روغن را از سنگ چخماق از یک صخره،
^{۱۴} از ماست گاوان و شیر گوسفندان،
همراه با پیه بره‌ها،
قوچها، پسaran باشان، و بزهای نر،
همراه با پیه مغز گندم،
و خون خوشة انگور که آن را تخمیر شده
می‌نوشی.
^{۱۵} یعقوب می‌خورد و سیر می‌شود،
یشورون^g فربه می‌گردد ولگد
می‌اندازد؛
- تو فربه گشته، چاق شده، تا به گلو
خورده‌ای!
او الواه را که او را ساخته، رد می‌کند،

f منظور «سوار کردن بر بلندیها» مسلط ساختن قوم بر سرزمین و زندگی در امنیت می‌باشد (ر.ک. ۲۹:۳۳؛ حب ۳: ۱۹؛ مز ۳: ۳۳؛ عا ۱۳: ۴؛ میک ۳: ۱؛ اش ۱۴: ۵۸).

g این لقبی است برای اسرائیل (ر.ک. ۵: ۳۳، ۲۶: ۲۶؛ اش ۲: ۴۴) و احتمالاً اسم تصعیر برای «بشر» (یعنی «راست») می‌باشد؛ لذا نسبت به نام «یعقوب» تداعی کننده نکات مثبت تری است (ر.ک. توضیح پید ۲۶: ۲۵).

h «خارجی‌ها» اشاره‌ای است به خدایان اقوام دیگر (ر.ک. اش ۱۲: ۴۳؛ ار ۲۵: ۲). ۱ اصطلاحی است تحقیرآمیز که برای خدایان خارجی به کار می‌رود، خدایانی که خدا نیستند (ر.ک. آیه ۱۷).

^{۲۶} **فَتَمْ:** «ایشان را به غبار تبدیل خواهم ساخت^۱»
 یاد ایشان را از میان فانیان محو خواهم ^{۱۴:۹}
 نمود، ^{۱۷:۳۴}

^{۲۷} **اَكُرْ اَزْ خَسْمَ دَشْمَنْ نَمِيْ تَرْسِيدْمْ** ^{۲۸:۹}
 از اینکه خصم‌انشان در مورد خود استیاه اش ^{۱۴-۱۳:۱۰}

^{۲۸} **رِيزْرَا اِينْ مَلْتَىْ اِسْتَ كَهْ دَرْ**
 مشورت‌های خود گمراه می‌شود،
 و در ایشان هوشمندی ای نیست.
^{۲۹} **اَكُرْ حَكِيمْ مِيْ بُودَنْدَ، اِينْ رَا**
 می‌فهمیدند،
 و تشخیص می‌دادند که عاقیت‌شان چه
 خواهد بود.

^{۳۰} **چَكْوُنَه يِكْ نَفَرْ بِهْ تَنْهَايِيْ مِيْ تَوَانَسْتَ**
 هزار (نفر) را تعاقب کند،
 و دو (نفر) می‌توانستند ده هزار (تن) را
 فراری دهند،
 مگر نه به این سبب که صخره ایشان،
 آنان را فروخته
 و یهود ایشان را تسلیم کرده است؟
^{۳۱} **چَرَا كَهْ صَخْرَه يِشَانْ مَانَدْ صَخْرَه مَا**
 نیست،
 و دشمنان ما در این مورد شاهدند^k؛
^{۳۲} **چَرَا كَهْ تَاكْسَتَانْ يِشَانْ، تَاكْسَتَانْ**
 سدوم است

^۱ داور: ۱۴:۲؛ سوو: ۱۲:۹؛ اش: ۱:۱؛ ۳:۵؛ مز: ۱۳:۴؛ تووا: ۲:۲؛ پید: ۴:۳۲

بَا «بَطَالَتَهَايِيْ ۲ خَوَدْ مَرَا بِهْ خَسْمَ
آَورْدَنْدَ: ^{۷:۹} بسیار خوب! من نیز با آنچه که قومی
 نیست ایشان را به حسادت خواهم آورد، ^{۱۹:۱۰}
 با ملتی بی عقل ایشان را به خشم خواهم
 آورد. ^{۱:۱۱}

^{۲۲} **رِيزْرَا كَهْ آَتَشِيْ دَرْ بَيْنِيْ مِنْ اَفْرُوكْتَهْ**
 شده، ^{۷:۱۱} و تا ژرفاهای شئول می‌سوزد،
 زمین را نابود می‌سازد، و نیز محصولش
 را، ^{۴:۶} بنیادهای کوهها را به آتش می‌کشد.

^{۲۳} **رِيزْرَا بِلَاهَا خَوَاهِمْ اَنْبَاشْتَ،** ^{۴۲:۳۲} تیرهایم را بر علیه ایشان به اتمام خواهم
 رساند؛ ^{۱:۱۶؛ ۵:۱۶؛ ۳:۳۸؛ ۱:۱۸؛ ۷:۷} در اثر گرسنگی تغییر قیافه خواهد
 داد ^{۴:۶} و در اثر تب^۱ از میان خواهد رفت ^{۵۷-۵۳، ۴۸:۴۸}

^{۲۴} **رِيزْرَا لَاوَدْ دَنَدَنْ حَيْوانَاتْ رَا خَوَاهِمْ** ^{۲۲:۲۶} بر علیه ایشان دندان حیوانات را خواهم
 فرستاد ^{۵۰:۲۸} و زهر آنهایی را که در خاک می‌خزند.

^{۲۵} **رِيزْرَا دَرْ بِيرُونْ شَمَشِيرْ اِيشَانْ رَا فَرَزَنْدَ،** ^{۱:۱۶} در بیرون شمشیر ایشان را از فرزند
 محروم خواهد ساخت، ^{۱:۱۸؛ ۷:۷} در اندرون، وحشت خواهد بود
 برای مرد جوان و برای دختر جوان، ^{۱:۱۰؛ ۸:۲۲؛ ۱۴:۸} برای شیرخواره به همان اندازه که برای
 مرد سپیدموی!^۱

^۲ معنی تحت‌اللفظی این کلمه «دَمَهَا» است، یعنی آنچه که سبک و نامنسجم و ناپایدار و بدون نیرو است؛ این نیز دلالتی است تحقیرآمیز بر بتها (ار ۱۹:۸؛ ۱۰:۸؛ ۲۲:۱۴؛ ر.ک. مز ۷:۳۱).

^۱ برخی این کلمه را «صاعقه» ترجمه می‌کنند؛ صاعقه نزد فینیقیان نماد خدای طوفان بود.

^۱ معنی این عبارت روشن نیست.

^k در ک این متن دشوار است. برخی از مترجمین حالت نفی مصرع‌های نخست را در این عبارت نیز تکرار می‌کنند و چنین ترجمه می‌کنند: «و نه دشمنان ما شاهد آنند». ترجمه یونانی چنین آورده: «و دشمنان ما ابله هستند».

و برای شما پناهگاهی باشند!
۳۹ اکنون ببینید که این منم که من هستم
و بادا که در کنار من خدایی نباشد:
من هستم که می‌میراند و زنده می‌کند؛
من زخمی می‌کنم و من هستم که شفا
می‌بخشد؛
و کسی از دست من نمی‌رهاند.
۴۰ آری، دست خود را به سوی آسمان مکا.
بلند می‌کنم و می‌گویم:
به همان راستی که تا ابد زنده هستم،
۴۱ آن گاه که شمشیر برآق خود را تیز حب
کرده باشم
و دستم داوری را نگاه دارد،
انتقام را علیه خصمانت برخواهم گرداند
و به آنان که مرا نفرت می‌دارند، دینشان
را خواهم پرداخت؛
۴۲ تیرهایم را با خون سرمست خواهم
ساخت،
و شمشیرم گوشت را خواهد درید،
خون کشتگان و اسیران را،
سر دشمن را که زلفهایی پریشان دارد. داور:۵
۴۳ ای ملت‌ها^P، برای قومش هلله کنید،
چرا که او انتقام خون خدمتگزارانش را
می‌گیرد،
انتقام را بر علیه خصمانت بر می‌گرداند لور:۲۱

و درخت انگور عمره؛
انگورهایشان انگورهای مسموم است،
چه خوش‌های تلخی است خوش‌های آنان!
۳۳ شرابشان زهر مار^۱ است،
سم مهلک افعی‌ها!
۳۴ آیا این نزد من ذخیره نشده،
و در گنجهای من مهر نشده است؟^m
۳۵ انتقام و پاداش از آن من استⁿ،
آن هنگام که پایشان خواهد لغزید!
زیرا که نزدیک است روز سیه روزی شان،
و آنچه انتظارشان را می‌کشد، شتاب
می‌کند.
۳۶ آری، یهوه عدالت را در حق قومش
به جا خواهد آورد،
و بر خدمتگزارانش ترحم خواهد نمود،
آن هنگام که ببیند نیرویشان از میان رفته
و دیگر نه برده ای هست و نه مردی آزاد.^۵
۳۷ آنگاه خواهد گفت: کجا یند
دارو:۱۰ پایه:۱۸۱
خدايانشان،^۲
۳۸ آنان که پیه قربانی هایشان را
می‌خورند،^۳
و باد هدایای ریختنی شان را
می‌نوشیدند؟
بادا که بر خیزند و به یاری شما آیند

۱ این اصطلاح به زبان عبری به معنی مارهای بزرگ است. ر.ک. خروج ۹:۷، ۱۰:۹، ۱۲:۱، ۱۳:۹۱ هزا.
۲ آیه ۳۴-۴۳ در ارتباط با مجازات بت پرستان، اما رحمت خدا و نجات قوم برگزیده می‌باشد.

۳ این عبارت در روم ۱۹:۱۲ و عبر ۱۰:۳۰ با شکلی اندکی متفاوت نقل قول شده است: «انتقام از آن من است: منم که پاداش
می‌دهد».

۴ در خصوص این اصطلاح، ر.ک. توضیح ۱-پاد ۱۰:۱۴.

۵ این هلله پایانی در ترجمه یونانی و نسخ قمران به شکلی طولانی تر وجود دارد (مصنوعهایی که ما در پرانتر گذاشته ایم، در
نسخه‌های قمران از قلم افتداد است):

«ای آسمانها، با او شادی کنید!
بادا که جمیع بسران خدا در مقابل او سجده کنند،
(ای ملت‌ها، با قوم او شادی کنید،

اعلام رحلت موسی^۸
 ۴۸ در همان روز، یهوه به این مضمون با
 موسی سخن گفت:^۹ «بر کوه عباریم که
 ۱:۳۴ اینجا است برآی، بر قله نبو، که در
 سرزمین موآب است، در مقابل اریحا، و
 سرزمین کنعان را نگاه کن که آن را به
 بنی اسرائیل به مالکیت می دهم.^{۱۰} سپس
 ۱۷:۸-۲۵:۲۶ پیدا شد، همان سان که برادرت
 خویشانت بپیوند،^{۱۱} هارون بر کوه هور مرد و به خویشانش
 ۲:۳۱ اعد ۲۴:۲۰-۲۵:۲۴ اعد ۲۱ پیوست.^{۱۲} از آنجا که در میان
 بنی اسرائیل، در آبهای مریب قادش، در
 صحرای سین، به من وفادار نبودید، و از
 آنجا که قدوسیت مرا در میان بنی اسرائیل خروج
 ۷:۱۷-۸:۲۳ اعد ۱۳:۱۳ نمودار نساختید^{۱۳} سرزمین را از دور
 خواهی دید، اما وارد آن نخواهی شد، به
 ۲۷:۳ این سرزمین که به بنی اسرائیل می دهم.»

۸:۲۱ و کفاره را برای زمین قومش^۹ انجام
 می دهد.

۹:۴ موسی رفت و تمامی سخنان این سرود
 را به گوشهای قوم گفت، او و یوشع^{۱۰} پسر
 نون.

۱:۱ ۱۵ چون موسی از گفتن تمامی این سخنان
 به جمیع اسرائیل فارغ شد،^{۱۱} به ایشان
 گفت: «تمامی سخنانی را که امروز
 به واسط آنها بر علیه شما آن را شهادت
 می دهم، در دل نگاه دارید؛ آنها را به
 پسرانتان امر کنید تا مراقب باشند که
 تمامی سخنان این شربعت را به عمل
 آورند.^{۱۲} زیرا این برای شما کلامی تهی
 نیست، بلکه حیات شما است، و به واسط
 این کلام است که روزهای خود را بر زمینی
 ۴۰:۴ که با عبور از اردن آن را به مالکیت در
 خواهید آورد، طولانی خواهید ساخت.»

و جمیع فرشتگان خدا برای او نیرومند باشند.)
 زیرا انتقام خون پسراش گرفته شده؛
 او انتقام خواهد گرفت و انتقام را بر دشمنانش فرو خواهد آورد.
 آنان را که او را نفرت می دارند جزا خواهد داد؛
 خداوند زمین قومش را پاک خواهد ساخت.»

در روم ۱۰:۱۵ و عبر ۱:۶ از دو قسمت از این مؤخره طولانی تر نقل قول شده است.

۹ تحتاللفظی: «زمینش قومش». برخی ترجمه می کنند: «زمینش و قومش». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی (همان گونه که در توضیح p نقل قول شده است).

۱۰ در متن عبری، به جای «یوشع» (یعنی «یهوه نجات است»)، نام اولیه این شخصیت به کار رفته، یعنی «هوشع» (ر.ک. اعد ۸:۱۳-۱۶). ما بر اساس متن سامری و ترجمه های قدیمی، آن را با «یوشع» جایگزین کرده ایم.
 ۱۱ آیات ۵۲-۴۸ متعلق به سنت «کهانتی» است. این آیات تکرار بخشی از اعد ۲۷:۱۲-۲۳ می باشند. روایت «کهانتی» مربوط به زندگی موسی در تث ۳۴:۲۱-۷-۹ به پایان می رسد.

۱۲ تحتاللفظی: «مرا تقدیس نکردید»؛ این می تواند یا به این معنی باشد: «تصدیق نکردید که من می توانستم حاکمانه و با قدرت عمل کنم»، یا به این معنی: «اجازه ندادید قدوسیت من ظاهر شود». در خصوص موضوع مجازات موسی، ر.ک. توضیح ۲۷:۳

۱۵:۳۲ در پیشورون پادشاهی بود^Z، آن گاه که بزرگان قوم گرد آمدند،
بوش ۲۴ قبیله های اسرائیل، با هم.
۶ بادا که رئوبین زیست کند و نمیرد!
اما مردمانش به تعداد کمی باشند!
۷ و اینک برای یهودا: گفت:
گوش فرا ده، ای یهوه، به صدای یهودا
و او را به سوی قومش باز آور^a؛
دستانش برای او جنگ خواهند کرد
و تو امدادی خواهی بود علیه خصمانش.
۸ و برای لای گفت^b:
تُمِّيم^c تو و اوریم تو
برای مرد دیندار تو است،
که او را در مسا آزمایش کردي،
و در آبهای مریبه نزاع نمودی^d،
۹ هم او که در باره پدرش و مادرش
می گوید:

۱۶:۶ خروج ۱۷:۱۷

^۱ پید ۴۹ برکت دادن دوازه قبیله اسرائیل
سـ۳۳ ^۲ و این برکتی است که موسی، مرد خدا، پیش از مرگ خود،
بنی اسرائیل را با آن برکت داد. گفتⁱⁱ:
^۳ یهوه از سینا آمد،
۱۸:۶ مز ۴:۵ و از سعیر برای ایشان بر خاست؛
۳:۳ حب از کوه فاران درخشد،
از کرورهای قادش^{vii} آمد،
از جنوب، برای ایشان، به آشدوت^w.
^۴ به یقین او قوم ها^x را دوست می دارد،
اما جمیع مقدسانش^y در دست تو هستند
و ایشان در مقابل پایهای تو فرود
می آیند؛
هر یک (چیزی) از سخنان تو دریافت
می دارد.

^۵ موسی شریعتی برای ما مقرر داشت،
مالکیتی برای جماعت یعقوب.

ⁱⁱ «برکت موسی» متشکل است از دو عنصر متمایز: از یک سو، سرودی است در ستایش خدای اسرائیل و یادآوری اعمالش برای قوم؛ هر دو بخش این سرود چارچوبی را برای تمام فصل تشکیل می دهد (آیات ۲-۵ و ۲۶-۲۹)؛ از سوی دیگر، بخش مرکزی این فصل، مجموعه ای از سخنانی است که به سرنوشت هر یک از قبیله ها در آینده می پردازد. شرایطی که در این آیات، یعنی ۶-۲۵، تداعی شده، منعکس کننده دوره بعد از استقرار قبیله ها در کنعان و پیش از اتحاد آنها تحت فرمانروایی داود می باشد. - متن اصلی در نسخ خطی در شرایط خوبی حفظ نشده، خصوصاً بخش سرود آن، و مترجم ناگزیر از توصل به حدس و گمان می باشد.

^{vii} متن عبری را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «از کرورهای قدوسیت بیرون آمد» (ر.ک. توضیح یهو ۱۴). اشاره ای که در ابتدای این آیه به سینا شده، ما را بر آن می دارد که کلمه «قدوسیت» را «قادش» بخوانیم (ر.ک. ۴۶:۱-۱۹).

^w در متن عبری، به جای «آشدوت»، واژه «اشدات» (احتمالاً به معنی «آتش شریعت») آمده و ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. شاید منظور «شیهای» فسجه (ر.ک. ۱۷:۳؛ ۴۹:۴) در نزدیکی نبو باشد، همان جایی که موسی رحلت خواهد کرد (ر.ک. ۷:۳؛ ۵:۳۲-۴۹؛ ۱:۳۴).

^x «قوم ها»: این اصطلاح احتمالاً اشاره ای است به قبایل اسرائیل که در آیات ۴-۵ صراحتاً به آنها اشاره شده است. ^y به معنای فرزندان قوم برگزیده، قومی که به طور مخصوص به یهوه وقف شده است.

^Z این «پادشاه» به نظر می رسد که خود خداوند باشد که از این پس بگانه سرور اسرائیل است. اما در آن می توان اشاره ای به پادشاه اسرائیل را نیز مشاهده کرد که استقرارش عمل خداوند است (ر.ک. ۲:۲، ۷).

^a در اینجا یهودا جدا از سایر قبایل به نظر می رسد: این نقطه نظر اسرائیلیانی است که در مرکز و شمال سرزمین استقرار یافته اند. اما بر عکس، در پید ۸:۴۹-۱۲، از یهودا تعسیتی به عمل آمده که خاص سنت های جنوب است.

^b ترجمه یونانی این عبارت را پیش تکمیل می کند: «به لای تیم و اوریم خود را بده».

^c در خصوص «تیم و اوریم» که ابزارهای دریافت مشورت از خدا هستند، ر.ک. توضیح خروج ۳۰:۲۸.

^d در عبری با نامهای «مسا و مریبه» بازی با کلمات صورت گرفته و از این راه، آنها را به ترتیب به «آزمایش» و «نزاع» مرتبط کرده اند.

- ^{۱۵} بهترین عطیه کوهساران گذشته،
عطیه مرغوب تپه های کهن،
^{۱۶} عطیه مرغوب زمین و آنچه که آن را پر
می سازد،
و لطف «آن کس» که در بیشه ساکن خروج^{۱۳}
است!
باشد که [این برکات] بر سر یوسف
بیاید،
بر جمجمه آن که در میان برادرانش
تقدیس شده است!
^{۱۷} نخست زاده گاو نر، شکوهمندی از آن
او باد!
شاخهای گاویش باد شاخهای او!
با آنها قوم ها را خواهد زد،
همگی آنان را با هم تا اقصای زمین.
این چنین هستند کرورهای افراییم،
این چنین هستند هزاران منسی^۱.
^{۱۸} و برای زبولون گفت:
سعادتمند باش، ای زبولون، در
لشکرکشی هایت،
و تو، ای یسکار، در خیمه هایت!
^{۱۹} قوم ها بر کوهی که بر فراز آن دعا
می کنند،
قربانی های عادلانه تقدیم می دارند،
زیرا آنان فراوانی دریاها را به سوی خود
جلب می کنند
- «ایشان را ندیدم»،
هم او که برادرانش را نمی شناسد
و در باره پسرانش هیچ نمی داند.
زیرا که ایشان کلام تو را رعایت کردند
و عهد تو را نگاه داشته اند؛
^{۲۰} قواعد تو را به یعقوب تعليم می دهند^۲
و شریعت تو را به اسرائیل؛
بحور^f را زیر بینی تو قرار می دهند
و هدیه کامل را بر قربانگاه تو.
^{۱۱} ای یهوه، ارزش او را برکت بدء
و عمل دستانش را مقبول بدار؛
گرده های مهاجمانش را خرد ساز
و گرده های آنانی را که او را نفرت
می دارند؛ بادا که دیگر بر نخیزند!
^{۱۲} برای بنیامین گفت:
۱۳:۲تس۲ محبوب یهوه، او در امنیت ساکن
می باشد؛
۲۸:۳تس۳ آن متعال او را تمامی روز محافظت
می نماید
و در میان شانه هایش^h سکونت می گزیند.
^{۱۳} و برای یوسف گفت:
مبارک یهوه است سرزمین او!
از آن او باد عطیه مرغوب آسمان از بالا،
و از لجه که در پایین گسترده است،
^{۱۴} عطیه مرغوب محصولات خورشید،
عطیه مرغوب میوه های دوره های ماه،

^۲ در عبری، از همین فعل است که کلمه «تورات» مشتق می شود، کلمه ای که دلالت دارد بر شریعت.
^f می توان «دود» نیز ترجمه کرد، یعنی دود قربانی ها.
^h منظور اشاره به پرستشگاهی است که به این قبیله تعلق داشته است، احتمالاً «شیلوه» (۱-سمو ۳-۱). منظور ممکن است معبد اورشلیم نیز باشد، زیرا این شهر گاه متعلق به قبیله بنیامین نیز تقی شده است.
۱ افراییم و منسی با هم، خاندان یوسف را تشکیل می دهند (ر. ک. پید ۱۳:۴۸-۲۰).
۲ این کوه احتمالاً کوه تابور است که در هر دو سرزمین زبولون و نفتالی واقع شده است. پرستشگاهی که بر قله آن بنا شده، نقطه اجتماع جندين قبیله بوده است (ر. ک. سقوم هاز در آیه ۳)، و شاید حتی نقطه اجتماع کنعانیان. باراق پیش از جنگ با سیسرا، لشکر اسرائیل را بر همین کوه تابور گرد می آورد (داور ۱۶:۴).

^{۲۵} بادا که کشوهای (دروازه‌هایت) از آهن و مفرغ باشد و امنیتⁿ تو به اندازه روزهایت به درازا بینجامد!

^{۲۶} هیچکس همانند خدای یشورون^۴ نیست، که بر آسمانها سوار می‌شود تا به یاری تو بشتابد، و بر ابرها، در عظمت خود.

^{۲۷} خدای دوره‌های گذشته پناهگاه است و در این پایین، بازوهایی جاودانی؛ دشمن را از مقابل تورانده، گفته: «قلع و قمع کن!»

^{۲۸} اسرائیل در امنیت ساکن است، چشمیه یعقوب جدا می‌ماند در سرزمین گندم و شراب تازه، و آسمانش شبنم را می‌چکاند.

^{۲۹} سعادتمند هستی تو، ای اسرائیل! کیست مانند تو، قومی نجات یافته به دست یهوه، سپری که تو را یاری می‌دهد، شمشیری که تو را ظفرمند می‌سازد؟ دشمنانت تو را مدح خواهند گفت، و تو، بر قله‌های ایشان راه خواهی رفت.

^{۳۰} و گنجهای نهفته شده در شن را.^k

^{۳۱} و برای جاد گفت: مبارک باد آن کس که جاد را وسعت می‌بخشد!

^{۳۲} او همچون شیر ماده می‌آراد، بازو و جمجمه را می‌درد.

^{۳۳} نوبرهای را برای خود کسب کرده، زیرا در آنجا سهم رئیس ذخیره شده است.

^{۳۴} او به بازگان قوم پیوسته، عدالت یهوه را به جا آورده و داوریهای او را بر اسرائیل.

^{۳۵} و برای دان گفت: دان شیری است جوان که از باشان می‌جهد.

^{۳۶} و برای نفتالی گفت: نفتالی، سیر از لطف و آکنده از برکت یهوه، دریا^۱ و جنوب را به مالکیت در آور!

^{۳۷} و برای اشیر گفت: مبارک باد اشیر در میان [تمامی] پسران!

^{۳۸} بادا که در میان برادرانش مورد لطف قرار گیرد و پای خود را در روغن خیس کند!^m

^k در اینجا به منافعی اشاره می‌شود که این دو قبیله از بازگانی دریابی با همسایگان فنیقی خود به دست می‌آوردن، و نیز احتمالاً از ساخت شیشه از شهرهای دریا.

^۱ منظور می‌تواند «دریای مدیترانه» واقع در غرب باشد. اما با توجه به اینکه قلمرو نفتالی در شرق دریاچه جلیل واقع شده بود، می‌تواند اشاره به این دریا نیز باشد.

ⁿ «روغن» اغلب در کتاب مقدس تصویری است از فراوانی.

^m معنی این کلمه مشخص نیست. ترجمه یونانی آن را «قوت» برگردانده، و وولگات نیز «سالخوردگی».

رحلت موسی

۳۶

بیست ساله بود؛ چشمش ضعیف نشده بود مز ۹۳:۱۵-۱۳:۱۵
و طراوتش از میان نرفته بود.^۱ بنی اسرائیل در بیابانهای موآب به مدت سی روز برای موسی گریستند، و پس از آن، روزهای اعد ۲۰:۲۹-۲۱:۲۹ زاری برای سوگواری موسی پایان یافت.
^۲ یوشع پسر نون از روح حکمت پر بود، زیرا ۱:۲۸-۲:۱۵ که موسی دستان خود را بر او تکیه داده بود. بنی اسرائیل او را اطاعت کردند و اعد ۶:۱۸-۷:۲۲ مطابق آنچه که یهُوه به موسی امر فرموده بود، به عمل آوردند.
^۳ در اسرائیل دیگر نبی ای همچون موسی بر نخاست^P- هم او که یهُوه او را رو خروج ۳:۱۱-۳:۱۱ فرن ۱:۱۲-۱:۱۲ به رو می شناخت.^۴ خواه برای تمامی نشانه‌ها و کارهای شگفت‌انگیزی^۵ که یهُوه ۴:۲۴-۴:۲۴ او را فرستاد تا در سرزمین مصر بر علیه فرعون، و بر علیه جمیع خدمتگزارانش و بر علیه سرزمینش انجام دهد،^۶ خواه برای همه قدرت عظیم و همه وحشت عظیمی که خروج ۱:۱۴-۱:۳۱ موسی در مقابل چشمان تمام اسرائیل ۱:۱ به عمل آورده بود.

^۱ موسی از بیابانهای موآب به کوه نبو، به قله فسجه برآمد که در مقابل اریحا است، و یهُوه تمام سرزمین را به او نشان داد: جلعاد تا به دان،^۲ تمام نفتالی، سرزمین افراییم و منسی، تمام سرزمین یهودا تا به دریای غربی،^۳ نگب، ناحیه، دره اردن، شهر نخلستان تا به صوغر.^۴ یهُوه به او گفت: «این است سرزمینی که با سوگند به ابراهیم و به اسحاق و به یعقوب و عده دادم و گفت: آن را به اعقاب تو خواهم داد. گذاشت که آن را با چشمانت ببینی، اما به آنجا عبور نخواهی کرد.»^۵ در اینجا بود که موسی، خدمتگزار یوشع ۱:۲-۱:۲ یهُوه، مرد، در سرزمین موآب، مطابق امر یهُوه^۶ او وی را در دره دفن کرد^۷، در سرزمین موآب، در مقابل بیت-فعور، و هیچکس تا به امروز از آرامگاه او اطلاعی ندارد.^۸ موسی به هنگام مرگ یکصد و

^۰ فاعل فعل احتمالاً خداوند است. اما این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «او را دفن کردند». در یهُوه^۹ اشاره‌ای به راز این آرامگاه شده است که احتمالاً الهام یافته از کتاب‌های آپوکریفای یهود می‌باشد.
^P این متن با تأیید این نکته که دیگر هرگز نبی ای همچون موسی ظهر نکرد، ظاهرًا نکته‌ای خلاف ۱۸:۱۸-۱۵:۱۸ بیان می‌دارد (ر.ک. توضیح ۱۸:۱۵)، و نیز خلاف اعد ۶:۱۲-۷:۷ که در آن موسی «نبی» نیست. سنت همواره میان دو عقیده در نوسان بوده: یکی اینکه موسی شخصیتی منحصر به فرد بوده، و دیگری آنکه مردان خدا در نسل‌های بعد نیز بر همان سیاق بوده‌اند.
^۹ از آنجا که در جاهای دیگر، نشانه‌ها و کارهای شگفت‌انگیز را خود خدا انجام داده، این فرمول بیشتر بر بزرگی غیرقابل مقایسه موسی تأکید می‌گذارد (ر.ک. ۴:۳۴).